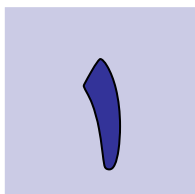


سلسله کتاب های خودآموز مهارت ها و فنون آموزش



روانشناسی یادگیری و آموزش

دوره ارتقاء مهارت های آموزشی
مربیان آموزشگاه های بهورزی



صندوق کودکان سازمان ملل متحد
(یونیسف)

وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی
معاونت سلامت

847/7 چگینی ، یوسف رضا
دوره ارتقاء مهارت‌های آموزشی مربیان آموزشگاه های
بهورزی/ تالیف و تدوین یوسف رضا چگینی ؛ با همکاری محمد رضا
رهبر به سفارش وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی ، معاونت
سلامت و صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) .
تهران : یونیسف (صندوق کودکان سازمان ملل متحد) ،
1381.
4ج. (سلسله کتاب های خودآموز مهارت ها و فنون آموزش)
ISBN 964-6513-63-8

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا .
مندرجات : ج . 1 . روانشناسی یادگیری و آموزش
- - - ج . 2 . روشها و فنون تدریس . - -
1- بهورزان - - ایران - - آموزش . الف . رهبر ،
محمد رضا ب . ایران . وزارت بهداشت ، درمان و آموزش
پزشکی . معاونت سلامت . ج . یونیسف (Unicef) united
Nations children's fund د . عنوان .
610/7 R 847/ 7 / الف 9 چ 8

کتابخانه ملی ایران 29609-81 م

نام مجموعه : سلسله کتاب های خودآموز مهارت ها و فنون آموزش
نام کتاب : دوره ارتقاء مهارت های آموزشی مربیان آموزشگاه های بهورزی
روانشناسی یادگیری و آموزش - (جلد اول)
تألیف و تدوین : یوسف رضا چگینی با همکاری دکتر محمد رضا رهبر
به سفارش وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی و صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف)
تاریخ انتشار : پاییز 1381
تیراژ : 5000
شابک : 964-6513-63-8
طراحی جلد و صفحه آرای : شرکت مدیا طرح گستر
لیتوگرافی : کحالی
چاپ : کیانقش
صحافی : سپیدار

اجزاء متون خودموز دوره ارتقاء مهارت های آموزشی

آشنایی با روانشناسی یادگیری و آموزش مفاهیم یادگیری ، آموزش ، حرفه آموزشی طبقه بندی هدف های آموزشی سطوح مختلف هدف های حیطه شناختی سطوح مختلف هدف های حیطه عاطفی سطوح مختلف هدف های حیطه روانی – حرکتی کاربرد نظریه های یادگیری در آموزش نظریه انگیزش یادگیری نظریه و روش یادگیری در حد تسلط	<table> <tr> <th>کتاب اول</th><th>روانشناسی یادگیری و آموزش (تربیتی)</th></tr> <tr> <td>1. یادگیری ، آموزش و مهارت آموزی</td><td></td></tr> <tr> <td>2. کاربرد طبقه بندی هدف های آموزشی</td><td></td></tr> <tr> <td>3. بهره گیری از نظریه های یادگیری در آموزش</td><td></td></tr> </table>	کتاب اول	روانشناسی یادگیری و آموزش (تربیتی)	1. یادگیری ، آموزش و مهارت آموزی		2. کاربرد طبقه بندی هدف های آموزشی		3. بهره گیری از نظریه های یادگیری در آموزش							
کتاب اول	روانشناسی یادگیری و آموزش (تربیتی)														
1. یادگیری ، آموزش و مهارت آموزی															
2. کاربرد طبقه بندی هدف های آموزشی															
3. بهره گیری از نظریه های یادگیری در آموزش															
	<table> <tr> <th>کتاب دوم</th><th>روش ها و فنون تدریس</th></tr> <tr> <td>4. مفاهیم بنیادی تدریس</td><td></td></tr> <tr> <td>5. مدل عمومی تدریس</td><td></td></tr> <tr> <td>6. روش ها و فنون تدریس</td><td></td></tr> <tr> <td>7. الگو های تدریس</td><td></td></tr> <tr> <td>8. روش های تدریس</td><td></td></tr> <tr> <td>9. شیوه های تدریس</td><td></td></tr> </table>	کتاب دوم	روش ها و فنون تدریس	4. مفاهیم بنیادی تدریس		5. مدل عمومی تدریس		6. روش ها و فنون تدریس		7. الگو های تدریس		8. روش های تدریس		9. شیوه های تدریس	
کتاب دوم	روش ها و فنون تدریس														
4. مفاهیم بنیادی تدریس															
5. مدل عمومی تدریس															
6. روش ها و فنون تدریس															
7. الگو های تدریس															
8. روش های تدریس															
9. شیوه های تدریس															
	<table> <tr> <th>کتاب سوم</th><th>نظارت و ارزشیابی آموزشی</th></tr> <tr> <td>10. نظارت ، ارزشیابی و اندازه گیری</td><td></td></tr> <tr> <td>11. انواع ارزشیابی های آموزشی</td><td></td></tr> <tr> <td>12. آزمون ها و طراحی آزمون</td><td></td></tr> <tr> <td>13. طراحی جدول هدف / محتوا</td><td></td></tr> <tr> <td>14. قواعد تهیه انواع آزمون ها</td><td></td></tr> </table>	کتاب سوم	نظارت و ارزشیابی آموزشی	10. نظارت ، ارزشیابی و اندازه گیری		11. انواع ارزشیابی های آموزشی		12. آزمون ها و طراحی آزمون		13. طراحی جدول هدف / محتوا		14. قواعد تهیه انواع آزمون ها			
کتاب سوم	نظارت و ارزشیابی آموزشی														
10. نظارت ، ارزشیابی و اندازه گیری															
11. انواع ارزشیابی های آموزشی															
12. آزمون ها و طراحی آزمون															
13. طراحی جدول هدف / محتوا															
14. قواعد تهیه انواع آزمون ها															
	<table> <tr> <th>کتاب چهارم</th><th>تکنولوژی آموزشی</th></tr> <tr> <td>15. رهنمود های تکنولوژی آموزشی</td><td></td></tr> <tr> <td>16. نظریه سیستم ها در آموزش</td><td></td></tr> <tr> <td>17. طراحی منظم آموزشی</td><td></td></tr> <tr> <td>18. تهیه طرح درس کلی</td><td></td></tr> <tr> <td>19. تهیه طرح درس روزانه</td><td></td></tr> <tr> <td>20. رسانه های آموزشی</td><td></td></tr> </table>	کتاب چهارم	تکنولوژی آموزشی	15. رهنمود های تکنولوژی آموزشی		16. نظریه سیستم ها در آموزش		17. طراحی منظم آموزشی		18. تهیه طرح درس کلی		19. تهیه طرح درس روزانه		20. رسانه های آموزشی	
کتاب چهارم	تکنولوژی آموزشی														
15. رهنمود های تکنولوژی آموزشی															
16. نظریه سیستم ها در آموزش															
17. طراحی منظم آموزشی															
18. تهیه طرح درس کلی															
19. تهیه طرح درس روزانه															
20. رسانه های آموزشی															

صفحه	عنوان
8	راهنمای مطالعه.....
10	مقدمه.....
11	راهنمای محتوای کتاب.....
13	بخش اول : روانشناسی یادگیری و آموزش.....
15	فصل اول : موضوع و مفهوم روانشناسی یادگیری و آموزش.....
16	موضوع روانشناسی یادگیری و آموزش.....
17	روانشناسی تربیتی.....
18	یادگیری.....
21	آموزش.....
22	رابطه آموزش و یادگیری.....
22	کارآموزی.....
27	بخش دوم : هدف های آموزشی.....
29	فصل دوم : تهیه و تدوین هدف های آموزشی.....
30	ضرورت تدوین هدف های آموزشی.....
32	راه های مختلف تبیین هدف های آموزشی.....
33	انواع هدف های آموزشی.....
35	هدف های آموزشی رفتاری.....
36	تهیه و تدوین هدف های رفتاری.....
41	فصل سوم : طبقه بندی هدف های آموزشی.....
42	طبقه بندی سطوح یادگیری.....
42	هدف های آموزشی حیطه شناختی.....
43	سطوح یادگیری در حیطه شناختی.....

صفحه	عنوان
49.....	هدف های آموزشی حیطه عاطفی.....
57.....	هدف های آموزشی حیطه روانی – حرکتی.....
57.....	سطوح یادگیری در حیطه روانی – حرکتی.....
63.....	بخش سوم : نظریه های یادگیری و کاربرد آنها در آموزش.....
65.....	فصل چهارم : نظریه انگیزش یادگیری.....
66.....	مفهوم انگیزش.....
66.....	فنون ایجاد انگیزش در یادگیرندگان.....
73.....	فصل پنجم : نظریه و روش یادگیری در حد تسلط.....
74.....	نظریه یادگیری در حد تسلط.....
75.....	مراحل آموزش برای یادگیری در حد تسلط.....
75.....	هدف های آموزشی و رفتاری ورودی.....
76.....	تعیین حد تسلط.....
76.....	تعیین واحد های آموزشی یادگیری.....
76.....	اجرای آموزش گروهی.....
76.....	اجرای ارزشیابی ضمن آموزش و ارائه آموزش اصلاحی.....
76.....	ارزشیابی نهایی.....
77.....	تجدید نظر در طرح آموزشی.....
78.....	واژگان توصیفی.....

چگونه از این متن خود آموز استفاده کنیم ؟

برای سهولت بیشتر در کار مطالعه خود فعالیت های زیر را به ترتیب انجام دهید . این فعالیت ها به تفکیک در سه مرحله پیش از مطالعه ، حین مطالعه و بعد از مطالعه تقسیم شده است که نمودار صفحه بعد ، رهوس آن ها را نشان می دهد . هر مرحله هدف و منظور خاص خود را دارد . بنابراین در انجام فعالیت های هر مرحله ، منظور و هدف آن را در نظر داشته باشید :

■ ابتدا به راهنمای مطالب کتاب مراجعه نمایید . این راهنما تمامی مطالب کتاب را در قالب یک فلوجارت (روند نما) به شما نشان می دهد . این نمودار تعداد بخش ها و فصل ها را مشخص می کند و نشان می دهد که محتوای این کتاب از چه عناوین و مطالب اصلی و فرعی تشکیل شده است . سپس به مطالعه اجمالی محتوای کتاب بپردازید . در این نگاه اجمالی به مطالب ، شما با کلیات و عناوین بخش ها و فصل ها آشنا می شوید . نگران نباشید که مطالب زیادی به خاطر سپرده نمی شود . این نگاه اجمالی یک آمادگی ذهنی ایجاد میکند که تصویری کلی از تمامی محتوای کتاب را در ذهن خود داشته باشید .

■ پیش از مطالعه دقیق مطالب هر بخش ، یک بار به طور خیلی سریع مطالب فصل ها را مرور کنید . در این مرحله به جزئیات مطالب کاری نداشته باشید . تنها تا جایی که ممکن است تلاش کنید مشخص شود که « مطالب فصل به دنبال پاسخگویی به چه سؤال یا سؤالاتی هستند ؟ ».

■ پس از مطالعه اجمالی و تعیین حدود کلی محتوای کتاب ، ابتدا « هدف کلی » هر فصل را به دقت مورد توجه قرار دهید و مطالعه فعال خود را با در نظر داشتن اهداف فصل شروع نمایید . هدف کلی هر فصل را – که در قالب عبارات کوتاهی در آغاز فصل ها بیان شده است – مشخص نمایید و زیر آن خط بکشید . سپس اهداف اختصاصی هر فصل را مرور نمایید و در حین مطالعه مطالب فصل ، توضیحات مربوط به هر یک از اهداف را مشخص نمایید .

■ در حاشیه مطالب هر صفحه از کتاب قسمت هایی برای یادداشت برداری وجود دارد که می توانید با کلمات و جملات خود به نوشتن خلاصه آموخته های هر بحث اقدام کنید . ضمن خواندن فعال مطالب ، هر جا با نکته یا سؤالی مواجه شدید ، آن ها را یادداشت نمایید و در جلسات گروه های یادگیری ، نکات مورد نظر را مطرح و پیرامون آن بحث و گفتگو کنید . نکاتی را که قدری مشکل تر به نظر می رسند در جلسات رفع اشکال مطرح نمایید .

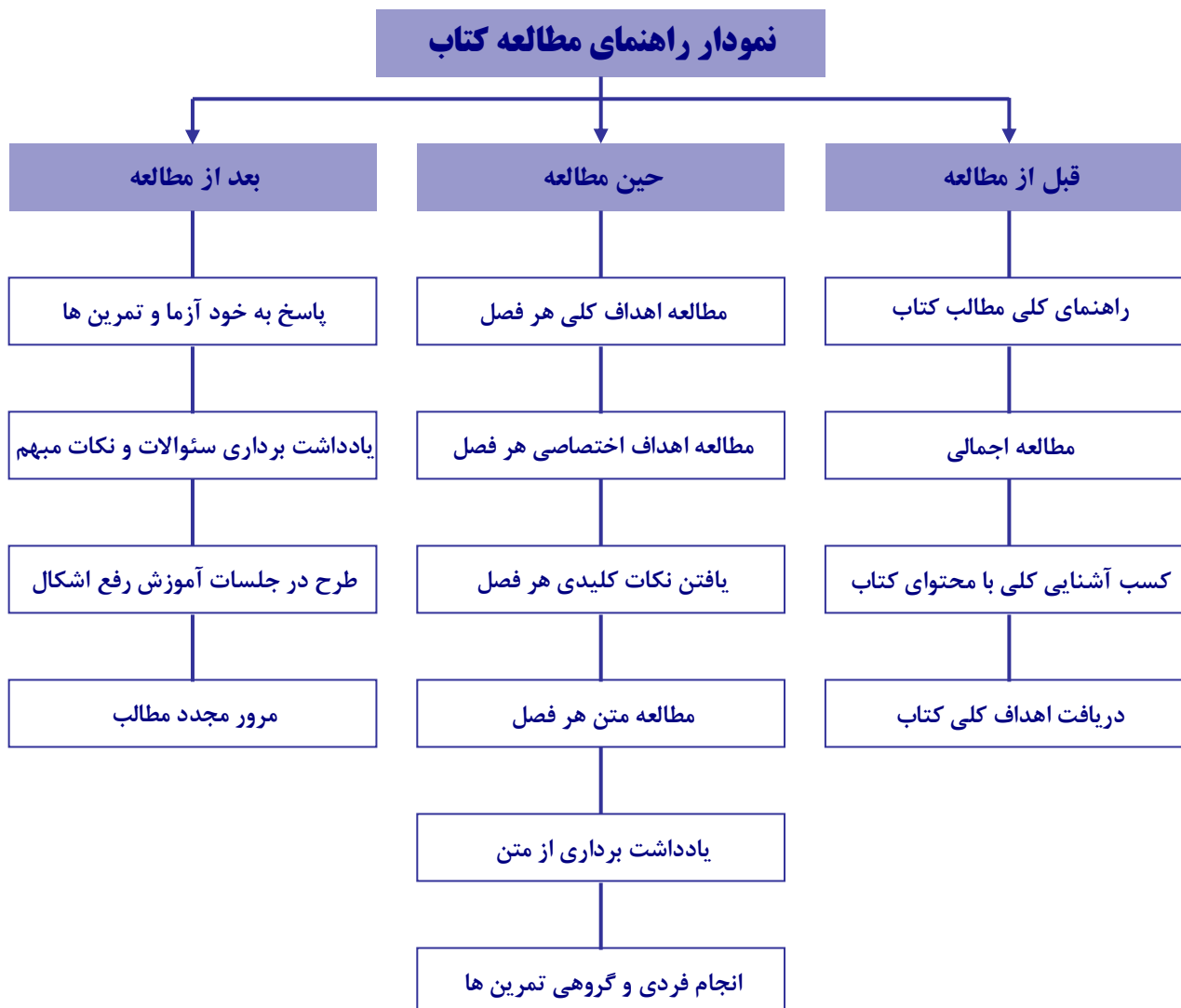
■ چنانچه در یادگیری مطالب یک فصل با کمی دشواری مواجه شدید ، عناوین و یا فصل های بعد را مطالعه کنید و مطمئن باشید که در دور بعدی مطالعه ، ادراک مطالب مورد نظر آسانتر خواهد بود . همچنین در نظر داشته باشید که مطالب کلیدی هر یک از این کتاب ها ، در قالب دو برنامه ویدئویی به تصویر شده است .

■ تنها به خواندن مطالب اکتفا نکنید . پیرامون کاربرد مطالب مطرح شده بیاندیشید . موارد استفاده های مختلف از اطلاعات هر یک از متون را یادداشت کنید و به راه هایی که می توانید اطلاعات خواننده شده را در زندگی شغلی و حرفه ای خود به کار ببرید فکر کنید .

■ در مقابل برخی واژه ها اعدادی وجود دارد که این اعداد ، ترتیب توضیح آنها در بخش واژگان توصیفی است و نشان می دهد که در انتهای کتاب درباره آن واژه توضیح بیشتری وجود دارد .

■ در انتهای کتاب چهارم فهرست منابع و ماخذ با عنوان منابعی برای مطالعه بیشتر ارائه شده است که با مراجعه به آنها می توانید اطلاعات بیشتری درباره هر یک از موضوعات کسب نمایید .

نمودار زیر فعالیت های هر مرحله از مطالعه کتاب را به طور خلاصه نشان می دهد :



مقدمه

«آموزش» به عنوان عنصر کلیدی و تفکیک ناپذیر رشد و توسعه، یکی از مهمترین راهبرد های تضمین موفقیت برنامه های خدماتی در تمامی ابعاد مختلف اجتماعی است؛ چراکه بدون تردید، ارائه آموزش صحیح و منطبق با اصول علمی روز تنها راه دستیابی به سطح مطلوب بهداشت و سلامت محسوب می شود. ارتقاء کیفی فعالیت های آموزشی همواره یکی از مسائل مهم دست اندر کاران و متخصصان امر آموزش به شمار می رود و در عرصه های علوم آموزشی تلاش بدون وقفه ای برای ارائه راه کار های آموزش های موفق و اثر بخش تر و غلبه بر موانع مسائل آن صورت می گیرد. بخش عمده ای از این مسائل متوجه تناسب و تطابق برنامه های آموزشی با نیاز های ارائه کنندگان و دریافت کنندگان خدمات آموزشی است که به خودی خود مستلزم شناخت هر چه بیشتر انسان به ویژه ابعاد مختلف یادگیری او است. انجام این مهم علی رغم دشواری های خاص خود، در عرصه های مختلف علوم تربیتی در حال شکل گیری است. تحقق چنین هدفی که نیاز های آموزشی آموزش گیرندگان را پاسخگو باشد مستلزم به کارگیری شیوه ها و اصولی است که مبتنی بر یافته های عملی و پژوهشی متعدد در این زمینه باشد.

روانشناسی یادگیری وظیفه ارائه این اصول و شیوه ها را به عهده دارد. بنابراین در میان شاخه های مختلف روانشناسی، روانشناسی یادگیری نقش اساسی و عمده ای را ایفا می کند. زیرا از یک سو از اصول و قوانین روانشناسی بحث می کند و از سوی دیگر آنها را به طور کاربردی و عملی در موقعیت های آموزشی بکار می گیرد. بنابراین روانشناسی آموزش و یادگیری یا روانشناسی تربیتی یک دانش کاربردی است. استفاده و کاربرد یافته ها و مطالعات این شاخه از دانش بشری، می تواند بسیاری از موانع، مشکلات و مسائل یادگیری آموزشگاهی را حل نماید و بهبود کیفی فعالیت های آموزشی تاثیر زیادی داشته باشد. به این منظور آگاهی مربیان و کلیه عوامل تربیتی از دانش روانشناسی و علوم مرتبط با آموزش امری ضروری و بدیهی است تا با شناخت دقیق تر از وضعیت فرد اعم از توانایی ها، انگیزه و شرایط اجتماعی با در نظر گرفتن نیازهای اجتماعی و سازمانی، شیوه های آموزشی خود را اعمال کنند.

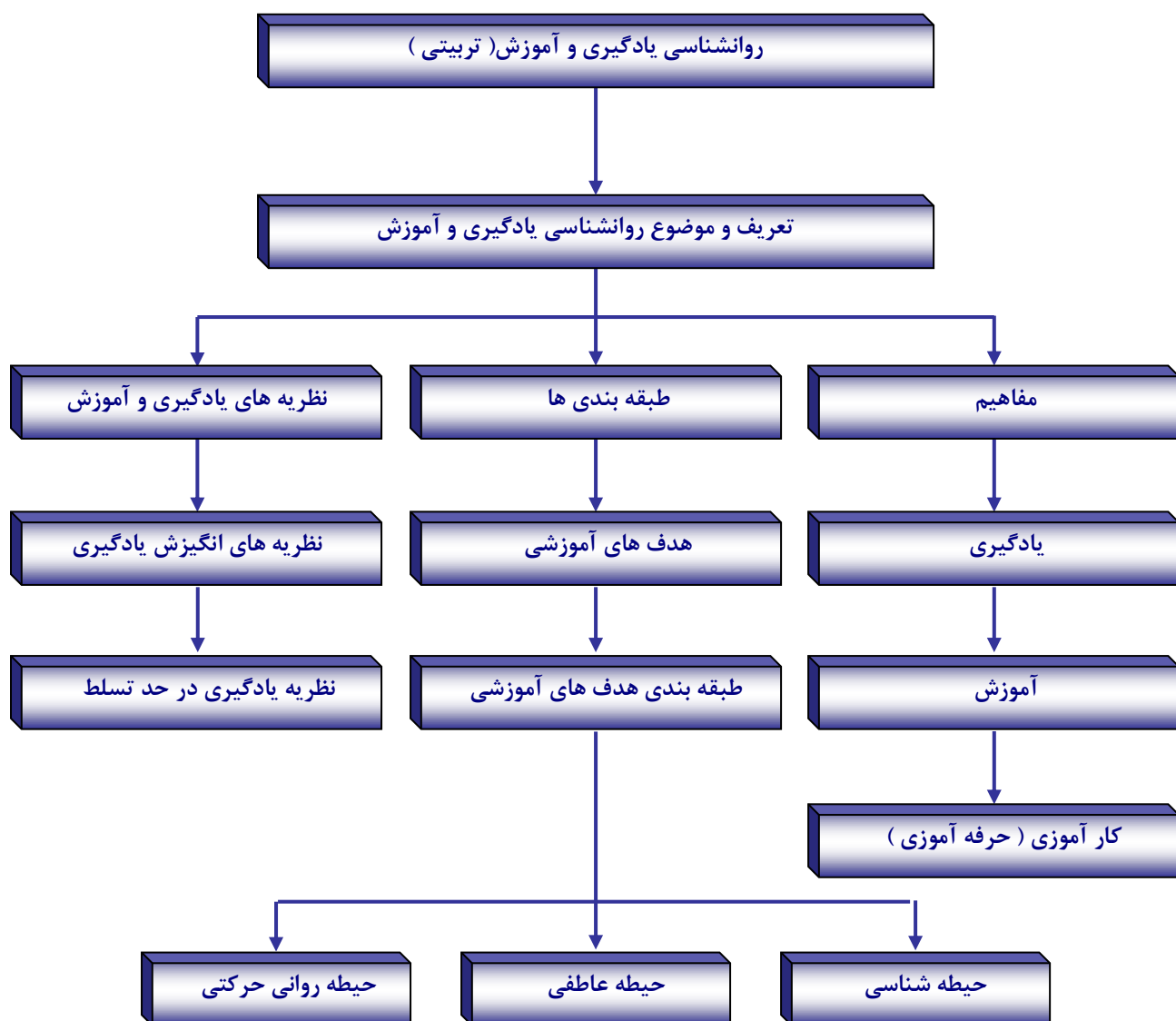
احتمالا در جریان انجام فعالیت های آموزشی خود، با این نکته مواجه شده اید که تدریس و آموزش امور ساده ای نیستند و ظرایف، پیچیدگی ها و ملاحظات خاص خود را دارند که انجام موثر آنها نیازمند داشتن توانایی و مهارت های ویژه ای است. متون حاضر در راستای پاسخگویی به این نیاز تهیه و تدوین شده است. تا در زمینه های مختلفی همچون نحوه تعیین و تبیین اهداف آموزشی، نحوه سازماندهی محتوای آموزشی، نحوه انتخاب فنون و روش های آموزشی، نحوه تهیه طرح درس، تعیین منابع و مواد آموزشی، ارزشیابی و بازنگری اجزاء فرایند آموزش ارائه طریق نماید.

با این فرض که در امور مرتبط با آموزش، مربیان عزیز زمانی موفق تر خواهند بود که هنر مربیگری خو را با اصول و مبانی روانشناسی یادگیری و آموزش، روش ها و فنون تدریس، نظارت و ارزشیابی آموزشی و تکنولوژی آموزشی تلفیق نمایند، در این متون برخی از بنیادی ترین مفاهیم، موضوعات و راهکارهای آموزشی هر یک از عناوین مذکور ارائه شده است تا آنان را در راستای افزایش اثر بخشی فعالیت های آموزشی خود و تامین نیاز های آموزشی بهورزان یاری نماید. اما به طور یقین این تنها شروعی برای جستجو در هر یک از این گستره های علمی است. این سرآغاز می تواند با مطالعه بیشتر منابع. یا برگزاری و طی دوره هایی تخصصی در این زمینه تداوم یابد.

متون خود آموز دوره ارتقاء مهارت های آموزشی مشتمل بر 25 هدف کلی و 126 هدف اختصاصی در تمامی بخش ها و فصل ها است که در یک نگاه اجمالی به این اهداف آموزشی، توجه ویژه به ارتقاء سطح هدف های آموزشی در سطح « کاربرد » به خوبی نمایان است. ضمن رعایت اصل « جامعیت » مقوله آموزش، مسلماً بخشی از این اهداف در صدد ایجاد زمینه های لازم برای ارتقاء سطح دانش نظری و به تبع آن کاربردی هستند؛ تا در مجموع راهنمایی های لازم برای ارتقاء کیفی فعالیت های آموزشی و به ویژه زمینه های لازم برای بهره گیری مطلوب تر از مجموعه کتاب های آموزش بهورزی را فراهم نمایند.

با امید به این که حاصل این تلاش بتواند گامی در راستای تحقق اهداف ارتقاء مهارت های مربیان بهورزی بر دارد. از تمامی عزیزانی که در تمامی مراحل مختلف تهیه و تدوین متن حاضر مساعی بی دریغ خود را مبذول داشته اند تشکر و قدردانی می شود. در این میان راهنمایی ها و رهنمود های بسیار ارزنده جناب آقایان دکتر ابوالحسنی، دکتر رهبر و حمایت های دلسوزانه سر کار خانم لیلی مشیری بسیار چشمگیر و شایان تشکر و قدردانی ویژه ای است. همچنین از همکاری های صمیمانه آقای دکتر ستایش و خانم ها اعظم السادات دیباجی، سکینه رضایی، سرکار خانم عابدی که مساعدت های بی شائبه ای در برخی فعالیت های مربوط به انتشار این مجموعه داشته اند تشکر و قدردانی می شود.

بذل توجه کارشناسان مسئول آموزش بهورزی که در نهایت دقت و همیت با ارسال نقطه نظرات و پیشنهادات ارزنده خود در ارزشیابی این مجموعه مشارکت داشته اند نیز شایسته تقدیر و تشکر است



روانشناسی

یادگیری و آموزش

هدف از ارائه مطالب این بخش ، آشنایی با برخی از مفاهیم روانشناسی یادگیری و آموزش است . در تمامی کتاب های دوره ارتقاء مهارت های آموزشی با مفاهیمی مانند آموزش ، تدریس، یادگیری ، رفتار ، تغییر در رفتار ، هدف های رفتاری، رفتار ورودی ، هدف های آموزشی و ... سروکار خواهیم داشت . معرفی این مفاهیم ، بنا به ضرورت طرح مباحث علمی . عملی و ایجاد یک زمینه مشترک انجام می گیرد و پیش نیاز ورود به مباحث اصلی کتاب ها ست بنابراین در شروع این بخش از کتاب ، برخی از این مفاهیم در چارچوب عنوان روانشناسی یادگیری و آموزش معرفی خواهد شد ؛ چرا که خاستگاه اصلی این مفاهیم ، دانش روانشناسی تربیتی (یادگیری و آموزش) است .

فصل اول

موضوع و مفهوم

روانشناسی یادگیری و آموزش

همانطور که از عنوان این شاخه از روانشناسی بر می آید؛ روانشناسی و یادگیری (تربیتی) علمی است که به بررسی و کاربرد اصول و قوانین روانشناسی در فرآیندهای آموزش و یادگیری می پردازد. این شاخه عملی یک علم کاربردی^۱ است و یافته های روانشناسی را در قالب شیوه ها و روش های علمی، برای اداره کلاس و فعالیت های آموزشی ارائه می کند. هدف از مطالب این فصل آشنایی با کلیات این شاخه از روانشناسی است. شاخه ای که هدف آن کمک به مربیان در انجام موثر تر آموزش و یادگیری و ارتقاء توانایی های خود در انجام فعالیت های آموزشی است.

پس از مطالعه این فصل انتظار می رود بتوانید:

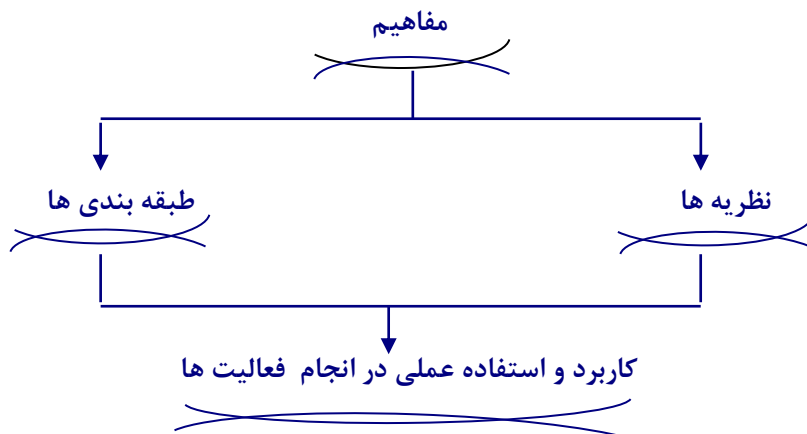
1. درباره اهمیت استفاده از روانشناسی تربیتی (یادگیری و آموزش) به اختصار توضیح دهید.
2. برخی سوالات اساسی که روانشناسان این شاخه عملی در پی آنند را ذکر نمایید.
3. یادگیری را تعریف کنید و این مفهوم را با ذکر یک مثال توضیح دهید.
4. آموزش را تعریف کنید و اجزاء و عناصر فرایند آموزش را بیان نمایید.
5. رابطه دو مفهوم آموزش و یادگیری را بیان نمایید
6. کارآموزی (حرفه آموزی) را تعریف نمایید و ویژگی های خاص آن را توضیح دهید.
7. رابطه مفاهیم کارآموزی، آموزش و یادگیری را تشریح نمایید.

¹ (در واژگان توصیفی، درباره این واژه توضیح بیشتری ارائه شده است.

موضوع روانشناسی تربیتی (یادگیری و آموزش)

طی سالیان متمادی ، مطالعات و تحقیقات انجام شده در زمینه آموزش و یاد گیری در دانشی موسوم به روانشناسی تربیتی گردآوری شده است . این رشته مستقل علمی نیز همانند سایر شاخه های روانشناسی روند رو به گسترشی را تا به امروز طی نموده است .

هر شاخه عملی از تعدادی مفاهیم ، نظریه ها و طبقه بندی ها شکل و قوام می گیرد . شاخه روانشناسی آموزش و یادگیری نیز از مفاهیم ، نظریه ها و طبقه بندی ها در زمینه آموزش و یادگیری شکل گرفته است و هدف آن تجویز یا پیش بینی روش های مطلوب برای نیل به انتظارات مورد نظر از فعالیت های آموزشی است . شکل زیر اجزای اصلی هر شاخه علمی را نشان می دهد.



همانطور که در این نمودار نشان داده شده است . مفاهیم طبقه بندی ها و نظریه ها اساس هر شاخه عملی را تشکیل می دهد. روانشناسی تربیتی نیز از این قاعده مستثنی نیست .

هدف عمده روانشناسی تربیتی انجام پژوهش درباره مسائل یادگیری آموزشی ، روش های آموزشی و نیز کشف و وضع نظریه ها و قوانین مربوط به یادگیری و آموزش است . بنابراین همانطور که از عنوان این شاخه از روانشناسی بر می آید موضوع آن را « آموزش » و « یادگیری » تشکیل می دهد تا بر اساس شناخت آموزش و یادگیری ، راه های انجام بهتر این فرایندها را معرفی کند . از این رو شما مربیان عزیز با شناخت بیشتر روانشناسی آموزش و یادگیری و نیز اصول یادگیری و آموزش قادر خواهید بود وظیفه مهم و دشوار خود را به نحو شایسته تری انجام دهید

حال براساس تقسیم بندی بالا در ادامه مطالب این متن ، ابتدا به تشریح برخی از این مفاهیم در روانشناسی یادگیری و آموزش (روانشناسی تربیتی) پرداخته خواهد شد . ببینیم روانشناسی تربیتی چه تعریفی دارد و این علم – که ما مباحثی از مباحثی از آن را ارائه نموده ایم . چگونه معرفی شده است ؟

انسان همواره با پرسش های زیادی روبرو بوده است ؛ از جمله این که رفتار انسان چگونه تغییر می یابد ؟ عوامل موثر در تغییر رفتار آدمی کدامند ؟ یادگیری چیست ؟ آموزش چیست ؟ انسان چگونه می آموزد ؟ عوامل موثر در آموزش و یادگیری بهتر چیست ؟ چگونه می توان به صورت گام به گام و به طور منطقی ، علمی و سازمان یافته برای یادگیری و آموزش یادگیرندگان شرایط مطلوب تری فراهم نمود ؟ مراحل آموزش چیست ؟ چگونه می توان محتوای آموزشی را سازمان دهی کرد ؟ پاسخ به این قبیل پرسش ها را باید در حوزه روانشناسی یادگیری و آموزش (تربیتی) جستجو کرد .

روانشناسی تربیتی

روانشناسان سرگرم مطالعه هزاران مساله گوناگونی هستند که گستره وسیعی از ابعاد مختلف رفتار آدمی را در برمی گیرد؛ از بررسی تغییر یک یک یاخته های مغز در جریان یادگیری که با الکتروود های بسیار ظریفی انجام می شود تا مطالعه نقش تراکم جمعیت بر رفتار و آموخته ها. هر یک از این مجموعه بررسی ها، در قالب یکی از حوزه های روانشناسی شکل گرفته است. روانشناسی رشد، روانشناسی اجتماعی، روانشناسی تجربی، روانشناسی بالینی، روانشناسی یادگیری و آموزش و روانشناسی صنعتی و برخی دیگر از شاخه های تخصصی روانشناسی، حوزه های مختلف روانشناسی هستند.

روانشناسی تربیتی (Educational psychology) نیز یکی از شاخه های علم² روانشناسی است که هدف آن کمک به مربیان در برخورد با مسائل آموزش و یادگیری است. این شاخه روانشناسی با واژه تعلیم، تربیت (Education) از دیگر حوزه ها جدا می شود و از ترکیب دو کلمه «روانشناسی» و «تعلیم - تربیت» تشکیل شده است. از روانشناسان تعاریف متعددی ارائه شده است که در اینجا تنها به ذکر تعریفی³ که اکثر روانشناسان بر آن اتفاق نظر دارند اکتفا می شود. روانشناسی را اکثر روانشناسان به عنوان «علمی که رفتار و فرایند های ذهنی را مورد مطالعه قرار می دهد»^{*} تعریف کرده اند. استفاده از واژه «رفتار» در این تعریف نشان می دهد که «روانشناسی یکی از رشته های علوم رفتاری یا علوم اجتماعی است»^{**}. تغذیه با شیر مادر، واکسیناسیون، توجه به بهداشت فردی، مراجعه برای دریافت خدمات تنظیم خانواده، مراجعه برای پایش رشد مثال هایی از رفتار است. به راستی چرا بعضی افراد این رفتارها را نمی پذیرند؟ چرا علی رغم اطلاع رسانی های فراوانی که صورت می گیرد هنوز برخی این رفتارهای مطلوب را بروز نمی دهند؟ پاسخ این قبیل پرسش ها که به «جراحی رفتار» توجه دارند را حوزه روانشناسی مطالعه می کند.

حال ببینیم منظور از تعلیم، تربیت چیست؟

«تعلیم، تربیت» یا پرورش عبارت است از جریانی منظم و مستمر که هدف آن کمک به رشد جسمانی، شناختی، روانی، اخلاقی و اجتماعی در جهت کسب هنجارهای مورد پذیرش جامعه است. بنابراین «روانشناسی تربیتی» علمی است که رفتار و فرایند های ذهنی را برای کمک به رشد و شکوفایی استعداد های ذاتی فرد برای کسب هنجارهای مورد پذیرش جامعه مطالعه می کند. اشاره شد که از مهمترین موضوعات روانشناسی تربیتی «آموزش» و «یادگیری» است تا با شناخت و معرفی مسائل آموزش و یادگیری در قالب مفاهیم، نظریه ها و طبقه بندی ها، راه های انجام بهتر و موثر این فرایندها را تبیین، پیش بینی و کنترل نماید.

بنا بر تعریف، «روانشناسی تربیتی» یکی از رشته های کاربردی روانشناسی است که به مطالعه مسائل یادگیری آموزشی و آموزش می پردازد. روانشناسی تربیتی در پی یافتن در پی یافتن روش ها و اصولی است که مربیان را در آموزش موضوعات مختلف و شناسایی و رفع مشکلات یادگیری فراگیری کمک کند و بر اساس یافته های پژوهشی و علمی خود، آنان را در برخورد با مسائل شغلی اش یاری نماید و برای آموزش موثر و موفق تر ارائه طریق کند.

قبل از آن که ادامه مطالب این فصل را مطالعه نمایید، خلاصه ای از مطالب گفته شده را مرور می کنیم. به خاطر داشته باشید که اشاره ای - هر چند کلی - به مفاهیم، برای پرداختن به ارائه مطالب کاربردی تر ضروری است.

* اتکینسون و همکاران (1983) زمینه روانشناسی، ترجمه براهنی و همکاران، ص 35. ** همان منبع، ص 56.

گفتیم که هر شاخه مستقل علمی از مفاهیم، نظریه‌ها و طبقه‌بندی‌های خاص خود قوام یافته است. محتوای کتاب اول دوره را، همین سه موضوع تشکیل داده است. ابتدا برخی از مهمترین مفاهیم روانشناسی تربیتی یعنی آموزش، یادگیری و مهارت‌آموزی تشریح شده است، نظریه‌های یادگیری معرفی و به کاربرد‌ها و توصیه‌های علمی که هر یک از این نظریه‌ها ارائه می‌نمایند پرداخته شده است. همچنین یکی از کاربردی‌ترین طبقه‌بندی‌ها در این شاخه از روانشناسی یعنی طبقه‌بندی هدف‌های آموزشی مطرح گردیده است.

اشاره شد که هر شاخه علمی عهده‌دار و تبیین مفاهیم خاص خود نیز هست. در این فصل مفاهیمی مانند یادگیری، آموزش و کارآموزی که از مفاهیم بنیادی دانش روانشناسی تربیتی هستند مورد بحث و بررسی و مقایسه قرار می‌گیرند و رابطه آنها با یکدیگر توصیف می‌شود.

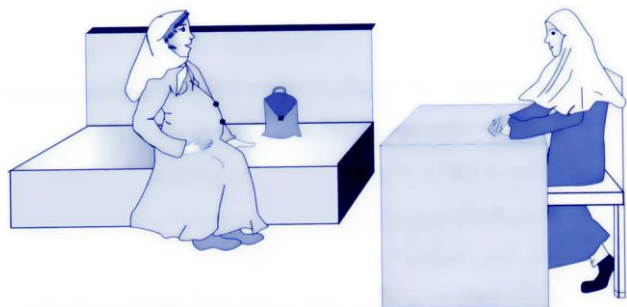
یادگیری



وقتی صحبت از این می‌شود که شما رفتار یا مهارتی را «یاد گرفته اید»، این بدان معناست که شما قادر به انجام کاری هستید که پیش از این قادر به انجام آن نبوده اید. مثلاً وقتی گفته می‌شود که شما رانندگی را یاد گرفته اید معنی آن این است که شما برخلاف گذشته اکنون می‌توانید اتومبیلی را برانید. به عبارت دیگر می‌توان گفت که در رفتار شما تغییری صورت گرفته است. مسلماً این یادگیری و یادگیری‌های انسان، نتیجه و ثمره آموزش است.

یادگیری اساس فهم رفتار انسان است و هر شخص آنگونه عمل می‌کند که آموخته است. «كُلُّ يَعْْمَلُ عَلَى شَاكٍ لِّلَّهِ»*. اینکه کودکان می‌آموزند دنیای اطراف خود را درک کنند، خود را با ویژگی‌های هم‌جنس خود همانند

سازند و رفتارشان را طبق معیارها و انتظارات جامعه هماهنگ کنند، نمونه‌هایی از یادگیری‌های انسان از لحظه تولد است. آموخته‌های آدمی در سراسر زندگی تداوم دارد. یاد دادن و یاد گرفتن وسیله و ابزاری است برای بهتر بودن، بهتر شدن و بهتر ماندن. بنابراین مهمترین عامل پایه ریزی رفتار انسان یادگیری است. سلامتی یکی از منابع مهم برای زندگی هر انسان است میزان برخورداری هر فرد از سلامت تا حد زیادی وابسته به داشتن رفتارهای بهداشتی یا رفتارهای مضر برای تندرستی او است. به قول مدیر کل سازمان بهداشت جهانی (1988) «ما باید



* قرآن کریم: سوره اسراء آیه 84

تشخیص دهیم که اکثر مشکلات عمده بهداشتی و مرگ و میر زودرس در جهان از طریق ایجاد تغییر در رفتار انسان و با هزینه ای اندک ، قابل پیشگیری است .^{*} .
با توجه به اهمیت این مطلب مثالی از نقش تغییر در رفتار در موضوع آموزش تنظیم خانواده برای ارائه کننده خدمات و گیرنده آن ارائه می شود :

مثال تأثیر آموزش بر تغییر رفتار (آموزش تنظیم خانواده)

◀ برای ارائه دهنده خدمات (بهورز)

الف . آموزش در مورد پیامد های ناشی از رشد بی رویه جمعیت (تاثیر بر بخش های مختلف اجتماع و ایجاد عدم تعادل و تاثیر بر سلامت مادر و کودک در جامعه) — تغییر در نگرش ارائه دهنده خدمت — تغییر در رفتار ارائه دهنده خدمت (یادگیری بهتر آموخته ها و جدی گرفتن نقش خود)

ب . آموزش در مورد روش های تنظیم خانواده (روش استفاده از روش ، عوارض ، اثرات جانبی و ...) — تغییر در دانش ، نگرش و عملکرد ارائه دهنده خدمت — تغییر در رفتار ارائه دهنده خدمت (برخورد مناسب با نیازهای متقاضیان)

◀ برای گیرنده خدمت

الف . آموزش در زمینه اثر زایمان های مکرر بر سلامت مادر و کودک — تغییر نگرش زوج ها در مورد فاصله گذاری — تغییر رفتار (پذیرش برنامه تنظیم خانواده)
ب . آموزش در مورد طرز مصرف روش — تغییر دانش ، نگرش و عملکرد گیرنده خدمت در زمینه استفاده از روش — تغییر رفتار (استفاده درست از روش)



روانشناسان تربیتی نموده اند تا ماهیت مکانیسم یادگیری و پس از آن عوامل موثر بر یادگیری را بیان نمایند . آنها ابتدا به تعریف³ یادگیری پرداخته اند . حاصل این تلاش ارائه تعاریف متعددی است که هر یک جنبه یا جنبه های خاصی از فرایند یادگیری را در برمی گیرند . اما تعریفی که اکثریت قریب به اتفاق روانشناسان از این مفهوم ارائه داده اند و جامعترین تعریفی که از یادگیری به دست آمده تعریف هیلگارد و مارکویز است (کتاب شرطی سازی و یادگیری ، ویرایش کیمبل 1968 ، ص 1013) در این تعریف آمده است : یادگیری یعنی تغییر نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه یاد گیرنده مشروط بر آنکه این تغییر بر اثر اخذ تجربه رخ دهد .^{**} .
مهمترین مشخصه یادگیری در این تعریف این است که یادگیری نوعی تغییر^{**} در رفتار است ، تغییری که به تدریج رخ می دهد ، نسبتاً پایدار است و بر اثر تجربه حاصل می شود .

* هابلی جان (1378) ، برقراری ارتباط برای بهداشت . مترجم سعید پارسی نیا ، ص 14 . ** سیف علی اکبر (1378) ، ص 48 . *** modify

درباره هر یک از این ویژگیها مختصر توضیحی ارائه می شود :

الف . تغییر نسبتاً پایدار

کاربرد اصطلاح « تغییر نسبتاً پایدار » در تعریف یاد شده حاکی از آن است که تغییر موقتی رفتار ، که گاه تحت تاثیر عواملی مانند انگیزش و هیجانی ، خستگی ، تغییرات فیزیولوژیک (تغییر اندازه مردمک چشم) و دیگر عوامل مکانیکی و شیمیایی ایجاد می شود یادگیری نیست . این قبیل عوامل اگر چه در رفتار فرد تغییراتی ایجاد می کنند اما به محض بر طرف شدن عوامل تغییر ، رفتار فرد به حالت اولیه باز می گردد و تغییری که عنوان « یادگیری » به آن اطلاق می شود به حساب نمی آید

ب . رفتار بالقوه

کاربرد اصطلاح رفتار بالقوه یا توان رفتاری حاکی از آن است که « یادگیری » نوعی ایجاد توانایی در فرد است که با مراجعه به رفتار بالفعل یا عمل آشکار یاد گیرنده ، این توانایی را استنباط می کنیم . بنابر این « یادگیری » تغییراتی است که در ساخت ذهنی فرد ایجاد می شود و زمانی قابل اندازه گیری خواهد بود که به رفتار بالفعل (عملکرد*) تبدیل شود .

ج . تجربه

کاربرد کلمه تجربه در تعریف ، حاکی از آن است که تنها آن دسته از تغییرات رفتاری را می توان یادگیری نامید که محصول تجربه ، یعنی تاثیر متقابل فرد و محیط باشد . بنابراین فرآیندهایی مانند رشد کردن ، بالغ شدن و سالمند شدن از جمله تغییراتی است که در انسان رخ می دهد اما یادگیری محسوب نمی شود . حاصل اینکه یادگیری نوعی تغییر (اصلاح) توان رفتاری است که حالتی نسبتاً پایدار دارد و به تدریج طی فرایند خاصی در یاد گیرنده شکل می گیرد . حال با توجه به مطالبی که ارائه شد به ذکر یک مثال برای انجام فرایند یادگیری اکتفا می شود.

شما نیز مثال های مشابه دیگری را در گروه مطرح کنید و درباره آن با دیگر افراد گروه مباحثه نمایید :



یادگیری تغییری است که باید به تدریج و متناسب با ویژگی های یادگیرنده باشد .

مثال

دانش آموز پیش از یادگیری نحوه تزریق آمپول ، قادر به انجام این کار نیست شاید تنها بخشی از این کار را بلد است . برای اینکه به او یاد داده شود (تغییر در رفتار) که دانش آموز بتواند تزریق آمپول را انجام دهد ، مربی مراحل انجام کار را به او نشان می دهد . دانش آموز پس از دریافت این محرکها (کسب تجربه) این توانایی در او ایجاد می شود که تزریق آمپول را انجام دهد . این تغییر رفتار باید بصورت نسبتاً پایدار و قابل مشاهده باشد . پس وقتی محرکی بر یاد گیرنده اثر بگذارد به نحوی که در رفتار دانش آموز تغییر ایجاد شود گفته می شود که یادگیری صورت گرفته است .

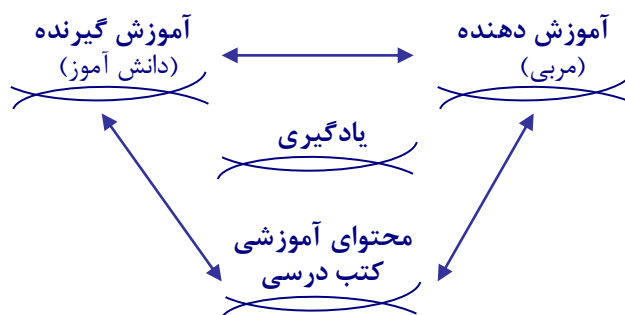
حال که با تعریف یادگیری آشنا شدیم با مفهوم دیگری که رابطه بسیار نزدیکی با « یادگیری » دارد آشنا می شویم .

* Performance

قبل از مطالعه ادامه بحث و بررسی مفهوم «آموزش» به طور خلاصه تعریفی از این مفهوم بنویسید تا پس از مطالعه این قسمت به مقایسه تعریف خود با مطالب ارائه شده بپردازید.

واژه آموزش، واژه ای است که به نظر می رسد در مورد مفهوم آن ابهام چندانی وجود نداشته باشد

انسان همیشه در حال یاد گرفتن است. از لحاظ تولد تا دم مرگ. گاه یاد گرفتن ما بر حسب اتفاق است و برای آن هیچ نوع برنامه ریزی صورت نگرفته است و گاه یادگیری ما براساس «آموزش» است. به این معنا که شخصی به نام آموزش دهنده باهدف ایجاد «یادگیری» مطلبی را به ما می آموزد. بنابراین «می توان گفت که آموزش به هر گونه فعالیت یا تدابیر از بیش طرح ریزی شده ای گفته می شود که هدف آن ایجاد یادگیری در یادگیرندگان است»^{*} این فعالیت از پیش طرح ریزی شده به وسیله مربی یا آموزش دهنده صورت می پذیرد اما تنها به فعالیت یک جانبه او اطلاق نمی شود و حاصل کار مشترک و تعامل^{**} بین مربی، دانش آموز و محتوای آموزش است. براساس این تعریف اجراء فرایند آموزش را می توان به صورت زیر نشان داد:



اجزای اصلی فرایند آموزش با هدف ایجاد یادگیری در یاد گیرنده با یکدیگر تعامل می کنند.

بنابراین همان طور که اشاره شد مفهوم «آموزش» به فعالیت یک جانبه آموزش دهنده اطلاق نمی شود و تنها «گفتن» به معنای «آموختن» نیست. همچنین به فعالیتی که منجر به یادگیری در یاد گیرنده نشود نیز اطلاق نخواهد شد. از سوی دیگر مستلزم طرح و نقشه ای برای تبادل محتوای آموزشی است. پس «بنا به تعریف، آموزش عبارتست از فعالیت هایی که به منظور ایجاد یادگیری در یاد گیرنده، از جانب مربی (معلم) طرح ریزی می شود و بین یاد دهنده و یک یا چند یاد گیرنده به صورت کنش متقابل جریان می یابد.^{***} حاصل اینکه، فرایند «آموزش» به دنبال ایجاد تغییر مطلوب در رفتار یاد گیرنده است. از این رو وجود دو شرط برای اطلاق مفهوم آموزش ضروری است؛ اول اهداف آموزشی و دوم برنامه ریزی برای رسیدن به این اهداف.

آیا هدف های آموزشی تعیین شده اند ؟			
بله	خیر		
آموزش	گردشهای شخصی , بازدید از موزه ,نمایشگاه , کتابخانه و ...	بله	آیا برنامه و منابع از پیش طرح ریزی شده ای وجود دارد ؟
	یادگیری اتفاقی	خیر	
کاوشگری , پروژه های فردی و ...			

^{**}Intraction

^{***} همان منبع، ص 14.

^{*} سیف علی اکبر (1378)، روانشناسی پرورشی، ص 15.

آموزش، ثمره ارتباط هدف دار دو سویه بین مربی و آموزش گیرنده است. هدف دار بودن این فرایند به معنای ضرورت برنامه ریزی آموزش برای تغییرات مطلوب در رفتار یاد گیرنده است. از این رو طراحی آموزش بایستی با در نظر گرفتن فعالیت این دو جزء مهم برای دستیابی به یادگیری در یاد گیرنده انجام پذیرد. از اینجا می توان رابطه بین مفهوم آموزش و یادگیری را تبیین نمود.

رابطه آموزش و یادگیری

به اختصار میتوان رابطه آموزش و یادگیری را این گونه بیان نمود که: «آموزش» وسیله ای است که به منظور ایجاد «یادگیری» انجام می شود.

گفته شد که آموزش فعالیت های هدف دار مربی برای ایجاد یادگیری در یاد گیرنده است و به صورت کنش بین این دو جریان می یابد. همچنین گفته شد که یادگیری تغییر نسبتاً پایدار در رفتار یاد گیرنده است. «از مقایسه تعریف های یادگیری و آموزش می توان چنین نتیجه گرفت که بین فرایندهای یادگیری و آموزش تفاوت وجود دارد. یادگیری همیشه معطوف به یاد گیرنده است اما آموزش مستلزم فعالیت متقابل بین حداقل دو نفر (مربی و متربی) است. البته معنی این مطلب آن نیست که یادگیری و آموزش دو فرایند نا مرتبط هستند. در واقع این دو به هم وابسته اند. یادگیری هدف است و آموزش وسیله رسیدن به این هدف».*

در مجموع درباره رابطه بین آموزش و یادگیری می توان گفت که آموزش وسیله و ابزاری برای تغییر در رفتار یاد گیرنده با مشارکت فعال خود یاد گیرنده است. یادگیری معطوف به یاد گیرنده است اما آموزش متوجه فعالیت مشترک بین یاد دهنده و یاد گیرنده است. از سوی دیگر یادگیری می تواند بدون آموزش صورت پذیرد اما آموزشی که منجر به یادگیری یاد گیرنده نشود «آموزش» نیست.

کارآموزی

کارآموزی (مهارت آموزی) نوعی آموزش با ویژگی هایی خاص خود است. اگر چه این مفهوم همپوشی بسیار زیادی با آموزش در معنای عام خود دارد اما وجود برخی ویژگی ها سبب شده است که مفهوم کارآموزی از آموزش جدا شود

«یکی از مفاهیمی که غالباً با مفهوم «تعلیم. تربیت» (Education) در می آمیزد مفهوم کارآموزی (معادل اصطلاح انگلیسی Training) است که در زبان فارسی گاه به تربیت تعبیر شده است. این دو مفهوم کاملاً از یکدیگر متمایز هستند»**.

یکی از مهمترین ویژگی های حرفه آموزی ها یا مهارت آموزی ها، کسب توانایی ها و مهارت های تقریباً مشابهی در پایان دوره هاست. این در حالی است که ممکن است نظام های آموزشی دیگری حتی برای کسب توانایی های مختلف و به اصطلاح «چند پایانی» برنامه ریزی شده باشند.

* همان منبع. ص 52. ** سیف، علی اکبر (1378). روانشناسی پرورشی. ص 13.

کار آموزشی شبیه طی کردن مسیری محصور برای رسیدن به هدفی از پیش تعیین شده در انتهای آن است. تعلیم - تربیت گشت و گذار آزادانه در اطراف این مسیر است که ترجیحاً با استفاده از برنامه انجام می شود» * .

از مقایسه دو مفهوم کار آموزشی و آموزش در شکل کلی آن ، چنین بر می آید که کار آموزشی (حرفه آموزشی) آموزش های برنامه ریزی شده و هدف داری را شامل می شود که انتظارات معین و مشخصی را دنبال می کنند و منظور از آن دادن توانایی ها ، فنون و مهارت های مورد نیاز کارآموزان برای انجام شغل و حرفه ای معین است . مثلاً هدف از دوره های کار آموزشی « تربیت مدرس » ، « تربیت خلبان » « تربیت بهورز » آموزش توانایی ها ، فنون و مهارت های مورد نیاز حرفه های مدرس دانشگاه ، خلبانی و بهورزی است . بنابراین کار آموزشی بخش کوچکی از تعلیم - تربیت (پرورش) به شمار می آید که هدف آن تربیت افراد برای انجام مشاغل و وظایف معین و مشخصی است و فعالیت های بسیار مشخصی را براساس استانداردهای خاص سازمانی خود دنبال می کند .

همچنین می توان از طریق مقایسه «دوره های کار آموزشی» و « دوره های آموزشی » ، مقایسه « کار آموز » و « آموزش گیرنده » به بررسی مقایسه ای این دو مفهوم پرداخت . دوره های کار آموزشی انتظارات (اهداف) برنامه ، روش و استراتژی مشخص تری نسبت به دوره های آموزشی دارند به طوری که از کار آموز در پایان دوره های کار آموزشی ، دستیابی به استانداردهای خاصی در چارچوب برنامه ها و اهداف سازمانی - انتظار می رود در حالیکه در دوره های آموزشی ، آموزش گیرنده اهداف کم و بیش مشخصی را دنبال می کند . در جدول زیر بعضی از ویژگی های دوره های آموزشی و دوره های کار آموزشی ارائه شده است .

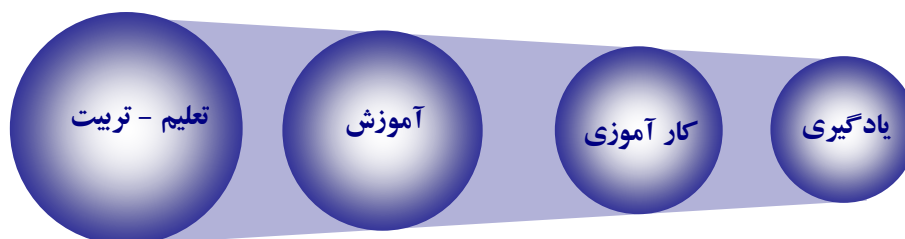
دوره های آموزشی	دوره های کار آموزشی
● فرایندی است گسترده و دراز مدت با هدف های کلی و جامع ● معمولاً وظیفه نهاد های رسمی آموزشی مانند مدارس و دانشگاه ها برای تامین نیاز های جامعه است ● افراد تحت پوشش آزادی عمل دارند تا با بهره گیری از امکانات متنوع به پیروی از علائق و استعداد های متنوع مسیر های دلخواه خود را انتخاب نمایند. ● هدف تامین کننده نیاز های پرورش یابندگان است.	● فعالیتی است محدود و مشخص با هدف های دقیق و کوتاه مدت. ● بیشتر از سوی سازمان ها و سایر وزارتخانه ها و مؤسسات خدماتی ، صنعتی برای تامین نیرو های انسانی ● متخصص مورد نیاز خود صورت می پذیرد . ● علی رغم علائق و استعداد های متنوع همگی باید به سمت و سوی هدف های واحدی که در برنامه کار آموزشی در نظر گرفته شده گام بردارند. ● هدف تامین کننده نیاز های سازمان اداره کننده دوره است.

جدول مقایسه ویژگی های دوره های آموزشی و دوره های کار آموزشی (مهارت آموزی)

* رمی زفسکی ، ای ، جی ، (1379) ، طراحی نظام های آموزشی ، ترجمه هاشم فر دانش ، ص 23 .

در مجموع با توجه به مواردی که ذکر شد می توان چنین گرفت که هر سازمان باید با رعایت ویژگی ها و نیاز های سازمانی خود به دستور العمل ها و استاندارد های ویژه ای برای برنامه های کار آموزی خود دست یابد. از این رو اقتباس و به عاریه گرفتن مفاهیم و برنامه ها از دوره های آموزشی عمومی و رسمی ، در مواردی نمی تواند جوابگوی نیاز سازمان باشد و بایستی با احتیاط ویژه ای صورت پذیرد . دستیابی به این استاندارد ها و دستور العمل ها مستلزم شناخت دقیق و تبیین مبانی نظری پیرامون کار آموزی و ویژگیهای خاص شغلی است . بر همین اساس تلاش شده است تا مطالب ارائه شده در این متون ، ویژگی های حرفه آموزی بهورزی را لحاظ نماید.

به طور کلی هر دو مفهوم یادگیری و آموزش با یکدیگر ارتباط دارند و هر دو در خدمت فعالیت های کار آموزی و تعلیم - تربیت قرار دارند . چنانچه بخواهیم رابطه همه مفاهیمی که در این فصل به آنها پرداخته شد را بیان نماییم باید گفت که یادگیری هدف آموزش و آموزش هدف کار آموزی و کار آموزی نیز هدف تعلیم . تربیت در معنای عام است. به صورت روشن تری می توان گفت که یادگیری یاد گیرنده ، هدف نهایی تعلیم - تربیت است و به وسیله کار آموزی و آموزش انجام می شود.



همانطور که گفته شد کلید اصلی تفاوت بین کار آموزی و تعلیم - تربیت⁴ در برنامه ریزی دقیق برای رسیدن به اهدافی مشخص و استاندارد شده است . بنابراین می توان کار آموزی را آموزش هایی قلمداد کرد که دارای اهداف آموزشی دقیق و مشخص تری هستند و تغییر رفتار نیز باید در جهت مشخص و معینی صورت گیرد .

حال از مطالب این فصل می توان چنین نتیجه گرفت که در نظام آموزش بهورزی طراحی آموزش اهمیت و جایگاه ویژه ای را داراست و برنامه های آموزشی نیز منطبق بر فعالیت های از پیش طراحی شده ای صورت پذیرد . مسلماً یکی از ارکان هر برنامه ریزی و فعالیت آموزشی « هدف های آموزشی » است براین اساس در فصول بعد پیرامون هدف های آموزشی و اهمیت آن در فرایند آموزش ، همچنین انواع آن و شیوه های تهیه و تدوین هدف های آموزشی مباحث گسترده ای ارائه خواهد شد.

خلاصه فصل اول

در این فصل گفتیم که موضوع روانشناسی تربیتی عمدتاً پیرامون مسائل آموزش و یادگیری است. اشاره شد که این مفهوم در بر دارنده مفاهیم دیگری است که از جمله آنها مفاهیم «یادگیری»، «آموزش» و «کارآموزی» است. روانشناسان تربیتی تلاش نموده اند تا ماهیت یادگیری و پس از آن عوامل موثر بر یادگیری را بیان نمایند. چرا که از این طریق می توان در تغییر رفتار انسان و حل پاره ای از مشکلات عمده بهداشتی و مسائلی که از طریق آموزش قابل حل است به طور موثرتری عمل نمود. یادگیری یعنی فرایند تغییر نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه یادگیرنده قابل حل است به طور موثرتری عمل نمود «یادگیری» یعنی فرایند تغییر نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه یادگیرنده مشروط بر آنکه این تغییر در اثر تجربه رخ دهد. «آموزش» ایجاد ترتیباتی است که با هدف تغییر در رفتار (یادگیری) یادگیرنده صورت می گیرد و یادگیری انسان به طور انسان به طور عمده از طریق آموزش صورت می گیرد. آموزش به فعالیت هایی که در خدمت کارآموزی و تعلیم. تربیت قرار دارد اطلاق می شود.

«کارآموزی» حرفه آموزی آموزش های برنامه ریزی شده و هدف داری را شامل می شود که منظور از آن یاد دادن تواناییها، فنون و مهارت های مورد نیاز کارآموزان برای انجام شغل و حرفه ای معین است. دوره های آموزش بهورزی از جمله دوره های کارآموزی به شمار می آید که هدف آن تربیت افراد برای انجام شغل و حرفه بهورزی است. ویژگی اصلی آموزش در دوره های کارآموزی این است که بایستی دقیقاً منطبق با اهداف آموزشی و استانداردهای عملیاتی باشد. منظور اصلی از اجرای این دوره تبدیل هر چه سریعتر آموخته های تئوری (نظری) به عملی است.

با توجه به اهمیت بسیار زیاد اهداف آموزشی به ویژه در دوره های حرفه آموزی مطالب بخش دوم اختصاص هدف های آموزشی، انواع و شیوه های تهیه و تدوین هدف های آموزشی دارد. همچنین ضمن کاربرد مفاهیم مطرح شده در این فصل با برخی طبقه بندیها و نظریات و روانشناسی تربیتی درباره فرایند آموزش آشنا خواهیم شد.

هدف های آموزش

هدف کلی از ارائه مطالب بخش دوم ، آشنایی با اهداف آموزشی ، اهمیت آن در فرایند آموزش و به ویژه در دوره های حرفه آموزی است . در این بخش ابتدا از اهمیت و نقش اهداف آموزشی گفتگو می شود و سپس انواع اهداف و طبقه بندی اهداف آموزشی مورد بحث و بررسی قرار می گیرد . مطالب این بخش در قالب دو فصل ارائه شده است که فصل های سوم و چهارم متن حاضر را تشکیل می دهد.

در فصل سوم هدف های آموزشی و ضرورت تبیین و تنظیم آنها در فرایند آموزش و تدریس مطرح می شود . نحوه تهیه و تدوین هدف های آموزشی تشریح می شود و پس از آن به معرفی هدف های آموزشی رفتاری پرداخته می شود.

در فصل چهارم طبقه بندی هدف های آموزشی و به طور عمده یکی از مهمترین طبقه بندی های اهداف آموزشی مورد بحث و بررسی قرار می گیرد .

تا فرد نداند که مقصدش کجاست هرگز نمی تواند
به گزینش بهترین راه برای رسیدن به آن بپردازد.

فصل دوم

تهیه و تدوین هدف های آموزشی

در مجموعه کتاب های آموزش بهورزی ، سر آغاز هر فصل را بیان « اهداف آموزشی » تشکیل می دهد. موضوع هدف های آموزشی یکی از مهمترین موضوعاتی است که در سطوح و زمینه های مختلف آموزشی از آن گفت و گو می شود ، زیرا منظور از هر فعالیت آموزشی تحقق هدف های آموزشی آن است و مربی آموزشی ، به عنوان فرد مجری تحقق هدف های آموزشی لازم است با کسب اطلاعات جامعی در این زمینه ، راه انجام مؤثر تر فعالیت آموزشی را همراه نماید . بنابراین اگر هدف ها به درستی تحلیل تعیین و تصریح شده باشد امکان حرکت و فعالیت صحیح و در نتیجه تحقق آنها ممکن و میسر خواهد بود . مطالب این فصل به منظور آشنایی بیشتر با تهیه و تدوین اهداف آموزشی به ویژه اهداف آموزشی رفتاری و کاربرد آن در آموزش ارائه شده است.

پس از مطالعه این فصل انتظار می رود بتوانید :

- 1 . نقش و اهمیت اهداف آموزشی را به طور خلاصه بیان نمایید.
- 2 . فواید تبیین و تعیین اهداف آموزشی را به اختصار توضیح دهید و مهمترین تاثیر آن در فرآیند آموزشی را تشریح نمایید.
- 3 . سطوح مختلف اهداف آموزشی را تجزیه و تحلیل نمایید .
- 4 . هدف های رفتاری را با اهداف غیر رفتاری مقایسه و وجوه تفاوت این دو را بیان نمایید.
- 5 . با استفاده از جدول اهداف آموزشی حیطه های مختلف ، اهداف غیر رفتاری را به اهداف رفتاری تبدیل نمایید .
- 6 . برای موضوعات مختلف آموزشی اهداف رفتاری تهیه نمایید .

ضرورت تدوین هدف های آموزشی

در بخش اول گفتیم که آموزش اساساً فعالیتی هدف دار و هدف مند است به طوری که اطلاق مفهوم آموزش به یک فعالیت ، منوط به داشتن اهداف آموزشی است . امروزه اگر چه در زمینه اهداف آموزشی ، تعریف و چگونگی بیان آنها ، بین روانشناسان تربیتی و دست اندر کاران امر آموزش اختلاف نظر هایی وجود دارد ، اما بدون تردید همگی آنها اتفاق نظر دارند که تعیین اهداف آموزشی برای انجام فعالیت آموزشی ضرورت اساسی دارد.

هدف های آموزشی در قالب عبارتهایی بیان می شوند که حاصل و نتیجه نهایی جریان یاد دهی . یادگیری را نشان



می دهند و رفتار های مورد انتظار از فراگیران را معین و مشخص می سازند . این اهداف ضمن پرتو افشانی در مسیر معین فعالیت های آموزشی ، یاد گیرنده را کمک می کند تا در همان مسیر ، با مشارکت بیشتری تمام سعی و کوشش خود را برای دستیابی به همان مقصد جهت دهد و با سهولت بیشتری در راستای « مشارکت » در آموزش گام بردارد .

حال به یک هدف آموزشی که از مجموعه کتاب های آموزش بهورزی انتخاب شده است توجه کنید :

مثال از اهداف آموزشی

پس از اتمام تدریس ، دانش آموزان باید بتوانند چهار مورد از اختلالات تغذیه ای شایع در سنین مدرسه را نام ببرند و درباره نشانه های هر یک توضیح دهند.

عبارت بالا قصد و منظور مربی از آموزش مطالب درسی را به نحوی دقیق و مشخص نشان می دهد و گویای چیزی است که باید آموخته شود . این عبارت رفتار مورد انتظار از آموزش را تعیین می کند و عامل ایجاد هماهنگی بین اجزا مختلف آموزش است . بنابراین بیان اهداف آموزشی فواید عدیده ای دارد که در اینجا به برخی از آنها اشاره می شود :

الف. سازماندهی محتوای درسی

مهمترین فایده تدوین و تعیین هدف های آموزشی آن است که محتوای مرتبط با هدف ها را تنظیم و سازماندهی می نماید. مثلاً در بحث تنظیم خانواده هدف کلی آموزش ، « آشنایی با ویژگی های عملکردی هر روش تنظیم خانواده » است .

اهداف اختصاصی این است که دانش آموزان قادر باشند :

1. موارد استفاده از روش ها را برای افراد گروه هدف نام ببرند .
2. طرز مصرف و میزان موثر بودن روش را توضیح دهند .
3. عوارض و اثرات جانبی هر روش را با یکدیگر مقایسه کند و آنها را با ویژگی های استفاده کننده مطابقت دهد .
4. طرز برخورد با مشکلات پیش آمده را توضیح دهند.

برای دستیابی به این اهداف ، محتوای درسی به گونه ای سازمان می یابد که دانش آموز توانایی ها و مهارت های لازم را کسب نماید و آموخته های خود را عملاً به کار ببرد .

وجود اهداف دقیق و معین ، کار تنظیم و سازماندهی محتوا را تسهیل می کند . بنابراین آن بخش از محتوا ، شامل عنوان های روش های پیشگیری ، تعریف مفاهیمی نظیر میزان موثر بودن روش ، شرایط استفاده ، عوارض و آثار جانبی ، مفهوم مراقبت از استفاده کنندگان ، انواع روش ها و ... در برنامه های آموزشی قرار گرفته است تا اهداف فوق را محقق سازد .

■ ب . تعیین فعالیت های مربی و رفتار های مورد انتظار

هدف های آموزشی مبنا و اساس فعالیت های آموزشی است و مربی را به سوی فعالیت هایی که در ضمن آموزش و در خاتمه آموزش باید صورت پذیرد رهنمون می سازد .

■ چ . طراحی و انتخاب مواد، وسایل و روش های آموزشی

اگر مقصد خود را ندانیم ، به سختی می توانیم روش و وسیله مناسبی برای رسیدن به مقصد برگزینیم* . بنابراین اهداف آموزشی مبنای انتخاب مواد ، وسایل و روش های آموزشی نیز هست .

■ د . سازماندهی فعالیت های دانش آموزان

هدف های آموزشی به مخاطبان می گوید که کدام محتوا را مطالعه کنند ، روی چه نکاتی تاکید داشته باشند و آن را چگونه یاد بگیرند . بدون چنین علائم راهنما ، تعیین جهت و دستیابی به هدف ها دشوار و فعالیت های یاد گیرنده احتمالاً پراکنده ، غیر قابل پیش بینی تصادفی یا کوشش هایی فاقد کار آمدی لازم خواهد بود . در صورت وجود هدف های صریح آموزشی دانش آموزان بهتر می توانند تصمیم بگیرند که برای رسیدن به هدف ها چه فعالیتی را انجام دهند و کوشش های خود را برای دستیابی به آن هدف ها ، سازمان و جهت دهند .

■ هـ . تعیین ملاک و شیوه ارزشیابی

برای ارزشیابی از عملکرد یاد گیرنده نیاز به ملاک و معیاری هست که مربی و متربی را در میزان دستیابی به اهداف یاری نماید . این امر مهم به واسطه بیان هدف های دقیق آموزشی ممکن و میسر خواهد شد . اگر در فعالیت های آموزشی هدف ها به صورتی روشن و مرتب در ذهن معلم و شاگرد جا نیفتاده باشد ، فعالیت های آموزشی به ویژه سنجش ها و آزمونها در بهترین شکل خود گمراه کننده و عاری از آگاه کنندگی خواهد بود ، زیرا فعالیت های آموزشی زمانی صحیح و درست انجام خواهد گرفت که هدف ها و منظور فعالیت ها به روشنی معین شده باشند و پرسش هایی که برای دستیابی به نتایج مهم آموزشی طرح می شود هنگامی صحیح و معتبر خواهند بود که بر اساس نتایج معین شده صریح ، طراحی شده باشد .**

بنابراین یکی از مهمترین فواید بیان هدف های آموزشی تسهیل کار ارزشیابی مربی است . در مجموع وجود این ویژگیها در هدف های آموزشی نه تنها فعالیت مربی را آسان تر می نماید بلکه در تهیه و تنظیم سؤالات آزمون و ارزیابی نهایی از فعالیت آموزشی نیز موثر و راه گشاست .

شکل صفحه بعد مجموعه مطالب ارائه شده ، ذیل عنوان ضرورت و تدوین و تعیین اهداف آموزشی را به طور خلاصه نشان

*مهارت های آموزشی و پرورشی ، ص 138 .

** همان منبع



می دهد . بیان هدف های آموزشی با توجه به تاثیری که در هر یک از عناصر فرایند آموزش و نیز تاثیر شگرفی که بر کل فرآیند آموزش دارد، اهمیت شایان توجه خود را بیش از پیش نمایان می سازد .

از آنجا که اجرای فعالیت های آموزشی و تحقق اهداف آموزشی از وظایف دست اندر کاران امر آموزش و به طور اخص مربیان آموزشی است در ادامه این بحث ، ابتدا راههای مختلف بیان هدف های آموزشی و پس از آن انواع هدف های آموزشی مورد بحث و بررسی بیشتر قرار می گیرد.

راه های مختلف تبیین هدف های آموزشی

هدف های آموزشی را می توان براساس چهار مورد بیان و تعیین نمود . ذکر این نکته نیز حائز اهمیت است که هدف های آموزشی هر یک از مجموعه کتب آموزش بهورزی با توجه به همین موارد تهیه شده اند .

1 براساس فعالیت های مربی

اهداف آموزشی را می توان بر پایه فعالیت و روش آموزش خود تبیین نمود . بسیاری از مربیان اهداف خود را با توجه به فعالیت خود بیان می کنند مثال های زیر نمونه ای از هدف های آموزشی است که با توجه به این موضوع بیان شده اند :

- ☐ آموزش مفهوم « سلامتی »
- ☐ معرفی انواع گروه های اصلی غذایی

2 براساس فعالیت دانش آموز :

با توجه به فعالیتی که برای دستیابی به هدف های آموزشی از سوی دانش آموزان صورت می گیرد نیز می توان هدف ها را بیان نمود مثل :

- ☐ تمرین سنجش بینایی
- ☐ نحوه معاینه ستون فقرات

3 براساس عنوان درس

پاره ای از اهداف آموزشی براساس عناوین درس ها تهیه و تدوین می شوند . مانند :

- ☐ اهمیت تغذیه دانش آموزان در سنین مدرسه را توضیح دهید.
- ☐ دستگاه لنفاوی و اعمال آن را شرح دهید.
- ☐ علل پوسیدگی دندان را بیان نمایید.

4 با توجه به یادگیری دانش آموزان

علاوه بر مواردی که در بالا ذکر شده اهداف آموزشی را می توان برپایه یادگیری دانش آموزان تهیه و بیان نمود : مانند :

- ☐ توصیه های لازم برای پیشگیری از بیماری های شایع در سنین مدرسه را بیان نمایید .
- ☐ فهرستی از موارد کنترل در بهداشت محیط مدرسه تهیه نمایید.

همانطور که در فصول قبل اشاره شد ، هدف اصلی فعالیت آموزشی ایجاد یادگیری دانش آموزان است . حال با توجه به مواردی که براساس آن می توان اهداف آموزشی را بیان نمود ، به نظر شما کدام طریقه بیان هدف های آموزشی بهترین راه بیان و تدوین هدف های آموزشی است ؟


قبل از آنکه ادامه بحث را بخوانید یکبار دیگر درباره سوال مطرح شده قدری تأمل کنید ، پس از آن مطالعه خود را ادامه دهید.


بله پاسخ شما درست است . بهترین راه بیان هدف های آموزشی در نظر گرفتن یادگیری دانش آموزان و استفاده از آن در تدوین هدف های آموزشی است . با توجه به آنچه گفته شد « هدف آموزشی » توصیفی از رفتار مورد انتظار از یادگیرندگان در پایان آموزش است . در پایان آموزش می خواهیم یاد گیرنده چه چیزی را یاد بگیرد ؟ پاسخ این سوال همان هدف آموزشی است به علاوه اینکه بهترین راه تدوین اهداف یک مهارت آموزی ، توقعات برنامه در ایجاد مهارت در ارائه کننده خدمت است. بنابراین یک « هدف آموزشی » مشخص می کند که میزان یادگیری ارائه کننده خدمت چیست ؟

برای پی بردن به میزان یادگیری دانش آموز باید به رفتار و عملکرد های قابل مشاهده و قابل اندازه گیری یادگیرندگان توجه نمود و اهداف آموزشی را به صورت « هدف های رفتاری » بیان نمود . در روانشناسی تربیتی نوعی هدف آموزشی که قابل مشاهده و قابل اندازه گیری باشد « هدف رفتاری » نامگذاری شده است . این گروه از روانشناسان توصیه می کنند که اهداف آموزشی باید به صورت رفتاری عینی (Objective) بیان شوند . با توجه به اهمیت این نوع از اهداف آموزشی عنوان ویژه ای به این موضوع یعنی هدف های رفتاری اختصاص داده شده است که بعد از ذکر انواع هدف های آموزشی به تشریح آن پرداخته می شود.

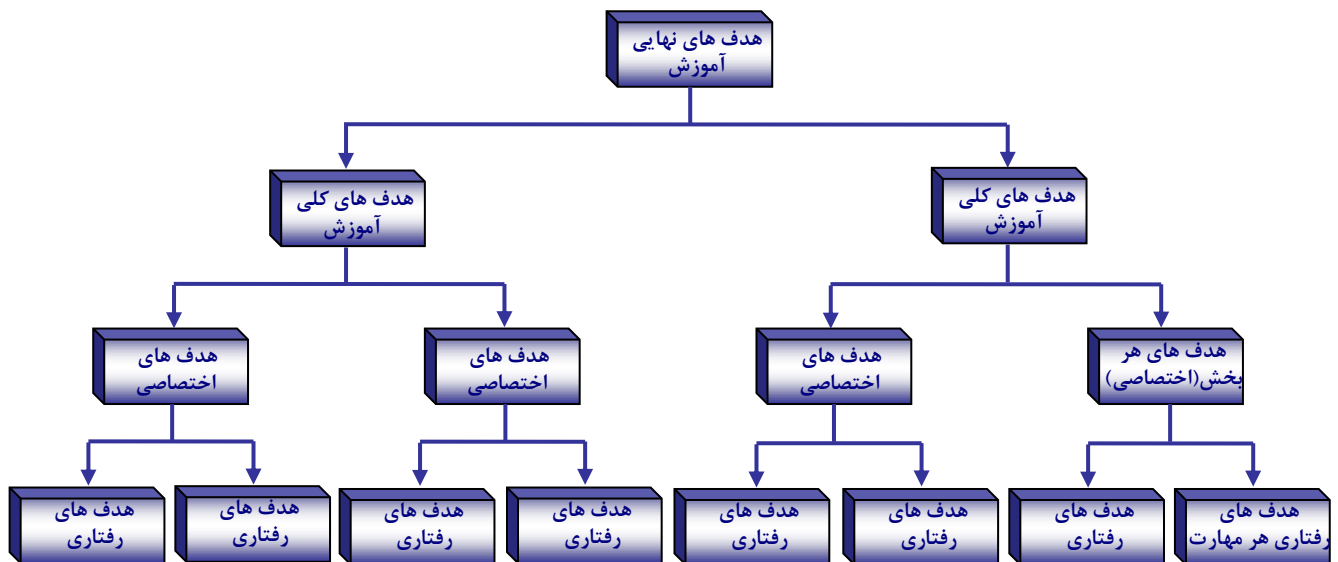
انواع هدف های آموزشی

به طور کلی در روانشناسی تربیتی هدف های آموزشی را از ابعاد مختلفی طبقه بندی نموده اند. یکی از این طبقه بندی ها

بر حسب سطوح آن از کل به جزء ترتیب یافته است . از این جنبه هدفهای آموزشی عبارتند از :

- هدف های کلی
- هدف های جزئی (اختصاصی)
- هدف های رفتاری

ارتباط هر یک از این انواع را می توان به صورت خلاصه از بیان کلی هدف ها به سوی دقیق ترین اهداف آموزشی که همان هدف های رفتاری است بیان نمود . تصویر زیر رابطه این سطوح هدف ها را نشان می دهد .



سطوح مختلف هدف های آموزشی (روال تهیه و تدوین هدف های آموزشی)

اقتباس از Callahan.J.F 1990.P.33

همانطور که شکل بالا نشان می دهد اهداف آموزشی از کل به جز جریان می یابند و مجموعه ای از اهداف رفتاری یک هدف کلی آموزشی را تشکیل می دهد . در ادبیات تعلیم . تربیت به فرایند تبدیل هدف های کلی آموزشی به اهداف کوچکتر (اهداف رفتاری) فرایند « تحلیل آموزشی » گفته می شود . در این فرایند اهداف آموزشی از بیانات کلی ، مبهم و نامشخص (اهداف کلی) به اهداف دقیق تر (اهداف جزئی) خرده فعالیت ها و در نهایت اهداف مشخص ، قابل مشاهده و قابل سنجش و اندازه گیری (اهداف رفتاری) تبدیل می شود . این اهداف جزئی تر ، قابلیت ها و توانائی هایی هستند که بهروزان برای اجرای برنامه های بهداشتی در سطح روستا به آنها نیاز دارند تا اهداف برنامه تحقق یابد .

مثال

هدف کلی آموزشی در یک مبحث پایش رشد این است که بهروز واجد توانایی های لازم برای

کنترل رشد اطفال باشد . هدف های اختصاصی آن عبارتند از :

- 1 . بهروز نحوه کار کردن با ترازو را بداند .
- 2 . بهروز قادر باشد طفل را به نحو صحیح توزین نماید.
- 3 . بهروز قادر باشد وضعیت رشد طفل را در کارت رشد علامت بزند و ...

از سوی دیگر براساس زمان تحقق اهداف یک برنامه آموزشی ، می توان اهداف آموزشی را به اهداف کوتاه مدت و اهداف بلند مدت تقسیم نمود . اهداف کوتاه مدت به اهداف یک موضوع یا عنوان درسی توجه دارد ، در حالی که اهداف بلند مدت به طور نسبی به اهداف یک برنامه درسی اطلاق می شود .

این تقسیم بندی اهداف ، معمولاً در فرایند برنامه ریزی آموزشی به کاربرد می شود . اما به طور یقین مهمترین کاربرد تقسیم بندی اول ، مستقیماً در فرایند تدریس و آموزش است و مهمترین نوع هدف های آموزشی که جایگاه ویژه ای در مباحث روانشناسی یاد گیری و آموزشی دارد همانا هدف های آموزشی رفتاری است.

هدف های آموزشی رفتاری

هدف های آموزشی رفتاری ، هدف هایی هستند که مقاصد آموزشی را برحسب عملکرد یا رفتار قابل مشاهده گیرنده بیان می کنند همانطور که اشاره شد هدف های رفتاری به مربی کمک می کنند تا به طور دقیق ، منظور و مقصود خود را از آموزش موضوع درسی مشخص نمایند تا یاد گیرنده از این طریق در فرایند آموزش ، مشارکت موثرتری داشته باشد .

به طور کلی تفاوت عمده بین هدف های رفتاری و هدف های غیر رفتاری این است که هدف های رفتاری بر حسب عملکرد قابل اندازه گیری یاد گیرنده توصیف می شوند ، در حالیکه هدف های غیر رفتاری (کلی و جزئی) با کلمات و عبارت مبهم و نامشخص بیان می شوند و در نتیجه به سهولت قابل اندازه گیری نیستند . از این رو افراد مختلف این هدف ها را به گونه ای متفاوت تعبیر و تفسیر می کنند . در مقابل معنی هدف های رفتاری برای همگان یکسان است . مثلاً « دانستن بیماری های شایع تنفسی » را هر کس به طریقی متفاوت تفسیر می کند و برداشت متفاوتی از آن دارد . در حالیکه « مثال زدن از بیماریهای شایع تنفسی » مقصود و منظور مشخص را دنبال می کند . از سوی دیگر تهیه آزمون و ارزشیابی از دستیابی به چنین هدفی به مراتب ساده تر از ارزشیابی از هدف « دانستن بیماریهای شایع تنفسی » است .

مثال های زیر نمونه هایی از هدف های غیر رفتاری و هدف های رفتاری است :

نمونه های اهداف غیر رفتاری

1. اعضای دستگاه گوارشی را بدانند.
2. تغییرات جسمی ، اجتماعی و روانی دوران بلوغ را خوب یاد بگیرد .
3. نقش کلیه ها در بدن را بفهمد .

نمونه اهداف رفتاری

1. نحوه اندازه گیری فشار خون را نشان دهد .
2. اعضای دستگاه گوارشی را نام ببرد.
3. تغییرات جسمی، اجتماعی و روانی دوران بلوغ را به اختصار در چهار سطر توضیح دهد
4. نقش کلیه ها در بدن را بیان نماید.
5. میزان فشار خون همکلاسان خود را اندازه گیری نماید .

چنانچه از مقایسه این دو دسته اهداف بر می آید در « اهداف رفتاری » معنا و منظور مشخصی از افعال به کار رفته در آنها برداشت می شود در حالیکه در معنای افعال غیر رفتاری، هر شخصی به زعم خود تعبیر ویژه ای از آن دارد.

از این رو فعالیت های آموزشی را دچار « چند پایانی » خواهد نمود. این در حالی است که برای اجرای یک برنامه واحد، ارائه کنندگان بایستی اقدامات واحدی را در چارچوب توقعات برنامه انجام دهند. نتیجه اینکه تنها در صورت بیان اهداف به صورت اهداف رفتاری است که می توان انتظار وحدت و هماهنگی در فعالیت های آموزشی را داشت. بنابراین برای اینکه اهداف برای یاد دهنده و یاد گیرنده مفید باشد و بتواند در هر لحظه میزان دستیابی خود را به اهداف آموزشی ارزیابی کند، باید از کلماتی کاملاً روشن و واضح ارجحیت: بیان کند، توضیح دهد، تعریف کند، بحث کند، توصیف کند، فهرست نماید، تعیین کند، پیش بینی کند، خلاصه کند، انتقاد کند، استدلال کند، مقایسه کند، بیان کند، نام ببرد، مثال بزند و ... استفاده شود.

تهیه و تدوین هدف های رفتاری

گفته شد که برای تهیه هدف های رفتاری، تغییرات مطلوب در رفتار یاد گیرنده باید به نحوی بیان شوند که هم برای دانش آموز و به طور قطع برای مربی مشخص و معین باید. برای این منظور وجود سه شرط اساسی ضروری است. این سه شرط عبارتند از: شرایط، ملاک و عملکرد.

الف شرایط

مشخص کننده موقعیت ها، محدودیت ها، ملزومات، مواد، ابزار و تجهیزاتی است که تحت تاثیر آنها رفتار صورت می گیرد مانند:

- . فراگیر در خانه بهداشت بتواند ...
- . فراگیر در کلاس درس بتواند ...
- . یاد گیرنده بدون استفاده از کتاب بتواند ...
- . یاد گیرنده با استفاده از فشار سنج بتواند ...
- . یاد گیرنده با توجه به نقشه و کروکی روستا بتواند ...
- . یاد گیرنده نتایج معاینات غربالگری را در فرم مراقبت های بهداشتی درمانی ...

ب. ملاک

ملاک، استاندارد ها و معیارهای وقوع یادگیری در یاد گیرنده را معین و مشخص می سازد و تشریح کننده میزان کار مورد نیاز و قابل قبول فعالیت است که باید آموخته شود مانند:

. فراگیر در کلاس درس بتواند حداقل چهار مورد از موارد توصیه های پیشگیری از سوء تغذیه را ...

. فراگیر بدون استفاده از کتاب بتواند 2 مورد معاینات غربالگری را ...

. فراگیر با استفاده از فشار سنج در مدت 5 دقیقه بتواند فشار خون حداقل 7 نفر را به طور صحیح اندازه گیری کند.

. فراگیر به 85 درصد پرسش از تمرین های درس پاسخ بدهد.

ج. عملکرد

عملکرد بیان کننده رفتار قابل مشاهده ای است که فراگیر باید از خود نشان دهد و کاری که در نهایت توسط او باید انجام شود را مشخص می کند مانند:

. فراگیر در کلاس درس بتواند حداقل چهار مورد از موارد توصیه های پیشگیری از سوء تغذیه را توضیح دهد.

. یاد گیرنده بدون استفاده از کتاب بتواند 9 مورد معاینات غربالگری را نام ببرد.

. با استفاده از فشار سنج در مدت 5 دقیقه بتواند فشار خون 7 نفر را اندازه گیری نماید.

. یاد گیرنده به 85 درصد پرسش های درس پاسخ بدهد.

در مجموع یک هدف رفتاری آموزشی عبارتی است که سه مورد اطلاعات شامل شرایط ، معیار و عملکرد را به صراحت بیان نموده باشد . در صورت وجود این سه عنصر ، هدف رفتاری آموزشی به شکل کامل خود تهیه می شود . مثال های زیر از جمله این نوع اهداف است:

مثال 1 دانش آموز بتواند در کلاس درس و بدون استفاده از هر گونه کتاب یا متنی با استفاده از ماکت بدن انسان، تمامی اجزای اصلی دستگاه تنفس را نشان داده و درباره هر یک به اختصار توضیح دهد.

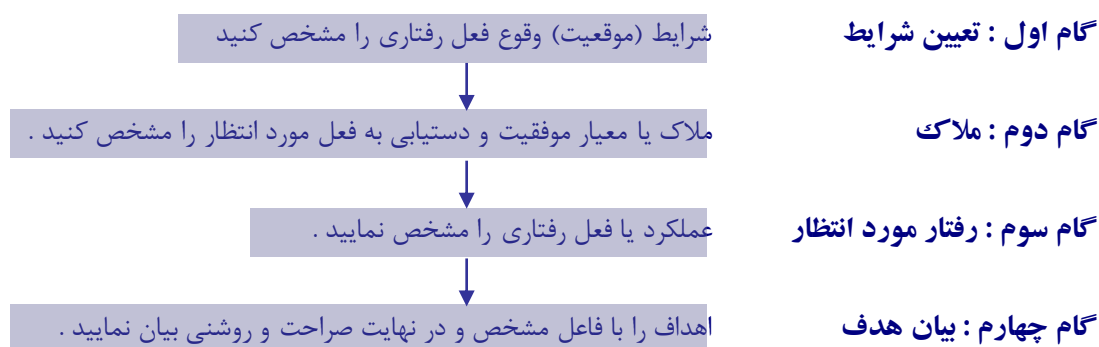
مثال 2 در صورتی که چندین وسیله کمک آموزشی در اختیار قرار گیرد ، فراگیر بتواند مناسب ترین وسیله را برای آموزش گروهی در مورد یک برنامه خاص بهداشتی انتخاب کند

نکته آخر درباره تنظیم و نوشتن اهداف آموزشی رفتاری این است که این اهداف به ویژه در موقعیت های آموزش رودررو (مستقیم) با فاعل مشخصی بیان می شوند . مثلا:

- ☐ در پایان دوره شما قادر خواهید بود ... (شرایط) ... (ملاک) ... (عملکرد) .
- ☐ بعد از کار کردن با این مدل شما قادر خواهید بود ...
- ☐ پس از معرفی فرم شماره 1 ، دانش آموزان باید بتوانند ...

در صورت بیان آن به صورت مشخص و در قالب یک فعالیت مشترک ، فراگیران نقش خود را به طور ملموس تری دریافته و در نتیجه با انگیزه و تشریک مساعی بیشتری برای دستیابی به آنها تلاش می کنند.

در مجموع چهار گام اساسی برای تبیین و تنظیم اهداف آموزشی رفتاری به صورت زیر است :



خلاصه فصل دوم

منظور از انجام هر فعالیت آموزشی ، تحقق هدف های آموزشی است . اگر این اهداف به درستی تحلیل ، تعیین و تصریح شده باشد امکان حرکت و فعالیت صحیح مربی و متربی و در نتیجه تحقق هدف ها تسهیل ، ممکن و میسر خواهد شد . هدف های آموزشی در قالب عبارتهایی بیان می شوند که حاصل و نتیجه جریان آموزش را نشان می دهند . این اهداف ضمن پرتو افشانی و جهت دهی به فرایند آموزش ، یاد دهنده و یادگیرنده را کمک می کند تا در همان مسیر تمامی سعی و کوشش خود را برای دستیابی به همان مقصد را جهت دهند و در هر مرحله از آموزش میزان دستیابی خود به اهداف آموزشی را ارزیابی نمایند . از جمله فواید بیان اهداف آموزشی ، سازماندهی محتوای درسی ، تعیین فعالیت های آموزش دهنده ، تسهیل انتخاب روش مواد و وسایل مورد نیاز ، سازماندهی فعالیت های دانش آموزان و تسهیل فرایند ارزشیابی است .

اهداف آموزشی را می توان براساس موارد مختلفی از قبیل : فعالیت مربی ، فعالیت دانش آموز ، عنوان درس و سرانجام با توجه به یادگیری دانش آموز بیان نمود . از آنجا که در فصول قبل نیز اشاره شد که منظور از آموزش ایجاد ترتیباتی برای یادگیری یادگیرندگان است ، مناسب ترین طریقه بیان اهداف آموزشی توجه به یادگیری دانش آموزان است .

هدف های آموزشی در سه سطح هدف های کلی ، جزئی و رفتاری دسته بندی شده اند . اهداف کلی ، عبارات گنگ و مبهم و نا مشخصی هستند که معمولا در سطوح بالاتر سازمانی تبیین می شوند و جهت حرکت و محدوده کار را مشخص می کنند . به لحاظ کلی بودن این قبیل اهداف نگارش آن نیز کلی و تفسیر پذیرند و به سهولت قابل اندازه گیری نیستند . برای تبدیل شدن به اهداف قابل سنجش و تفسیر ناپذیر ، این اهداف به اهداف جزئی و در نهایت به صورت دقیق و مشخص تری در قالب اهداف رفتاری بیان می شوند . برای « رفتاری » بودن یک هدف آموزشی وجود سه عنصر ، شرایط ، معیار و عملکرد ضروری است .

با پاسخ به پرسش های زیر آموخته های خود را از مطالب این فصل ارزیابی کنید. چنانچه در ارائه پاسخ صحیح با مشکلاتی مواجه بودید متن را مرور کنید. از پاسخ های ارائه شده خود ، خلاصه ای از مطالب ارائه شده تهیه نمایید.

1. اهمیت و ضرورت تدوین اهداف آموزشی را توضیح دهید .
2. پنج مورد از فواید آموزشی را ذکر کنید و درباره هر یک توضیح یک سطری ارائه نمایید.
3. به نظر شما مهمترین فایده تدوین و تعیین اهداف چیست ؟ درباره استدلال انتخاب خود با سایرین نیز گفتگو کنید.
4. راههای مختلف بیان هدف های آموزشی را با ذکر مثال بیان نمایید.
5. انواع هدف های آموزشی را با یکدیگر مقایسه ، تفاوت وجوه تمایز هر یک را ذکر کنید.
6. در آموزش کلاسی به نظر شما کدام یک از سطوح اهداف ، کاربرد بیشتری دارند ؟ علت این امر را توضیح دهید.
7. منظور از تحلیل آموزشی چیست ؟ کاربرد تحلیل آموزشی در امر آموزش را بیان نمایید .
8. فهرستی 10 موردی از هدف های رفتاری و غیر رفتاری تهیه نمایید.
9. تفاوت اصلی هدف های رفتاری و غیر رفتاری را توضیح دهید.
10. سه شرط لازم برای تهیه یک هدف رفتاری کامل را نام برده و با ذکر یک مثال درباره هر یک توضیح دهید.
11. نمونه هایی از هدف های رفتاری که واجد سه عنصر باشند را از متون مجموعه کتب آموزش بهورزی استخراج نمایید .
12. با توجه به اهداف تعیین شده در مجموعه کتب آموزش بهورزی تعدادی از اهداف آموزشی هر درس را به یک هدف رفتاری کامل تبدیل نمایید و کار خود را در گروه آموزشی ارائه نمایید.

فصل سوم

طبقه بندی هدف های آموزشی

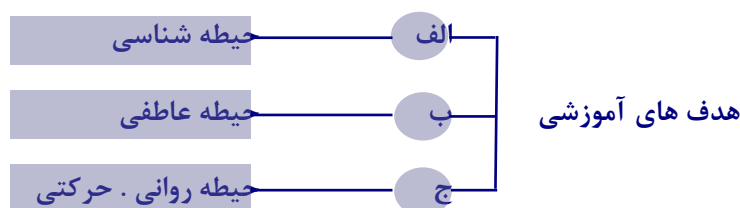
در فصل قبل هدف های آموزشی و نحوه تعیین هدف های رفتاری مورد بحث و بررسی قرار گرفت. گفتیم که با استفاده از اهداف می توان به صورت دقیق و مشخص تری آموزش داد. گفته شد که هدف آموزش یادگیری است و فعالیت های آموزشی باید به یادگیری بینجامد. یادگیری سطوح و انواع گوناگونی دارد. گاه انتظار داریم که آموزش گیرندگان اطلاعات و « دانش » جدیدی را کسب کنند، « نگرش » تازه و جدیدی را کسب کنند و یا اینکه یک « مهارت عملی » را بیاموزند. به همان نسبت که یادگیریها متنوع هستند. (یادگیری مطالب مختلف درسی، یادگیری نحوه پیشگیری از شیوع مالاریا، یادگیری اهمیت انجام برنامه های آموزش بهداشت، یادگیری ارزش قائل شدن برای برنامه های بهداشت، یادگیری نحوه استفاده از او. ار. اس) هدف های آموزشی نیز گوناگونند. متخصصان آموزش با توجه به ماهیت انواع یادگیری، هدف های آموزشی که به منظور تغییر در رفتار صورت می گیرد را طبقه بندی کرده اند. یکی از معروفترین طبقه بندی هدف های آموزشی به وسیله گروهی از این متخصصان به سرپرستی دکتر بنیامین بلوم صورت گرفته است. که در این فصل، این طبقه بندی و کاربرد آن در آموزش معرفی خواهد شد.

پس از مطالعه این فصل انتظار می رود بتوانید :

1. طبقه بندی هدف های آموزشی به سه حیطه شناختی، عاطفی و روانی حرکتی را توضیح دهید و کار برد آن را بیان نمایید.
2. منظور از انجام طبقه بندی هدف های آموزشی از سوی صاحب نظران امر آموزش را به اختصار توضیح دهید.
3. تعدادی از اهداف آموزشی را در هر یک از طبقات سه گانه، دسته بندی نمایید.
4. بعد از خواندن یک متن، برای آموزش مطالب آن، اهداف آموزشی تهیه نمایید.
5. هدف های آموزشی یک متن را براساس سطوح یادگیری تعیین نمایید.

گفته شد که تعیین و تبیین اهداف آموزشی، اولین و مهمترین اقدام برای طراحی یک برنامه آموزشی است. اهداف باید مشخص کننده رفتار و عملکرد نهایی یادگیرنده باشند و با بیانی صریح و روشن در قالب اهداف رفتاری، تعیین گام های بعدی آموزش را تسهیل نمایند «هدف ها و نتایج نهایی حاصل از آموزشند که مدرس یا سازمانهای آموزشی به منظور دستیابی به آنها آموزش ها را ارائه می کنند. نتایج نهایی، همان توانایی های پایانی فراگیران اعم از دانسته ها، مهارت های عملی و گرایش های مختلف ناشی از آموزش است که ارائه آموزش را توجیه می کنند. هدف ها، سنگ زیر بنای هر آموزش را تشکیل می دهند. هر آنچه که حین آموزش انجام می شود و هر آنچه که پس از ارائه آموزش حاصل می شود همه از هدف ها ناشی می شوند. هدفها تعیین کننده تمام جزئیات برنامه آموزشی اند. نداشتن هدف و شروع آموزش به منزله سفری بدون مقصد، بدون راه و نقشه و قطب نماست»*. حال این سؤال را مطرح می کنیم که اهداف چگونه باید باشند تا بتوانند ما را در امر آموزش یاری نمایند؟

تعیین هدف های آموزشی با توجه به اهمیتی که در آموزش دارد، طی سالیان متمادی از سوی دست اندر کاران و صاحب نظران امر آموزش مورد توجه قرار گرفته و تلاش شده است تا با طبقه بندی⁵ آنها کار تجزیه و تحلیل و تعیین و تبیین آنها با سهولت بیشتری انجام گیرد. یکی از معروفترین این طبقه بندی ها، طبقه بندی بنیامین. اس. بلوم و همکاران اوست. در طبقه بندی بلوم، هدف های آموزشی به سه حیطه شناختی^{**}، عاطفی^{***} و روانی حرکتی^{****} تقسیم می شوند. حیطه شناختی دانش و معلومات و توانایی ها و مهارت های ذهنی را شامل می شود. حیطه عاطفی با علائق، انگیزش و نگرش سرو کار دارد و حیطه روانی حرکتی به فعالیت ها و مهارت هایی که هم جنبه روانی و هم جنبه جسمانی دارند اطلاق می شود.



الف هدف های آموزشی حیطه شناختی

هدف های آموزش حیطه شناختی، به آنچه دانش آموز باید بداند و بفهمد مربوط می شود. مثلاً نگران هستیم که یکی از دانش آموزان اطلاعات کافی درباره بیماری سل و علائم آن را ندارد، نگرانی ما در رابطه با مشکل دانش آموز در حیطه شناختی است. حیطه شناختی با هدف هایی که متضمن فعالیت ذهنی است سرو کار دارد. یاد دادن موضوعات درسی در شرایط کلاسی از جمله فعالیت هایی است که اهداف این حیطه را دنبال می کند. از سوی دیگر وقتی که با پرسش و آزمون، میزان اطلاعات و دانش فراگیران ارزشیابی می شود این آزمون و پرسش از میزان دستیابی به اهداف حیطه شناختی صورت گرفته است. به قول بلوم و همکاران «برای مثال اگر ذهن را به صورت یک بایگانی تصور کنیم، پرسشگری در این حیطه عبارت است از پیدا کردن نشانه ها، سرنخ ها و قوانینی که به بهترین وجه، اطلاعات و دانش ذخیره شده یا بایگانی شده یا بایگانی شده را فرا می خواند». این پرسش که اندازه بزرگی پنجره ها نسبت به مساحت کلاس چقدر باید باشد؟ (پاسخ 1/5) نمونه ای از ارزشیابی فرد از دستیابی به اهداف آموزشی در حیطه شناختی است.

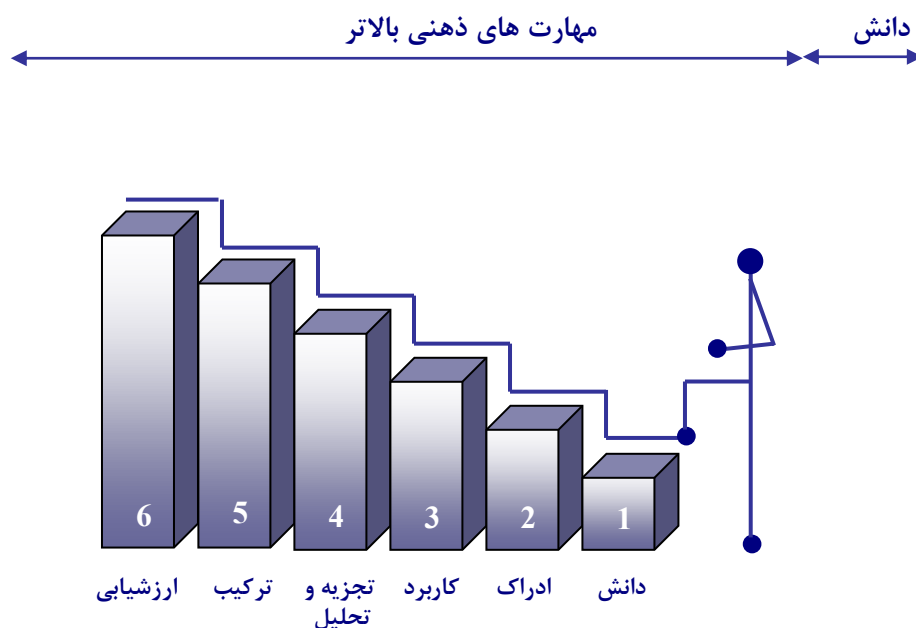
**Cognitive Domain

*** Affective Domain

**** Psychomotor Domain

* فردانش، هاشم (1372)، مبانی نظری تکنولوژی آموزشی، ص 85

حیطه شناختی به دو بخش دانش و مهارت های ذهنی تقسیم شده است که مجموعاً 6 سطح در این حیطه را تشکیل می دهد .



سطوح یادگیری در حیطه شناختی

1. دانش (Knowledge)

شامل رفتارهای حفظی ، یادآوری اطلاعات، اصطلاحات ، فرایندها و موقعیت هاست . در این سطح فراگیر تنها دانش و مطالب قبلاً آموخته شده را بیاد می آورد و به بیان آن می پردازد. این سطح عمدتاً جنبه حفظی دارد و پایین ترین سطح یادگیری در این حیطه به شمار می آید.



مثال

- فراگیر بتواند علل اسهال را نام ببرد .
- فراگیر بتواند حجم آب موجود در بدن انسان را بگوید .
- فراگیر بتواند تعداد گروه های اصلی غذایی را نام ببرد .

در سطح « دانش » فرد تنها مطلبی را به یاد می آورد!

این سطح از یادگیری کاملاً متکی به « حافظه » است . بنابراین بر فرایندهای ذهنی سازمان دهی و تجدید سازمان مطالب آموخته شده تأکید نمی کند . در سطح دانش ، یادگیرنده تنها به بیان آنچه به خاطر سپرده است می پردازد . در سطوح بالاتر ، به معنا و مفهوم یک مطلب درسی پی می برد و آن را با جملاتی که خود می سازد بیان می کند و با کسب مهارت های ذهنی بالاتر فرد می تواند « دانش » خود را به کار ببندد و تنها به دانستن آن بسنده ننماید . همچنین به نقد و ارزشیابی مطالب و موضوعات بپردازد و نظر مبتنی بر دانش و ادراک خود را ارائه نماید و از طریق به سطوح بالاتری از یادگیری دست یابد.

2. فهمیدن یا درک کردن (Comprehension)



« فهمیدن یعنی درک مطلب ، که فرد از آن طریق در می یابد که هدف اصلی مطلب مورد نظر چیست ، بدون اینکه نیاز داشته باشد که آن مطلب را با مطالب دیگر ربط دهد یا موارد استفاده کامل آن را بداند » *

در سطح « فهمیدن » فرد به ارتباط بین دو پدیده پی می برد.

مثال

- دانش آموز پس از اتمام درس بتواند اصول و مفاهیم درس از قبیل ... را درک کند
- دانش آموز پس از اتمام درس بتواند نمودار ها و تصاویر را تفسیر کند.
- دانش آموز پس از اتمام درس بتواند روش ها و جریان عمل را توجیه کند.
- دانش آموز پس از اتمام درس بتواند علت اهمیت پیشگیری نوع اول را به بیان خود توضیح دهد.

همانطور که مشاهده می شود مهارت های ذهنی که نیاز به درک ، تعبیر ، تفسیر ، تعمیم و ترجمه به بیانی تازه را (به زبانی ساده) دارند در این سطح قرار می گیرند .



پس اگر درختی را نگاه پرهم بعضی از سیب های آن به روی زمین می ریزند.

در سطح کاربرد، فرد آموخته های خود را در موقعیت های عملی به کار می گیرد رسیدن به این سطح بستگی به دستیابی او به سطوح قبلی یعنی دانش و فهمیدن است.

3. کاربرد یا بکار بستن (Application) یادگیری در سطح

« کاربرد » عبارتست از کاربرد دانستنی ها ، اصول علمی ، رویه ها ، دستورالعمل ها و دیگر مفاهیم انتزاعی در موقعیت عملی و مناسب ، بدون اینکه هیچ راه حل تازه ای در میان باشد . بهورزی که در حال راهنمایی یک عرضه کننده مواد غذایی برای بازسازی محل فروش خود منطبق با استاندارد های بهداشتی است در واقع مشغول به کار بستن اطلاعات و آموخته های خویش است . دانش آموزی که در حال کنترل جدول ثبت کرباقی مانده آب آشامیدنی روستا در طول یک هفته گذشته است دارای توانایی کاربرد آموخته های خویش است . مربی که با استفاده از اصول ، قوانین (استاندارد ها) محتوای آموزش خود را ارائه می کند به این سطح از آموخته ها دست یافته است .

بنابراین تنها با حفظ کردن مطالب (سطح دانش) و یا « فهمیدن » آنها نمی توان این اعمال را انجام داد و انجام این امور نیازمند توانایی بالاتری از یادگیری در سطح کاربرد است . مسلماً دستیابی به این سطح از یادگیری مستلزم فعالیت های آموزشی بیشتر و راهکارهای ویژه ای است که نقطه آغاز آن تعیین و تبیین اهداف آموزشی در سطح کاربرد است . این سطح از یادگیری ها اهمیت ویژه ای در آموزش بهورزی دارد و منظور اصلی دوره آموزش بهورزی ، ارتقاء سطح یادگیری بهورزان به این سطح از آموخته هاست . مثال های زیر نمونه هایی از اهداف آموزشی این سطح است . شما نیز مثال های دیگری از اهداف آموزشی در سطح کاربرد ارائه نمایید.

مثال

- پس از اتمام آموزش بتواند فرم ویژه نتایج غربالگری را تکمیل نماید.
- پس از اتمام آموزش بتواند نمودار تغییرات وزن بر حسب قد را ترسیم نماید .
- پس از اتمام آموزش بتواند مراحل مختلف کلر زنی منبع آب را عملاً نشان دهد.
- پس از اتمام آموزش بتواند میزان نیاز بدن به هر یک از گروه های اصلی غذایی بر اساس سهم غذایی را با ذکر مثال توضیح دهید .

دستیابی به این اهداف ، مستلزم دانش و فهم آموخته های پایه ای است ؛ به عبارت دیگر شرط اساسی برای دستیابی به این اهداف ، داشتن تسلط به سطوح پایین تر یادگیری در حیطه شناختی است . توجه به این نکته مهم ، یکی از ملزومات موفقیت در دوره مهارت آموزی بهورزی است

4. تجزیه و تحلیل (Analysis) مهارت تجزیه و

تحلیل در سطحی نسبتاً بالاتر از مهارت های دانش ، فهمیدن و به کار بستن قرار دارد. یادگیری در سطح تجزیه و تحلیل در بردارنده توانایی تجزیه کردن یک موضوع به اجزاء تشکیل دهنده آن و مشخص کردن ارتباط و سازمان کلی اجزاء است . بررسی یک رژیم غذایی متعادل و متناسب با ساختار جغرافیایی یک منطقه از نمونه توانایی ها در این سطح از یادگیری است .



در سطح تجزیه و تحلیل ، فرد ارتباط بین اجزاء مختلف ، پدیده یک رویداد ، یک مطلب یا موضوع درسی را توجیه می کند .

مثال

- فراگیر بتواند بر اساس انواع غذا های موجود در یک منطقه روستایی یا در اختیار یک خانواده برای آنها چندین نوع رژیم غذایی که حاوی نیاز های تغذیه ای افراد خانواده باشد پیشنهاد نماید
- فراگیر پس از اتمام درس بتواند فهرستی از مشکلات بهداشتی منطقه را تهیه نماید.
- فراگیر بتواند علل مراجعه نکردن به خانه های بهداشت را توضیح دهد .

5. ترکیب (Synthesis) . اهداف آموزشی در سطح

ترکیب ، توانایی ارائه راه حل های جدید ، تولید شیوه ای نوین و ایجاد یک برنامه منسجم را دنبال می کند . ترکیب مستلزم در هم آمیختن دوباره تجربیات و واقعیت ها و دانستی ها و استنتاج یک روش با سازماندهی جدید است . در سطح ترکیب عموماً از فراگیران انتظار می رود که در محدوده تعیین شده ، با استفاده از وسائل یا مواد یا در چارچوب نظری و روشی خاص از خود خلاقیت نشان دهند . مثلاً اگر با توجه به مطالب آموخته شده در دروس دوره ارتقاء و مهارت های آموزشی



در سطح ترکیب ، فرد اجزاء و عناصر متفاوت را در هم می آمیزد تا نتیجه ای نو و بدیع حاصل آید.

یک طرح آموزشی یا یک طرح طراحی کرد به منزله دستیابی به اهداف آموزشی در این سطح تلقی می شود.

توانایی بیان تجارب شخصی به طور موثر ، ارائه یک رژیم غذایی متعادل و متناسب با محصولات غذایی یک منطقه جغرافیایی از نمونه توانایی ها در این سطح از یادگیری است . در اینجا مثال هایی از اهداف آموزشی در سطح ترکیب ارائه شده است.

مثال

- فراگیر پس از اتمام آموزش بتواند در مورد عوامل موثر در بهبود کیفیت فعالیت های یک برنامه بهداشتی، پیشنهاداتی ارائه نماید .
- فراگیر بتواند یک برنامه مشارکت جمعی با کمک گروه های رسمی و غیر رسمی برای بهبود وضعیت بهداشت زباله در روستا (براساس وضعیت منطقه) ترتیب دهد .
- فراگیر بتواند اقدام به انجام مشاوره در زمینه تنظیم خانواده براساس قواعد آموزش داده شده در کتاب برای زوج ها (با شرایط مختلف فرهنگی ، اجتماعی و ...) نماید .



در سطح نقد و ارزشیابی فرد به عمق ظرافت و پیچیدگی های یک موضوع پی می برد .

6 . ارزشیابی (Evaluation) توانایی نقد و قضاوت درباره مطالب و موضوعات مختلف حاکی از دستیابی به اهداف آموزشی است . ارزشیابی و قضاوت بالاترین سطح یادگیری در حیطه شناختی به شمار می آید . مقایسه دو برنامه بهداشتی و ترجیح یکی از آنها بر دیگری با ذکر دلایل آن ، در این سطح از یادگیری است . این مرحله نقش پل ارتباطی بین رفتار ها و عملکرد های شناختی و رفتارهای عاطفی را ایفا می کند .

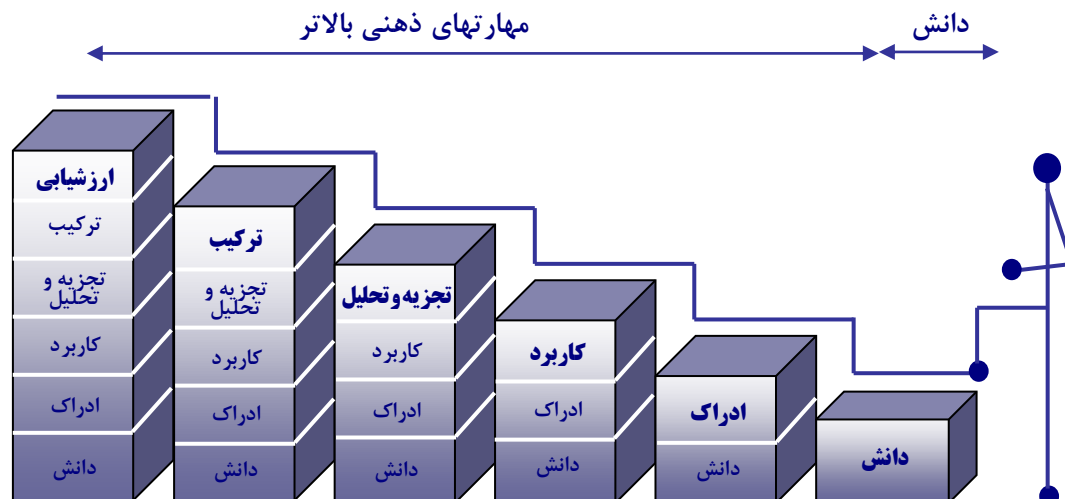
مثال های زیر نمونه ای از اهداف آموزشی در این سطح است:

مثال

- فراگیر بتواند نقاط ضعف و قوت فعالیت های یک بهورز را براساس استاندارد های ارائه خدمات نقد و ارزشیابی نماید
- مربی بتواند عملکرد های دو دانش آموز را مقایسه و ارزیابی نماید .
- بهورز بتواند تاثیر عملکرد خود در زمینه تنظیم خانواده در ایجاد پوشش مناسب در روستا و دلایل عدم پوشش مطلوب را بیان نماید .

همانطور که اشاره شد ارزشیابی و قضاوت آخرین سطح مهارت های ذهنی در حیطه شناختی به شمار می آید . رسیدن به این مرحله ، به انجام مناسب فعالیت آموزشی و تحقق کامل سایر سطوح اهداف آموزشی این حیطه بستگی دارد.

این طبقه بندی به صورت یک سلسله مراتب از ساده به دشوار تهیه شده و هر سطح از یادگیری ، مقدمات رسیدن به سطح بالاتر را فراهم می کند . نمودار زیر سطوح مختلف هدف های آموزشی در حیطه شناختی را نشان می دهد :



در حیطه شناختی هدف‌ها از ساده‌ترین سطح شناخت به پیچیده‌ترین رفتارهای شناختی تنظیم شده‌اند. ترتیب هدف‌ها به گونه‌ای است که هدف‌های هر طبقه، شامل بخشی از رفتارهای پایین‌تر و مبتنی بر آنهاست. برای مثال رسیدن به سطح ارزشیابی، مستلزم آن است که فرد به سطوح دانش، ادراک، کاربرد، تجزیه و تحلیل و ترکیب رسیده باشند.

پرواضح است که هدف نهایی مهارت‌آموزی در زمینه ارائه خدمات بهداشتی این است که ارائه‌کنندگان خدماتی تربیت شوند که دارای بالاترین مهارت برای پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه باشند. به عبارت دیگر، عالی‌ترین کیفیت در ارائه خدمات این است که پرسنل ارائه‌دهنده قادر به برخورد با تمامی موارد مراجعه باشند. اما بدیهی است ایجاد تمامی مهارت‌ها برای یک فرد که دارای ظرفیت محدودی به لحاظ میزان یادگیری است غیرممکن است. بنابراین نمی‌توان از یک بهورز انتظار داشت که همان‌توان قضاوت پزشک را در مورد مراجعین خود داشته باشد. زیرا اولاً ارائه چنین آموزشی برای بهورزان غیرممکن است و در ثانی بهورز قابلیت پذیرش چنین آموزشی را ندارد. چاره این کار در نظام بهورزان ارائه خدمات، سطح بندی خدمات است.

بنابراین از بهورز انتظار می‌رود که :

1. قادر به پاسخ‌گویی و ارائه خدمت در زمینه نیازهای اساسی مردم با استفاده از استاندارد (دستورالعمل) باشند.

2. قادر به تشخیص نیازهای بهداشتی افراد برای ارجاع به سطوح بالاتر باشند.

از این رو از یک بهورز انتظار نمی‌رود که قادر به درمان کامل تمامی کودکانی که مبتلا به اسهال شده‌اند باشد. او در این میان قادر است براساس نمودار CDD اقدام به تشخیص و درمان موارد اسهال با دز هیدراتاسیون خفیف نماید، اما در موارد دز هیدراتاسیون متوسط و شدید فقط می‌تواند اقدام به برخی اقدامات اولیه نماید. بدیهی است که بهورز باید قادر باشد تمامی موارد دز هیدراتاسیون را تشخیص دهد.

با آگاهی از سطوح مختلف هدف‌ها، مربیان بهورزی می‌توانند آموزش بهورزان را متناسب با سطوح مختلف آن تدارک ببیند و از روش‌ها و فنونی که به سطوح بالاتر یادگیری « حداقل سطح کاربرد » می‌انجامد استفاده نمایند. برای مثال با استفاده از روش توضیحی و شیوه سخنرانی به سختی می‌توان به اهداف سطح « کاربرد » دست یافت.

همچنین با آگاهی از سطوح مختلف اهداف ، در آزمون هایی که به منظور میزان دستیابی به اهداف آموزشی طرح می شوند ، به این نکته که آزمون کدام سطح یا سطوح از یادگیری را می سنجد توجه نمایند . به عنوان مثال ، این سؤال که علت بیماری مالاریا چیست ؟ سؤالی است که به ارزیابی آموخته ها در سطح « دانش » توجه دارد* . در حالی که سؤالات باید به گونه ای باشد که دستیابی به سطوح بالاتر یادگیری را مورد ارزشیابی قرار دهد و مشخص نماید که آیا فراگیر به کاربرد اطلاعات و دانش خود دسته یافته است ؟

حاصل اینکه در شروع هر فعالیت آموزشی باید به صورت هر چه دقیق تری هدف های آموزشی را معین نمود . تعیین اینکه منظور از آموزش ، دستیابی به کدام سطح از سطوح یادگیری است ، اهمیت زیادی در تعیین گام های بعدی فرایند آموزش دارد. چرا که فعالیت های آموزشی که در هر سطح باید صورت گیرد با سطوح دیگر تفاوت دارد. و بر همین اساس مربیان باید تلاش کنند که یادگیرندگان به سطح بالاتری از یادگیری دست یابند . تا وقتی که هدفهای سطوح پایین تر تحقق پیدا نکند ، هدف های آموزشی سطوح بالاتر تحقق نخواهد یافت . این مطلب یکی از کلیدهای موفق در آموزش موثر محسوب می شود .

تمرین : برای مرور مطالبی که تا کنون آموخته اید تمرین های زیر را انجام دهید و پاسخ خود را با پاسخ های صحیح مقایسه کنید .

1) اهداف آموزشی را به سطوح یادگیری مربوطه وصل نمایید:

- | | |
|--|-------|
| 1.1) دانش آموز بتواند سلول را تعریف کند. | ترکیب |
| 1.2) دانش آموز بتواند اصول و قوانین علمی درس خود را به زبان ساده توضیح دهد . | دانش |
| 1.3) دانش آموز بتواند با نوشتن یک مقاله ، مسئله آموزش رفتارهای بهداشتی را همراه با یک راه حل پیشنهادی بیان نماید | ادراک |

2) دانش آموزی که نمی تواند وضعیت رشد یک کودک را پس از اندازه گیری قد و وزن او تفسیر کند در کدام سطح از سطوح یادگیری مشکل دارد ؟ پاسخ خود را استدلال کنید.

□ دانش □ ترکیب □ ادراک □ کاربرد

3) «اهداف شما واضح و روشن باشد ، تصمیمی گیری در مورد فعالیت های کلاسی آسان خواهد بود و دانش آموزان نیز قادر به مشاهده پیشرفت خود خواهند بود . دانش آموز می تواند میزان موفقیت و پیشرفت خود را از طریق این سؤال بررسی کند که آیا من این قسمت از آموخته ها را یاد گرفته ام ؟ به این ترتیب مشارکت بیشتری در یادگیری خود خواهد داشت و می تواند از این طریق موفقیت را تجربه کند .» تمرین های زیر را انجام دهید و پس از انجام هر یک تعیین کنید که تمرین خواسته شده در کدامیک از سطوح یادگیری است .

- | | | | | |
|---|----------|---------|--------|------------|
| 3.1) نکات اصلی این عبارت مشخص کنید . | □ کاربرد | □ ادراک | □ دانش | □ ارزشیابی |
| 3.2) منظور این عبارت را به اختصار بیان کنید | □ کاربرد | □ ادراک | □ دانش | □ ارزشیابی |
| 3.3) نظر خود را درباره عبارت بالا بنویسید . | □ کاربرد | □ ادراک | □ دانش | □ ارزشیابی |

* در متن نظارت و ارزشیابی مباحث بیشتری در این زمینه ارائه شده است.

4) از اهداف آموزشی کتاب « مباحث مقدماتی » اهداف آموزشی فصلی را انتخاب کنید . هر یک از اهداف آموزشی را در هریک از طبقات مربوطه قرار دهید.

پاسخ تمرین ها :

1.1) دانش	2) کاربرد	3.1) ادراک
1.2) ادراک		3.2) ادراک
1.3) ترکیب		3.3) ارزشیابی

برای سهولت دسترسی به مجموعه افعال رفتاری در حیطه شناختی جدول شماره 1 ارائه شده است. این جدول جمع بندی مطالبی است که پیرامون سطوح مختلف یادگیری در حیطه شناختی ارائه شد . جدول شماره 1 به اجمال نمونه افعال رفتاری در سطوح مختلف حیطه شناختی را نشان می دهد.

گفته شد که در طبقه بندی هدف های آموزشی ، اهداف آموزشی در سه حیطه شناختی ، عاطفی و روانی ، حرکتی تقسیم بندی شده اند . سهم و جایگاه حیطه های سه گانه در همه موضوعات و زمینه ها یکسان نیست . مثلاً موضوعات درسی و تحصیلی که عمدتاً در محیط های آموزشی دنبال می شود اهداف حیطه شناختی را محور فعالیت خود قرار داده اند و حیطه های دیگر را در خدمت آن قرار می دهند . این محوریت در موضوعاتی همچون بهداشت ، ایمنی و سلامتی و بهزیستی مرتبط با حیطه عاطفی است یعنی اینکه اهداف حیطه عاطفی محور فعالیت ها قرار می گیرند . با اهداف آموزشی در حیطه شناختی آشنا شدیم . در ادامه مطالب این فصل ، حیطه عاطفی و سطوح یادگیری در حیطه عاطفی معرفی خواهد شد.

ب هدف های آموزشی حیطه عاطفی

هدف های آموزشی حیطه عاطفی ، اهداف مرتبط با احساسات ، نگرش ها ، طرز تلقی ها ، عواطف ، علائق و ارزش ها است . وقتی نگران هستیم که یکی از دانش آموزان علاقه ای به درس یا موضوع نشان نمی دهد ، نگرانی ما در رابطه با مشکل دانش آموز در حیطه عاطفی است . این دسته اهداف اهمیت بسیار زیادی در فرایند آموزش دارد و پرداختن و بها دادن به هدف های حیطه عاطفی برای رسیدن به سایر هدف های آموزشی ضروری است . « فقط تدریس مهارت ها و حقایق به افراد کافی نیست . » جدی گرفتن آموزش و یا عملی ساختن آن معمولاً بستگی به نگرش افراد دارد ... بسیاری از مردم می پرسند آیا واقعاً این امکان وجود دارد که نگرشی مانند تعهد به کار را در بین افراد آموزش دهیم ؟ آنان به اهمیت افرادی که از قبل انگیزه دارند اشاره کرده و نگرش های ضروری را نشان می دهند . با وجود این راه های متعددی وجود دارد که از طریق آنها می توان بر نگرش ها نفوذ و تاثیر گذارد . *

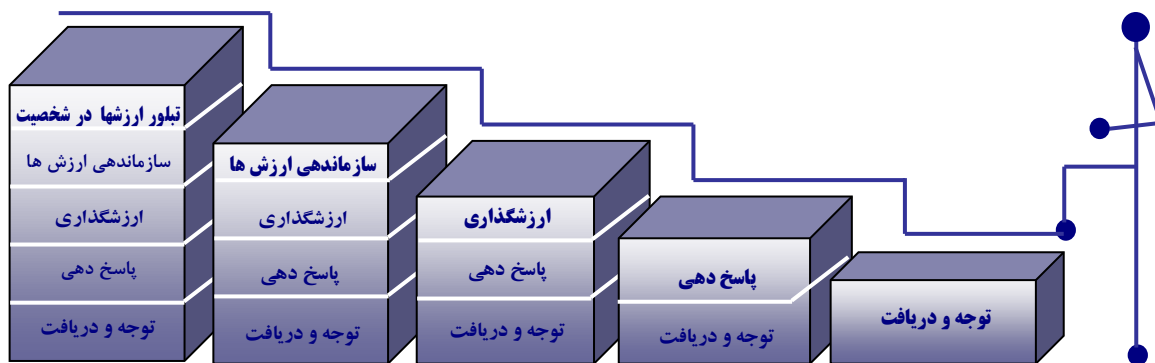
اهداف حیطه عاطفی ، بیشتر به تاثیر نگرش ها ، عواطف و حالات درونی فرد توجه دارند . با مشاهده رفتار ها و تکرار و تعدد رفتار های انجام شده ، می توان به میزان دستیابی به این اهداف و تغییر در عملکردها پی برد . برای آشنایی بیشتر با ویژگی های این حیطه ، سطوح مختلف یاد گیری در حیطه عاطفی بررسی می شود.

جدول 1. خلاصه افعال در سطوح مختلف حیطه شناختی و نمونه افعال آن

ردیف	سطوح مختلف حیطه شناختی	منظور از هر سطح	اهداف کلی هر سطح (نتایج یادگیری)	افعال رفتاری (به صورت مصدر)
1	دانش	- عبارتست از به خاطر آوردن - آنچه قبلاً آموخته شده است - تعاریف و اصلاحات متداول را می داند .	- مفاهیم اساسی را می داند . - روش ها و رویه ها را می داند . - تعاریف و اصلاحات متداول را می داند .	به خاطر آوردن ، آماده کردن ، تعریف کردن ، نامیدن ، شرح دادن عنوان کردن ، مشخص کردن ، جور کردن ، نسخه برداری کردن، نام بردن ، فهرست کردن ، تکرار کردن ، بیان نمودن ، رؤوس مطالب را ذکر کردن
2	ادراک	- فهمیدن و دریافت معنی و مفهوم یک مطلب - تئوری را می فهمد	- اصول را می فهمد - قوانین را می فهمد - تئوری را می فهمد	خلاصه کردن ، توجیه کردن ، تشریح کردن ، مثال زدن ، حل کردن ، ترجمه کردن ، تمیز دادن ، تخمین زدن، پیش بینی کردن ، تعمیم دادن ، بسط دادن ، توضیح دادن ، بازنویسی کردن ، تفسیر کردن
3	کاربرد	- توانایی به کار بردن دانش و موارد آموخته شده در موقعیت های جدید و واقعی - مفاهیم و اصول را در موقعیت های جدید به کار می گیرد. - نظریه ها و قوانین علمی را در موقعیت های علمی به کار می برند	- مفاهیم و اصول را در موقعیت های جدید به کار می گیرد. - نظریه ها و قوانین علمی را در موقعیت های علمی به کار می برند	نمایش دادن ، تغییر دادن ، کنترل کردن ، برآورد نمودن ، کشف کردن ، به کار بردن، بر چسب زدن ، اندازه گیری کردن ، راهنمایی کردن، اصلاح کردن، تولید کردن
4	تجزیه و تحلیل	- قابلیت جری به جزء کردن یک مطلب به اجزای تشکیل دهنده آن به ترتیبی که سازمان کلی آن مطلب قابل ادراک باشد - ساختار یک متن را تجزیه و تحلیل می کند . - نمودار ها و جد اول را تجزیه و تحلیل میکند	- ساختار یک متن را تجزیه و تحلیل می کند . - نمودار ها و جد اول را تجزیه و تحلیل میکند	انتخاب کردن ، بررسی کردن با نمودار نشان دادن ، تفاوت قائل شدن ، جزء به جز کردن ، هجی کردن ، استنتاج کردن
5	ترکیب	- توانایی قرار دادن اجزا و عناصر جدا شده یک کل در کنار هم و تشکیل یک کل جدید - اصول و قوائد را با هم ترکیب می کند . - طرح جدیدی به وجود می آورد . - مطالب و مفاهیم را با هم ترکیب می کند .	- اصول و قوائد را با هم ترکیب می کند . - طرح جدیدی به وجود می آورد . - مطالب و مفاهیم را با هم ترکیب می کند .	ترسیم کردن ، تدبیر کردن طبقه بندی نمودن ، باز نویسی کردن ، انشاء یا مقاله نوشتن ، مدون کردن ، تصمیم گرفتن ، تهیه کردن ، گروه بندی کردن ، سخنرانی کردن ، در هم آمیختن
6	ارزشیابی	- توانای قضاوت درباره ارزش مطالب از قبیل بیانات ، نوشته ها، گزارش ها ، فعالیت ها - نتایج را ارزشیابی می کند . - روش ها را ارزشیابی می کند - قوانین و اصول را ارزشیابی می کند.	- نتایج را ارزشیابی می کند . - روش ها را ارزشیابی می کند - قوانین و اصول را ارزشیابی می کند.	ارزش گذاری کردن ، تطبیق دادن ، ساختن ، امتیاز دادن، انتقاد کردن ، مقابله کردن

سطوح یادگیری در حیطه عاطفی

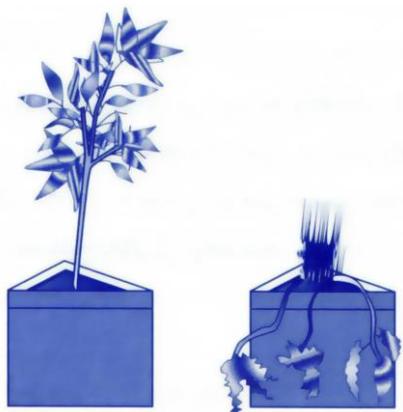
هدف های آموزشی حیطه عاطفی در پنج سطح تقسیم بندی شده اند و همانند حیطه شناختی به صورت سلسله مراتبی از ساده به دشوار تنظیم یافته اند . دستیابی به اهداف سطوح پایین تر ، به منزله مقدماتی هستند که برای رسیدن به اهداف سطوح بالاتر ضروری اند . این پنج سطح عبارتند از : توجه و دریافت (Receiving) ، پاسخ دهی (Responding) ، ارزشگذاری (Valuing) ، سازماندهی ارزش ها (Organization of value) و تبلور ارزش ها در شخصیت (Value Complex) .



نمودار سطوح مختلف هدف های آموزشی در حیطه عاطفی

قبل از آن که به توضیح هر یک از سطوح یادگیری در این حیطه بپردازیم ، به مثالی از فعالیت های آموزشی برای دستیابی به اهداف حیطه عاطفی توجه کنید :

مثال هنگامی که می خواهیم در مورد مراقبت های دوران بارداری آموزش دهیم باید به بهروزان بیاموزیم که حاملگی های در معرف خطر چه مشخصه هایی دارند و بهروزان باید چگونه آنها را تشخیص دهند . اما برای این که به اهمیت این موضوع پی ببرند به باید آنها بگوییم که در کشور ما چه میزان از مادران و نوزادان در اثر بارداری در معرض خطر ، دچار مرگ یا آسیب می شوند . در این زمینه می توان به آنها گفت که کم دقتی در ارزیابی یک بارداری و مراقبت های لازم ممکن است منجر به مرگ نوزاد یا مادر یا ایجاد عوارض غیر قابل برگشت در آنها شود . به عنوان مثال : چنانچه نوزادی به همین دلیل دچار معلولیت شود مجبور خواهد بود عمری را در معلولیت های مختلف (ذهنی ، حرکتی و ...) سپری نماید . این موضوع از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است . به راستی چرا در جامعه ما کودکان و افرادی در مراکز معلولین نگه داری می شوند ؟ آیا آنها خود مرتکب گناهی شده بودند ؟ و ...



ذکر اهمیت این موضوع منجر به تغییر در نگرش و ایجاد تعهد برای یادگیری و ارائه خدمات می شود.

سطح اول : توجه و دریافت

منظور کلی از این سطح توجه دادن دانش آموز به یک موضوع است . پاسخ این سؤال که دانش آموزان را متوجه چه مسائلی بکنیم اهمیت زیادی در یادگیری دارد. منظور از این سطح در آموزش ، جلب ، حفظ و هدایت توجه دانش آموز به فعالیت آموزشی است . این جلب توجه ، مقدمه و سرآغازی برای علاقه به فعالیت های آموزشی و دستیابی به سطوح بالاتر یادگیری در این حیطه به شما می رود.

هنگامی که از دانش آموزی خواسته می شود که به مقوله بهداشت در محیط زندگی خود به نماید و یا فهرستی از نکات بهداشت فردی تهیه نماید ، هدف ما جلب توجه دانش آموز به موضوع بهداشت است . در این سطح دانش آموز به دریافت موضوع حساس می شود که در مراحل و سطوح بعد ، این حساسیت به یک توجه حساب شده و آگاهانه تبدیل می گردد.

برای مثال وقتی که شاگردی را در محیط مدرسه متوجه خطری که با آن روبروست و نسبت به آن توجه ندارد می کنیم ، این توجه و آگاه کردن نسبت به عواقب احتمالی آن ، سر و کار داشتن با اهداف آموزشی این سطح است . توجه و دریافت ، نماینده پایین ترین نتایج یادگیری ها در حیطه عاطفی است . موقعیت آموزشی زیر که مثالی از آموزش غیر کلاسی است این سطح یادگیری را به خوبی نشان می دهد . این مثال با اندکی تغییر از ماخذ ذکر شده * اقتباس شده است .

مثال

« یک مادر روستایی به توضیح بهورز ** در مورد علل اسهال فرزندش و اینکه چگونه می تواند از آن جلوگیری کند گوش می دهد . اما باور اینکه مگس های خانه شان چه ربطی با اسهال دارد برایش مشکل است . او هرگز چیزی به نام میکرب ندیده است . از بهورز برای توصیه اش تشکر می کند ولی هیچ کاری در این زمینه انجام نمی دهده .» بار دیگر برای جلب توجه مادر به موضوع ، توضیح خود را به صورت کامل می کند :

- آیا شما پا دارید ؟ ☐
- بله با خنده پا نشان داده می شود .
- اگر شما بر روی مدفوع گاو پا بگذارید ، مقداری از آن به پایان نمی چسبد ؟ ☐
- بله
- پس از آن اگر وارد خانه تان شوید آیا مقداری از آن بر روی کف اتاق نمی چسبد ؟ ☐
- بله اگر تازه مرطوب باشد .
- آیا مگس ها پا دارند ؟ ☐
- بله شش تا هوی دارند .
- آیا شما فکر نمی کنید همانطور که مدفوع گاو به پایتان می چسبد ؟ ☐
- مدفوع انسان نیز به پای مگس چسبیده می شود ؟
- بله

به این ترتیب بهورز موفق می شود که توجه مادر را به موضوع جلب کند و اولین سطح یادگیری حیطه عاطفی را محقق نماید. اما این سطح از آموخته ها برای تغییر در رفتار و اقدام برای تغییر کافی نیست . و همان طور که در بخش اول این کتاب نیز اشاره شد « گفتن » به معنای آموختن نیست . یادگیری در این سطح پیش نیاز یادگیری های بعدی است و بایستی به ارتقاء آموزش به سطح بالاتر آن توجه شود .

** این واژه از سوی نگارنده جایگزین شده است . Werner , d . and Bower .B (1982) Helping Health workers learn p . 7-11

سطح دوم: پاسخ دهی

در این سطح فراگیران نسبت به موضوعی که بدان توجه داده شده پاسخ می دهند. پاسخ دادن را می توان به عنوان واکنش و ابراز علاقه به یک موضوع تلقی نمود. در حقیقت در این سطح، توجه دادن، پذیرفتن و درک مسئله کافی نیست؛ بلکه شخص باید واکنشی در مورد مسئله مورد نظر نشان دهد. آیا نسبت به خطری که متوجه اوست و به آن توجه داده شده - واکنش و عکس العمل نشان می دهد؟ بنابراین در این سطح، واکنش های یاد گیرنده نسبت به موضوع ارزیابی می شود. تمایل به رعایت موارد بهداشتی از دستیابی فرد به این سطح اهداف آموزشی حکایت می کند و دانش آموزی که با علاقه و اشتیاق، به صحبت کردن با دیگران درباره اهمیت رعایت بهداشت می پردازد عمل او حاکی از این است که به این سطح از اهداف دست یافته است. به راستی چرا علی رغم تمامی آموزش ها عده ای از ارائه کنندگان خدمات هنوز خدمات را به شکل مناسبی ارائه نمی دهند؟ این به خاطر این است که آنها نقش و جایگاه خود را به درستی در نیافته اند.

سطح سوم: ارزش گذاری

در این سطح رفتار دانش آموز نشان دهنده احساس، عقیده و نگرش او نسبت به یک موضوع است. در سطوح قبل یعنی توجه کردن و پاسخ دادن، معمولاً فراگیر ثبات کمتری در رفتارها دارد؛ اما در سطح ارزشگذاری شخص تصور می کند که انجام رفتارها دارای ارزش است و خود باید نسبت به آنها تعهد داشته باشد. همچنین دیگران را هم به رفتاری که خود انتخاب کرده است راهنمایی می کند و آنان را تشویق به انجام رفتارهای مورد نظر می نماید. مثلاً دانش آموزی که انتظار داریم به مطالعه، علاقه مند شود پس از دریافت و توجه و پاسخ دهی به این رفتار، در این سطح مطالعه را فعالیتی مهم و دارای ارزش تلقی می کند و رفتاری از خود نشان می دهد که مبین اهمیت دادن به مطالعه است؛ حتی دیگران را نیز ترغیب و تشویق به مطالعه می کند. برای دستیابی به این هدف کلی که «فراگیر اهمیت رعایت بهداشت فردی را بداند» (در سطح سوم یا ارزشگذاری) فراگیر باید ضمن اهمیت قائل شدن برای موضوع به صورت یک رفتار ارزشمند، دیگران را نیز به انجام این مهم ترغیب می کند. این موضوع تاثیر بسیار زیادی در ارائه کنندگان خدمات برای اجرای مناسب مأموریت خود دارد. در چنین شرایطی آنها خواهند توانست به خوبی توانست به خوبی با جامعه خود ارتباط برقرار نمایند. چرا که افراد جامعه می دانند که ارائه کننده خدمات رسالت اصلی خود را انجام مناسب خدمت به جامعه می داند و برای خدمت رساندن به جامعه ارزش زیادی قائل است. بدین سان برای او مقبولیت زیادی در جامعه به دست می آید و مردم او را محرم اسرار خود می دانند و با او در ارتقای سطح سلامت جامعه همکاری می کنند.

سطح چهارم: سازماندهی ارزش ها

«معنی این طبقه آن است که یاد گیرنده مجموعه ای از ارزش ها را معین می سازد»* مادام که فردی به درونی کردن ارزش ها می پردازد، به تدریج مجموعه ای از ارزش ها، سازماندهی می شود و یک روش زندگی و یا فلسفه زندگی شکل و قوام می گیرد. در این سطح از سطوح اهداف عاطفی، فردی که مطالعه کردن را یک فعالیت ارزشمند می داند برای انجام آن به صورت جزئی از فعالیت های روز مره خود برنامه ریزی می کند و با تنظیم فعالیت های خود، زمان مشخصی را به این امر اختصاص می دهد. یا فردی که رعایت بهداشت فردی را نگرش مثبتی می داند برای رعایت بهداشت فردی و انجام امور مربوط، برنامه ریزی و زمانبندی می کند، به نحوی که از جمله فعالیت های روزمره اوست.

سطح پنجم: تبلور ارزش ها در شخصیت

«در این سطح از حیطه عاطفی شخص نظامی ارزشی دارد که رفتار او را به مدت کافی کنترل کرده تا «شیوه زندگی» مخصوصی برای خود به دست آورد. بنابراین رفتار او حاکم، پایدار و قابل پیش بینی است»** یاد گیرنده ای

*سیف علی اکبر (1378). روانشناسی پرورشی. ص 801 **زمی زفسکی. ای. جی (1379) طراحی نظام های آموزشی ترجمه فرادانش ص 124

که به این سطح رسیده است به نحوی رفتار می کند که به وضوح ویژگی های شخصیتی خود را نمایان می کند و رفتار او نشان دهنده ارزش های ثابت و پایدار مختص او است .

فردی برای انجام مطالعه از خود سخت کوشی ، دقت و انضباط شخصی نشان می دهد ، عادات خوب بهداشتی را حفظ می کند ، آگاهی خود را به موارد ایمنی به نمایش می گذارد و با نهایت تعهد در فعالیت های گروهی مشارکت می کند به این سطح از یادگیری دست یافته و بسیاری از رفتار های مطلوب و مورد نظر را . که به جهت کثرت آنها به ذکر چند نمونه اکتفا شده است . در خود متبلور نموده است . فردی که به این سطح از یادگیری دست یافته است . الگوی بسیار مناسبی برای افراد دیگر جامعه محسوب می شود .

در فصل 2 کتاب مبانی بهداشت و کار در روستا در مورد خصوصیات اخلاقی و رفتاری مورد انتظار از بهورزان صحبت کردیم و گفتیم که بخش مهمی از این خصوصیات ، علاوه بر شخصیت ، تابع مهارت هایی است که بهورز در حین آموزش آنها را فرامی گیرد . خصوصیات نظیر راز داری ، احترام به ارباب رجوع ، فروتنی ، مهربانی ، و ... از جمله قواعدی است که در زمینه مشاوره و کمک به هر مراجعه کننده باید رعایت کرد . یک برنامه آموزش مناسب ، برنامه ای است که منجر به ایجاد چنین صفاتی در بهورزان شود . به عنوان مثال بهورز در هنگام آموزش به افراد در زمینه تنظیم خانواده می تواند پا در قلمرو و زندگی خصوصی آنها بگذارد . بدیهی است چنانچه ارزش ها در شخصیت او شکل نگرفته باشد ممکن است منجر به عدم رعایت راز داری و بروز مشکلات در هنگام ارائه خدمات شود.

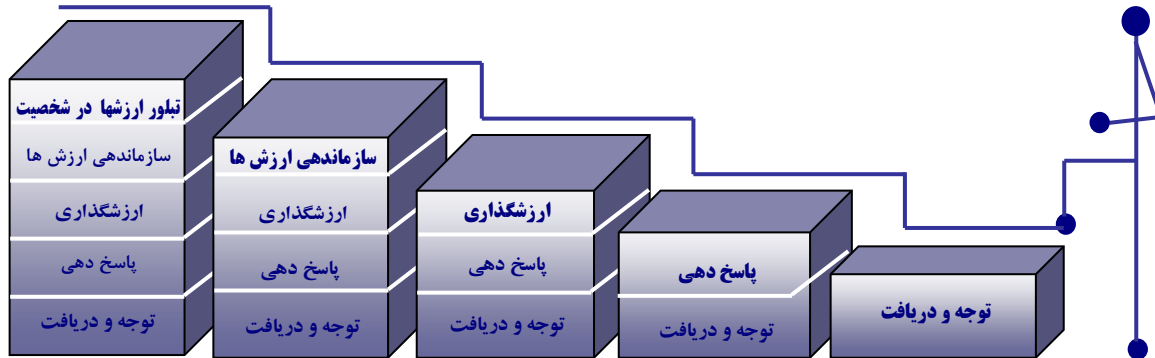
« آن فلسفه زندگی که در این سطح ظاهر می شود ، می تواند به منزله انتقال اهداف و رفتارهای طبقات پایین تر در کلی ترین معنی ممکن آن پنداشته شود . ارزش ها و احساسات ویژه ای که پیش از این به موضوعات ویژه ای نسبت داده می شود ، در اینجا به صورت پدیده هایی کلی از قبیل شخصیت و اخلاق در آمده است . به عنوان مثال تعهد نسبت به مسائل اجتماعی به صورت قاعده ای کلی برای رفتار در می آید و نمایانگر اصولی است که در شیوه زندگی فرد ، نقش محوری و تعیین کننده ای دارد . وی در تمام روابطش با سایر مردم به خصلت هایی از قبیل مهربانی ، احترام و فروتنی متصف می گردد . در تمام نقشهای اجتماعی که به عهده می گیرد و در بین قلمرو های خصوصی زندگی است ، نوعی ثبات در رفتار وی قابل تشخیص است » ** این خصوصیات شخصیتی که معمولاً در افراد شاخص و برجسته جوامع مشاهده می شود ، مشخص کننده دستیابی به عالی ترین سطح از سطوح اهداف حیطة عاطفی است . مسلماً رسیدن به این سطح مستلزم طی سلسله مراتب رفتارهای پیش نیاز سطوح پایین تر اهداف این حیطة است . به علاوه ارتباط نزدیک و تنگاتنگی با اهداف آموزشی در حیطة شناختی دارد . در واقع بدون طی کردن مراحل مختلف سطوح شناختی تحقق این اهداف مسیر نیست .

به طور حتم در هنگام بازدید از خانه های بهداشت با موارد زیادی از تعلل در انجام وظایف مواجه شده اید . در این زمینه برخورد شما چه بوده ؟ در برنامه نظارت بر عملکرد سطوح محیطی به کدام شیوه روی آورده اید ؟ به شیوه تنبیه و توبیخ ؟! آیا به شیوه ارزیابی میزان دستیابی به اهداف حیطة عاطفی ارائه کننده خدمت ؟

این مطلب از اهمیت بالایی برخوردار است که شما برنامه ریزی بازآموزی خود را بر مبنای نیاز واقعی ارائه کننده خدمت ترتیب داده باشید . شرایط و نیاز های او را به خوبی درک کرده باشید و اهمیت موضوع را برای او کاملاً روشن کرده باشید . بدیهی است اجرای آموزش بلافاصله پس از نظارت ، مناسب ترین شیوه در ارتقای عملکرد ارائه

* صفوی ، امان الله (1369) کلیات روش ها و فنون تدریس ص 173 .

کننده خدمت است . زیرا در چنین شرایطی فرد نظارت کننده به خوبی می تواند تمامی مؤلفه های موثر بر رفتار پرسنل محیطی را مورد ارزیابی قرار دهد و به فراخور نیاز اختصاصی او اقدام به آموزش مستمر و متناوب نماید . نمودار سطوح مختلف هدف های آموزشی در حیطه عاطفی ، پنج سطح تشکیل دهنده و ترتیب آنها را نشان می دهد:



نمودار سطوح مختلف هدف های آموزشی در حیطه عاطفی

توجه به اهداف آموزشی در حیطه عاطفی به ویژه در زمینه هایی همچون بهداشت ، سلامتی و ایمنی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است . اهداف این حیطه به عنوان مکمل اهداف حیطه شناختی محسوب می شود بنابراین با صرف اطلاع رسانی و آگاه کردن افراد نمی توان انتظار توجه ، پاسخ دهی و ارزشگذاری برای این قبیل موضوعات را داشت . همچون تغییر در نگرش ها ، علائق و ارزش ها بستگی کامل به شناخت و آگاهی فرد دارد .

حاصل اینکه آموزش موثر و موفق نظام آموزش بهورزی ، آموزشی است که بتواند بهورزان را به دستیابی به این سطح از اهداف آموزشی رهنمون سازد و مسلماً مهمترین نقش مهمترین نقش و رسالت شما ، کمک به تحقق اهداف آموزش در این حیطه است.

جدول صفحه بندی جمع بندی مطالب مطرح شده پیرامون هدف های آموزشی حیطه عاطفی ، سطوح مختلف ، تعریف هر سطح و نمونه افعال رفتاری این حیطه است.

جدول 2. خلاصه سطوح مختلف عاطفی و نمونه افعال آن

ردیف	سطوح مختلف حیطه شناختی	منظور از هر سطح	اهداف کلی هر سطح (به صورت نتایج یادگیری)	افعال رفتاری (به صورت مصدر)
1	توجه و دریافت	دریافت عبارتست از تمایل برای توجه به پدیده یا محرک و موضوعات خاص	- نسبت به اهمیت چیزی آگاه می شود . - نسبت به مسائل اجتماعی حساسیت نشان می دهد . - با دقت به مسائل توجه می کند . - به فعالیت های کلاسی توجه می کند .	مشاهده کردن ، انتخاب کردن ، ملاقات کردن ، مشخص کردن ، توصیف کردن ، با دقت گوش دادن ، ارائه دادن ، قرار دادن ، دنبال کردن ، نام بردن ، اشاره کردن ، اطاعت کردن ، پرسیدن
2	پاسخ دهی	عبارتست از شرکت فعل دانش آموز و عکس العمل نسبت به موضوع	- برای انجام کارهای ویژه داوطلب می شود . - از انجا کار لذت می برد . - قوانین را رعایت می کند . - در بحث های کلاسی شرکت می کند .	حمایت کردن ، کمک کردن ، داوطلب شدن ، پافشاری کردن ، اجابت کردن موافقت کردن ، توجیه کردن ، پاسخ دادن ، تمرین کردن
3	ارزشگذاری	ارج و ارزش قائل شدن برای پدیده یا موضوع خاص	- به چیزی ارج می نهد. - به زندگی و رفاه دیگران علاقه نشان می دهد . - در اجتماع خود را متعهد می داند .	پیشنهاد دادن ، ستایش کردن ، مورد لطف قرار دادن ، امتیاز دادن ، ترغیب کردن ، تقدیر کردن ، دعوت کردن ، کار کردن ، تقویت کردن
4	سازماندهی ارزش ها	جمع کردن ارزش های مختلف و اقدام برای ساختن یک نظام ارزشی با انسجام درونی	- برای زندگی خود برنامه تهیه می کند . - در فعالیت های زندگی و حل مسائل برنامه ریزی می کند . - نقشه ای برای زندگی خود تدوین می کند .	شهادت دادن بازرسی کردن، تحت تاثیر قرار دادن ، طرفداری کردن ، تغییر دادن ، تعدیل کردن ، مقایسه کردن ، تعمیم دادن ، تنظیم کردن ، برنامه ریزی کردن ، ترکیب کردن ، ربط دادن، سازمان دادن
5	تبلور ارزش ها در شخصیت	تشخیص و تبلور ارزش ها در رفتار و شیوه زندگی بر اساس ارزش ها	- در فعالیت های گروهی همکاری می کند . - انضباط شخصی نشان می دهد . - در کار های گروهی همکاری می کند . - عادات خوب و پسندیده را جذب می کند و آن را از خود نشان می دهد .	مشارکت کردن ، همکاری کردن ، قضاوت کردن ، داوری کردن ، ارزشیابی کردن ، تایید کردن، تصدیق کردن ، انتقاد کردن خدمت کردن ، تحت نفوذ قرار دادن

ج هدف های آموزشی حیطه روانی - حرکتی

اهداف آموزشی حیطه روانی - حرکتی به حرکات و اعمال ماهرانه ای که نیازمند فعالیت های توانمان بدنی و روانی هستند توجه دارند. در کتاب های روانشناسی و آموزش از مهارت های روانی. حرکتی با اصطلاح مهارت های « حرکتی » یاد شده است. اندازه گیری قد و وزن، کلرنزی آب آشامیدنی و غیره نمونه هایی از مهارت های روانی. حرکتی به شمار می آیند. این عبارت که « اگر دو شیئی در اختیار دانش آموز گذاشته شود باید وزن صحیح هر یک را با اختلاف حداکثر 5/ گرم مشخص کند » یک هدف آموزشی در حیطه روانی. حرکتی است.

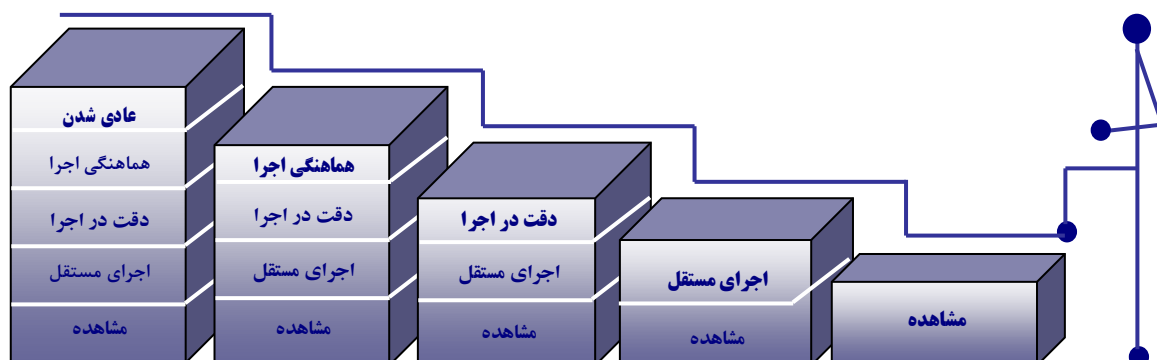
« مهارت های روانی. حرکتی » شامل یادگیری نحوه استفاده از دستور العمل های اجرایی مانند راه اندازی فیلم بر روی پروژکتور، استفاده از ابزار نقاشی، استفاده از یک وسیله پیشگیری از باروری و یا نحوه تزریق آمپول است. نمایش های عملی و ارائه فرصت هایی برای انجام یک فعالیت در موقعیت های زندگی و یا به صورت وانمود سازی، بهترین راه آموزش مهارت های روانی. حرکتی هستند.

مثلا شما می توانید از دانش آموز بخواهید که نحوه استفاده از یک وسیله پیشگیری از باروری را تمرین کرده، پودر آ. آر. اس را حل و آماده دادن به بچه کنند و یا یک توالی بهداشتی بسازند *

یادگیری ها و هدف های آموزشی در حیطه روانی. حرکتی، عناصری از حیطه های شناختی و عاطفی را در خود دارند و قابل تفکیک از آنها نیست. یعنی اینکه مهارت و انجام یک فعالیت روانی. حرکتی، مستلزم درک، شناخت و عاطفه نسبت به آن است. این حیطه نیز همچون دیگر حیطه ها، دارای سطوح مختلفی است که از عمل ساده مشاهده و تقلید شروع شده به تدریج به سطوح بالاتر عمل کردن بدون کمک مربی، دقت در عمل، هماهنگی و تسلط کامل بر انجام آن منتهی می شود.

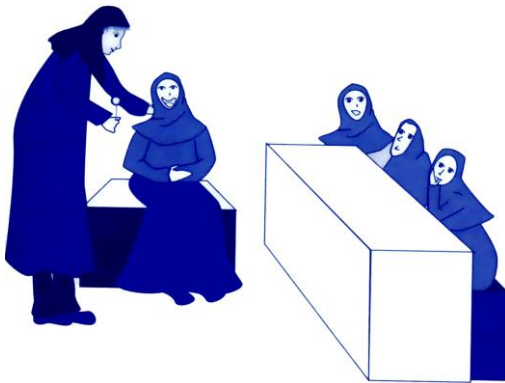
سطوح یادگیری در حیطه روانی - حرکتی

این سطوح نیز از ساده به دشوار تنظیم یافته اند و هر سطح پیش نیاز دستیابی به سطح بالاتر تلقی می شود. بنابراین صرف رسیدن به یک سطح، به معنای کسب مهارت و تسلط کافی در انجام فعالیت روانی. حرکتی نیست و این امر، نیاز به گذشتن از پنج سطح حیطه روانی. حرکتی دارد. این پنج سطح عبارتند از: مشاهده (observation)، عملکرد یا اجرای مستقل (performance independent)، دقت در اجرا (accuracy)، هماهنگی اعمال (coordination of actions)، عادی شدن (normality). برای معرفی و آشنایی بیشتر، ویژگی ها و سطوح مختلف این حیطه⁶، ابتدا نمودار کلی سطوح و سپس توضیح بیشتر درباره هر یک از مراحل آن ارائه می شود.



* هابلی. جان (1378) برقراری ارتباط برای بهداشت. ترجمه سعید پارسی نیا. ص 100

1. مشاهده



در این سطح انتظار این است که دانش آموز با مشاهده رفتار مربی خود، به ترتیب و توالی اعمال، رابطه موجود میان آنها و سرانجام نتیجه نهایی رفتار را به دقت مشاهده کند. بنابراین این اهداف آموزشی این سطح به آگاهی های لازم و پیش نیاز های ضروری برای انجام مستقل توسط فراگیر توجه دارد. مثلاً برای این هدف که «فراگیر بتواند فشار خون را اندازه گیری نماید» پیش نیازهایی همچون آگاهی از مکانیسم فشار خون (اهداف حیطه شناختی) و اطلاع از ابزارها و وسایل مورد استفاده (اهداف حیطه

شناختی) و همچنین علاقه و تمایل به انجام کار (اهداف حیطه عاطفی) ضروری است. میزان موفقیت در دستیابی به این سطح از یادگیری، معمولاً از طریق تقلید رفتارهای مربی مشخص می شود، هنگام تقلید، معمولاً زمان و نتیجه نهایی چندان مورد نظر نیست؛ بلکه توجه به انجام متوالی اعمال، مطابق دستور العمل ها و رفتار و حالات مربی مدنظر است. خلاصه اینکه در این سطح یاد گیرنده بدون راهنمایی و کمک مربی قادر به انجام عمل نیست. سطح مشاهده، پایین ترین سطح مهارت های روانی، حرکتی است. مثلاً دانش آموز با مشاهده نحوه اندازه گیری فشار خون توسط مربی، با روش استاندارد اندازه گیری فشار خون آشنا می شود.

2. اجرای مستقل

در این سطح از یادگیری، انتظار این است که از وابستگی دانش آموز به مربی کسته شود و به طور مستقل و بدون کمک مربی عملی را انجام دهد؛ به طوری که ممکن است نیاز به یاری مستقیم مربی نباشد. مثلاً فراگیری که بتواند «بدون کمک مربی در محدوده زمانی مشخصی (مثلاً یک دقیقه) قد و وزن دانش آموزی را اندازه گیری نماید» به بالاترین حد یادگیری این سطح دست یافته است و به اجرای آگاهانه تر عمل می رسد. اجرای آگاهانه دستور العمل ها، انتخاب بهترین روش و تثبیت یادگیری (اجرای مکرر و عمل بدون کمک) از جمله اهداف اصلی این سطح به شمار می رود. کاستن از نظارت و راهنمایی مربی نقش

مهمی در دستیابی به این سطح ایفا می کند. برای مثال: در این

مرحله دانش آموز با نظارت مربی شخصا همان استاندارد ها

را رعایت می کند. یعنی خود اقدام به بستن کاف

فشار سنج، قرار دادن گوشی، پر کردن هوا در کاف،

خالی کردن هوا و سمع ضربان نبض شریان رادیال می

نماید. در این مرحله مربی رفتار بهورز در انجام این

کار را مشاهده نموده و اشتباهات او را پیدا کرده و

شیوه اجرای صحیح را به او آموزش می دهد.



3. دقت در اجرا

اگر در سطوح قبل سرعت، زمان و دقت، عامل تعیین کننده ای در دستیابی به اهداف آموزشی نیست، در این سطح انتظار می رود که دانش آموز بتواند به اعمال و رفتار خود توجه کند، حرکات خود را سریعتر کند، اشتباهات خود را کمتر کند و کلاً کنترل درونی بیشتری نسبت به رفتار کسب نماید.

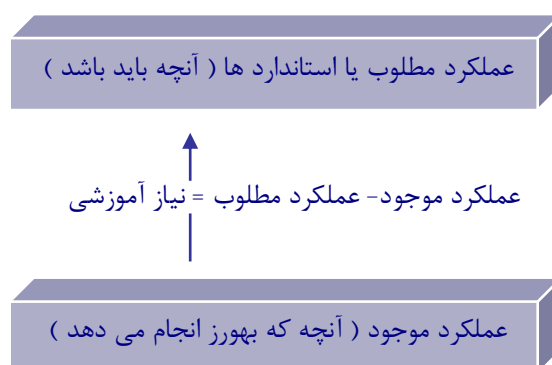
4. هماهنگی اجرا

منظور از این سطح یادگیری ، اجرای هماهنگ مجموعه اعمال با رعایت توالی رفتار هاست . همچنین در این سطح دانش آموز توانایی انجام هماهنگ چندین حرکت را کسب می کند . مثلاً فردی که تایپ با کامپیوتر را آموخته و قادر به تایپ کردن متن بدون نگاه کردن به صفحه کلید است در این سطح از آموزش قرار دارد . در مطلوب ترین حد این سطح ، فرد می تواند فعالیت های دیگری را نیز ضمن انجام عمل مورد نظر به طور هماهنگ پیش ببرد .

5. عادی شدن

در این سطح از یادگیری که بالاترین مرحله حیطه روانی . حرکتی محسوب می شود ، دانش آموز با تسلط کامل و به طور خود کار به انجام دادن دقیق و موزون فعالیت عادت می کند و نیازی به فکر کردن در باره هماهنگی ، تنظیم و توالی انجام فعالیت در خود احساس نمی کند . در ارزشیابی دستیابی به این سطح از یادگیری مهارت های روانی . حرکتی ، عواملی مانند سرعت ، دقت و صحت - در مطلوبترین حد خود - به عنوان معیار محسوب می شوند . بدیهی است هنگامی می توان فردی را به عنوان ارائه کننده خدمت روانه یک فیلد اجرایی نمود که درای این سطح از توان شده باشد.

در مجموع آشنایی با سطوح مختلف یادگیری می تواند در تشخیص « نیاز یادگیری » دانش آموز کمک بسیار ارزنده ای ارائه نماید . این امر با شناخت سطح موجود (وضع موجود) و فاصله آن از سطح مطلوب (وضع مطلوب) انجام فعالیت صورت می گیرد . به عبارت دیگر منظور از « نیاز یادگیری » تشخیص فاصله میان وضع موجود و وضع مطلوب است



آگاهی از سطوح مختلف یادگیری می تواند در گروه بندی دانش آموزان و تشخیص سطح نیاز های آموزشی هر یک از گروه ها کمک نماید تا از تکرار اهداف تمامی سطوح برای گروه های قوی تر جلوگیری شود.

جدول 3. خلاصه سطوح مختلف حیطه روانی - حرکتی و نمونه افعال آن

ردیف	سطوح مختلف حیطه روانی - حرکتی	منظور از هر سطح	اهداف کلی هر سطح (نتایج یادگیری)	افعال رفتاری (به صورت مصدر)
1	مشاهده	مشاهده مهارت به قصد تقلید از آن	- نتایج نهایی یک فعالیت را می آموزد - ترتیب و توالی انجام آن را میداند. - از ابزار و وسائل مورد نیاز انجام مهارت آگاهی دارد.	مخلوط کردن ، وزن کردن، به هم پیچیدن ، بسته بندی کردن، اشتباه را رفع کردن ، چیدن ، محکم کردن ، اندازه گیری کردن ، آمپول زدن ، واکسن زدن ، ضد عفونی کردن و ...
2	اجرای مستقل	انجام یک فعالیت بدون کمک گرفتن از مربی	- به تنها فعالیت را انجام می دهد. - روش تمرین انجام فعالیت را می داند.	جوشاندن ، قالب زدن ، به کار انداختن ، غذا دادن ، مسواک زدن ، غربال کردن، سمپاشی کردن ، کلر سنجی و ...
3	دقت در اجرا	انجام عمل با صحت ، دقت و ظرافت در انجام آن	- در نهایت توجه و تمرکز فعالیت را انجام می دهد. - از هر مرحله نتایج خاصی را انتظار دارد.	ردیف کردن ، تعویض کردن ، تنظیم کردن ، واکسن زدن ، شیر دوشیدن ، پختن ، مصرف کردن
4	هماهنگی اجرا	توجه به موارد جنبی و آمیختن مهارت ها و انجام هماهنگی آن	با هماهنگی اجزاء مختلف بدن آنمهارت را انجام می دهد.	ساختن ، تایپ کردن، فشار خون را اندازه گیری کردن ، کلر زنی منبع آب ، رانندگی کردن
5	عادی شدن (تسلط)	انجام مهارت به صورت خودکار و بروز نشانه هایی حاکی از تسلط کامل بر انجام مهارت	- به انجام مهارت تسلط پیدا می کند . - انجام مهارت عادی میشود.	ماهرانه انجام دادن رانندگی ، انجام ماهرانه اندازه گیری قد و وزن ، و انجام ماهرانه هر یک از فعالیتها

خلاصه فصل سوم

اهداف کاملاً مشخص به مربیان و دانش آموزان امکان می دهد که تصویر روشن و مشخصی از آنچه که در حین انجام آموزش یک واحد یادگیری باید انجام دهند داشته باشند. متخصصان امر آموزش با توجه به ماهیت هدف ها، درجه سهولت و پیچیدگی آنها، هدف ها را در سطوح و حیطه های مختلفی طبقه بندی نموده اند. در یکی از معروف ترین طبقه بندی ها، اهداف آموزشی به سه حیطه شناختی، عاطفی و روانی. حرکتی دسته بندی شده اند. هدف های حیطه شناختی متضمن فعالیت های ذهنی، یادآوری، بازشناختی و رشد مهارت های عقلانی و ذهنی است و با آنچه که دانش آموز باید بداند و بفهمد تا به کار ببرد سر و کار دارد. این حیطه شامل سطوح مختلفی همچون دانش، فهم و درک، کاربرد، تجزیه و تحلیل، ترکیب و ارزشیابی است. هدف های حیطه عاطفی تعیین کننده نگرش، احساس ها، طرز تلقی ها و علائق و ارزش هایی است که انتظار می رود در نتیجه انجام آموزش حاصل شوند.

هدف های این حیطه در پنج سطح دسته بندی شده اند که این سطوح عبارتند از: توجه و دریافت، پاسخدهی، ارزشگذاری، سازماندهی ارزش ها و تبلور ارزش ها در شخصیت. اهداف حیطه عاطفی بیشتر به تاثیر بر نگرش ها، عواطف و حالات درونی فرد توجه دارند که با مشاهده رفتارها تکرار و تعدد رفتارهای انجام شده می توان به میزان دستیابی به این اهداف و تغییر در رفتارها پی برد. هدف هایی حیطه روانی. حرکتی به انجام فعالیت هایی که نیازمند به فعالیت بدنی و روانی هستند توجه دارد. این حیطه نیز همچون دیگر دارای سطوح مختلفی است که از ساده به دشوار تنظیم یافته اند. هر سطح پیش نیاز دستیابی به سطح دیگر است. هدف های حیطه روانی - حرکتی در پنج سطح مشاهده عمل، اجرای مستقل، دقت در اجرا، هماهنگی اعمال و عادی شدن رفتار دسته بندی شده اند.

هر یک از اهداف آموزشی به یکی از این سه حیطه و سطوح مختلف آن تعلق دارد. دستیابی به هر سطح مستلزم انجام فعالیت های آموزشی ویژه ای است و روش های آموزشی، باید متناسب با آنها انتخاب شوند. سهم و جایگاه حیطه های سه گانه در همه موضوعات و زمینه ها یکسان نیست و به تناسب ماهیت، موضوع یادگیری یکی از سه حیطه ها محور قرار می گیرد و حیطه های دیگر در خدمت آن قرار می گیرند. تبیین و تعیین اهداف آموزشی در این طبقه بندی، کار سازماندهی فعالیت های مربی، دانش آموز، سازماندهی محتوا، انتخاب روش تدریس، مواد و رسانه های آموزشی را تسهیل می کند و حصول نتیجه مطلوب را مسیر می سازد.

نظریه های یادگیری و آنها کاربرد در آموزش

در بخش اول اشاره شد که هر شاخه علمی مستقل، از مفاهیم، طبقه بندی ها و نظریه ها تشکیل شده است. با تعدادی از مفاهیم کلیدی شاخه روانشناسی تربیتی (یادگیری و آموزش) آشنا شدیم. همچنین در بخش دوم طبقه بندی هدف های آموزشی⁷ ارائه شد. در این بخش به برخی از نظریه های یادگیری و آموزش پرداخته خواهد شد. همانطور که کاربرد و استفاده از هدف های آموزشی و تعیین و تبیین نتایج یادگیری، می تواند در بهبود کیفیت آموزش اثر گذار باشد، استفاده از نظریه های یادگیری در آموزش، نقش به سزایی در بهبود فرایند یادگیری – یاددهی ایفا می کند. آگاهی از نظریه های یادگیری کمک می کند تا بینش ما درباره آموزش و تدریس گسترش یافته و بر مبنای یافته های علمی از طرق مختلفی آموزش موثر و کارآمدتری را ارائه نمائیم.

مطالب این بخش، اختصاص به معرفی دو نظریه از نظریه های یادگیری که کاربردی بیشتری در شرایط آموزشگاهی دارند و با ارائه توصیه های کاربردی، روش های ویژه ای را در ارائه آموزش پیشنهاد می کنند، دارد. ابتدا هر نظریه معرفی و سپس نحوه استفاده از هر یک از دو نظریه یادگیری در آموزش ارائه می گردد.

فصل چهارم

نظریه انگیزش یادگیری

گفتیم که آموزش و فعالیت های آموزشی مربیان برای ایجاد یادگیری انجام می شود.

برای پاسخ به این سؤال که یادگیری چیست و در انسان چگونه اتفاق می افتد پژوهشگران علم روانشناسی ، یادگیری را از دیده گاه های مختلف مورد بررسی قرار داده اند و یافته های آنان در توجیه و تبیین یادگیری به ارائه نظریه های متفاوتی انجامیده است . دسته ای از این نظریه ها به مفهوم انگیزش در یادگیری و نقش موثر آن اشاره کرده اند که در این فصل به بررسی این نظریه ها می پردازیم . ابتدا مفهوم انگیزش و پس از آن فنون ایجاد انگیزش در یادگیرندگان ارائه می شود .

پس از مطالعه این فصل انتظار می رود بتوانید :

1. درباره مفهوم انگیزش توضیح دهید.
2. نقش و اهمیت انگیزش در یادگیری را به اختصار بیان نمایید.
3. منظور از این عبارت که « انگیزش هم هدف است و هم وسیله » را تفسیر کنید.
4. کاربرد انگیزش را در آموزش هم به صورت هدف و هم به عنوان وسیله توضیح دهید .
5. فنون مختلف ایجاد انگیزش در یادگیرندگان را با ذکر مثال بیان نمایید

مفهوم انگیزش

انگیزش (Motivation) از واژه لاتین (Movere) به معنای حرکت کردن (To Move) گرفته شده است. واژه Motor نیز از همین کلمه مشتق شده است. انگیزش به عنوان نیروی محرک فعالیت های انسان و عامل جهت دهنده رفتار محسوب می شود «انگیزش به حالت های درونی ارگانیسم که موجب هدایت رفتار او به سوی نوعی هدف می شود اشاره می کند». (مورگان 1984، ص 210). بنابراین تعریف، انگیزش عامل رفتار انسان است. مثلاً وقتی می پرسیم که چرا فلان شخص رفتار خاصی را انجام می دهد به دنبال انگیزه او هستیم. به عبارت دیگر انجام هر رفتار مستلزم داشتن انگیزش است. تمامی فعالیت های حیطه عاطفی دارای هدف انگیزشی هستند و منظور از آنها تاثیر بر انگیزش یادگیرندگان است.

پژوهش ها و مطالب فراوان در حوزه روانشناسی یادگیری نشان داده اند که انگیزش عامل بسیار مهمی در یادگیری و کسب رفتارهای مطلوب است. پژوهش های انجام شده نشان داده اند که افراد دارای انگیزه بالا در انجام کارها (از جمله در فعالیت های آموزشی) نسبت به افرادی که انگیزه پایین تری دارند موفقیت بیشتری کسب می نمایند. این مطلب می تواند پیشرفت تحصیلی متفاوت افراد با یکدیگر را توجیه کند. پس با این مقدمات، اگر بدانیم که چه عواملی منجر به افزایش یا کاهش انگیزش می شوند، می توانیم تا حدود زیادی رفتار انسان ها را پیش بینی کنیم. از سوی دیگر یافته های پژوهشی فراوانی نشان داده اند. که عامل انگیزش هم علت یادگیری و هم معلول یادگیری ها محسوب می شود. به قول دیوید آزوبل (1967، ص 25):

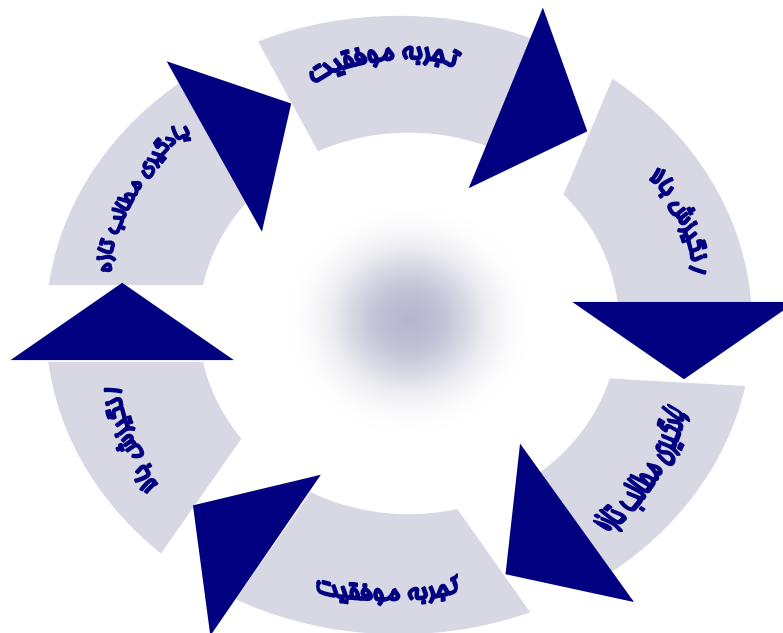
«لازم نیست یادگیری را به تعویق اندازید و منتظر بمانید تا در یادگیرندگان نسبت به یادگیری علاقه ایجاد شود و آنگاه به آموزش اقدام کنید. بهترین راه ایجاد علاقه و انگیزه در یادگیرندگان این است که مسئله نبودن علاقه را موقتاً نادیده بگیرید و سعی کنید تا به نحو هر چه موثرتر در آنها یادگیری ایجاد کنید. خواهید دید که علی رغم بی علاقهی آنها نسبت به مطلب یادگیری، یاد خواهند گرفت و این یادگیری به ایجاد علاقه در آنها منجر خواهد شد»*.

حاصل اینکه عامل «انگیزش» برخی از علل تفاوت های فردی یادگیرندگان در فعالیت های آموزشی و نیز تفاوت رفتار افراد را بیان می کند و از این رو در فرایند آموزش موفق و اثر گذار نقش به سزایی دارد.

فنون ایجاد انگیزش در یادگیرندگان

با مفهوم انگیزش و مضمون نظریه هایی که به بررسی نقش انگیزش در رفتار و عملکرد انسان پرداخته اند تا حدودی آشنا شدیم. گفتیم که یکی از راه های انجام آموزش موفق و اثر بخش برای تمامی یادگیرندگان، اعم از دانش آموزان (ارائه کنندگان خدمات بهداشتی) یا افرادی که به نحوی، با آموزش آنان سر و کار خواهند داشت (دریافت کنندگان خدمات) توجه به ایجاد انگیزه و بهبود شرایط یادگیری است. از این طریق یادگیرندگان به

موفقیت بیشتر در یادگیری نائل می آید و این کسب موفقیت، علاقه و انگیزش آنها را نسبت به یادگیری مطالب تازه افزایش می دهد.



حال با بهره گیری از یافته های پژوهشی زیادی که به یادگیری و انگیزش پرداخته اند، ماحصل توصیه ها و رهنمودهایی که این نظریه ها برای ارائه آموزش داده اند، به اختصار توضیح داده می شود*. نظریه پردازان انگیزش و یادگیری توصیه می کنند که:

1. آنچه را که از یاد گیرندگان به عنوان هدف آموزشی انتظار دارید در آغاز درس دقیقاً به آنها بگویید.

ترغیب و هدایت یادگیری مستلزم بیان صریح هدف های آموزشی و نوع رفتار یا مهارت هایی است که آنها می خواهند بیاموزند. پژوهش های انجام شده نشان داده اند که یادگیرندگانی که از هدف های درس و آموزش مطلع نمی شوند به خوبی یادگیرندگانی که از آغاز آموزش، در جریان عملکرد نهایی آموزش قرار می گیرند در پیشرفت تحصیلی موفق نمی شود. «ندادن اطلاعات ضروری به یادگیرندگان درباره نتایج فعالیت های یادگیری آنان یا ایجاد انتظارات منفی در آنان درباره کاری که باید انجام دهند منجر به انگیزه یادگیری در آنها نخواهد شد» (گیج و برلانیر، 1984، ص 429) بنابراین در آغاز درس مقاصد آموزشی خود را به طور دقیق برای دانش آموزان تعیین کنید.

2. در شرایط مقتضی از تشویق های کلامی استفاده نمایید.

استفاده از تقویت کننده های کلامی می تواند در ارتباط بین آموزش گیرنده و آموزش دهنده، همچنین در ایجاد انگیزش فعالیت های یادگیری نقش بسیار ارزنده ای ایفا کند. در این صورت رفتار به عملکرد تبدیل شده و به کسب عادات مفید در آموزش منجر خواهد شد. استفاده از مشوق ها به ویژه مشوق های کلامی از جمله تدابیر موثر انگیزشی محسوب می شود.

3. از ارزشیابی به عنوان وسیله ای برای ایجاد انگیزش استفاده نمایید.

ارزشیابی دارای نقش بسیار مهم انگیزشی است، اگر چه به طور معمول ارزشیابی ها این نقش را در آموزش ندارند اما بنا به توصیه نظریه پردازان انگیزش یادگیری، می توان از آن به عنوان عامل ایجاد انگیزش

* بیشتر مطالب این قسمت خلاصه ای از مطالب ارائه شده در کتاب روانشناسی پرورشی است.

استفاده نمود مشروط بر آنکه با دادن باز خورد به یادگیرندگان در رابطه با نحوه عملکرد و میزان یادگیریشان به کاربرد و با تکرار مکرر ارزشیابیها، یادگیرنده را به سوی رفتارهای مورد انتظار هدایت نمود.

4. از خاصیت برانگیختگی مطالب مختلف استفاده نمایید.

یادگیری مطالب تازه و استفاده از حس کنجکاوی و برخی ویژگیهای آدمی در مواجهه با مطالب مختلف می تواند به خودی خود عامل ایجاد انگیزه در یادگیرندگان باشد. استفاده از وسایل کمک آموزشی و ایجاد تنوع در شیوه ارائه مطالب مختلف از جمله توصیه هایی است که به منظور برانگیختگی یادگیرندگان ارائه می شود.

5. مطالب آموزشی را از ساده به دشوار ارائه دهید.

ارائه مطالب درسی به صورت متوالی و به طور معمول استفاده از سلسله مراتب یا سطوح مختلف یادگیری که در فصل های پیشین به آنها اشاره شد، موجب می شود که یادگیرندگان ابتدا در یادگیری مطالب ساده، به آن اندازه از انگیزش لازم برای تکالیف دشوار تر دست یابند. این کسب موفقیت اولیه انگیزش یادگیرنده را برای یادگیری ها بیشتر افزایش می دهد و بر آمادگی او برای تداوم یادگیری می افزاید. موفقیت در ارزشیابی های مطالب ساده تر زمینه کسب موفقیت در ارزشیابی های دشوار را فراهم می کند.

6. از ایجاد رقابت در میان دانش آموزان خودداری نمایید.

توصیه دیگر نظریه پردازان انگیزش یادگیری درباره عدم ایجاد رقابت، به ویژه در مورد بزرگسالان است. این امر به کسب موفقیت در معدودی از یادگیرندگان منجر خواهد شد و به کاهش انگیزش اکثریت دانش آموزان می انجامد. بنابراین در جریان بحث می توان به جای طرح یک سؤال به همه یادگیرندگان که معمولاً یادگیرندگان مستعد و با انگیزه بالا به آن پاسخ می دهند با مشخص کردن پاسخ دهنده، فرصت مشارکت به یک فراگیران داده شود و با راهنمایی و هدایت یادگیرنده و به سوی پاسخ صحیح، امکان تایید و تقویت همه آنها را فراهم نمود.

7. علاوه بر توضیح و تشریح مطالب به طور کلامی، تا آنجا که ممکن است از روش های دیگر آموزش نیز استفاده کنید.

بحث گروهی، بازی های آموزشی، گزارش انفرادی و گروهی و هر تدبیر دیگری که در متون روش ها و فنون تدریس به آنها پرداخته شده است به مقدار زیادی انگیزه یادگیرندگان را بالا می برد. رعایت این امر ضمن طراوت و تازگی ارائه مطالب، به مشارکت بیشتر یادگیرندگان و به تبع آن انگیزش بیشتر به یادگیری مطالب می افزاید.

8. هنگام آموزش مطالب تازه، مثال های آشنا و ملموس بزنید ولی هنگام کاربرد مطالب آموخته شده، از موقعیت های تازه استفاده نمایید.

وقتی مطلب تازه ای به یادگیرندگان ارائه می شود آن را با استفاده از مثال های ملموس و آشنا توضیح دهید. این اقدام به جریان یادگیری سرعت می بخشد و سطح علاقه مندی و انگیزش آنان را افزایش می دهد. اما در هنگام کاربرد مطالب آموخته شده با تلاش در خلق موقعیت های تازه و بدیع از یکنواختی ارائه آموزش و کاربرد آنها کم نمایید. این امر به ایجاد علاقه یادگیرنده در استفاده و کاربرد آنچه آموخته شده است منجر می شود.

9. پیامد های منفی مشارکت یادگیرندگان در فعالیت های آموزشی را کاهش دهید.

مشارکت یادگیرندگان در امر یادگیری باید با تایید و تشویق همراه گردد. تا عامل ایجاد انگیزش آنها در تداوم یادگیری باشد. راه دیگری برای تحقق ایجاد انگیزش کاستن از پیامد های منفی مشارکت و عواملی

است که ممکن است در جریان یادگیری باعث دلسردی آنان شود. از جمله آنها می توان به از دست دادن اعتماد به نفس در نتیجه عدم توفیق در انجام فعالیت های یادگیری، احساس عدم توانایی، احساس عدم شایستگی اشاره کرد که می توان آنها را با ایجاد اعتماد به نفس، توانمند سازی (Enabling) و ترغیب به کوشش و تلاش بیشتر، در راه رسیدن به موفقیت و تجربه رهنمون ساخت.

10. تمرین ها و تکالیفی در حد توانایی و به ویژه در حد مطالب آموخته شده ارائه نمایید به شکلی که نه خیلی ساده و نه خیلی دشوار باشد.

از جمله توصیه های دیگر گروهی از نظریه پردازان روانشناسی یادگیری که به بررسی عامل انگیزش در یادگیری پرداخته اند، افزایش حس اعتماد در یادگیرندگان نسبت به فعالیت های آموزشی است و تکالیف بسیار آسان به ایجاد چنین حسی نمی انجامد و تکالیف بسیار دشوار نیز غالباً به شکست و ناکامی منتهی می شود. بنابراین سطح تمرین ها و تکالیف باید منطبق با سطح توانایی فرد و میزان دستیابی او به اهداف سطوح مختلف یادگیری باشد، به گونه ای که او با کوششی که به کار می گیرد از عهده انجام آن برآید.

11. تا آنجا که ممکن است مطالب درسی را به صورت معنی دار و در ارتباط با موقعیت های واقعی شغلی ارائه دهید، اما در حد امکان در انجام فعالیت های آموزشی به گونه ای که فراگیر قادر به بهتر آموختن آن است آزادی عمل بدهید.

روانشناسان انسان گرا معتقدند که انگیزه واقعی انسان ها در یادگیری، انگیزه درونی و خود جوش خاص آنهاست. بنابر این در متناسب سازی مطالب با ویژگی های فردی تلاش نمایید. ابتدا باید تلاش نمود تا افراد آزادی عمل داشته باشند تا هر شیوه یاد گیری را که مایلند خود انتخاب نمایند. پس از آن می توان با توجه دادن به سایر روش ها آنان را به استفاده از سایر روش ها ترغیب نمود. بنابر این طی یک فرایند تدریجی آنگونه خواهند آموخت که انتظارات و توقعات خواسته شده را نیز پاسخگو باشند.

12. همواره توجه یاد گیرندگان را به موقعیت های بعد از یادگیری و یادگیری های بعدی جلب نمایید.

زمانی می توان گفت انتقال محتوای یادگیری به خوبی انجام گرفته است. که فراگیران قادر به بهره گیری و استفاده از دانسته های خود بعد از یادگیری باشند. بنابراین معمولاً انتظار می رود که در شرایطی خارج از دوره آموزشی، آموخته ها و محتوای آن به کار آیند. در اصطلاح تعلیم. تربیت به این شرایط و موقعیت ها اصطلاحاً «موقعیت رجعی» می گویند. با مشخص کردن موقعیت رجعی میزان انگیزش فراگیران نسبت به یادگیری بالا می رود و در این صورت خواهند دانست که نتیجه تلاش و زحمات آنان در کجا و چگونه مورد استفاده قرار خواهد گرفت. خانه بهداشت، منازل روستا، مدرسه و ... (هر جایی که آموخته ها در آنجا بکار برده می شوند) مثال هایی از موقعیت رجعی است. نتیجه اینکه دانش آموزان بهورزی را به موقعیت هایی که آموخته های آن ها کاربرد می یابند توجه دهید.

خلاصه فصل چهارم

برای توضیح و تبیین ماهیت یادگیری، اینکه یادگیری چگونه اتفاق می افتد و چه عواملی بر آن موثر است از سوی پژوهشگران و نظریه پردازان و روانشناسی یادگیری، نظریه های متعددی ارائه شده است که هر یک از منظر و جنبه خاصی، به تحقیق و تفحص در این باره پرداخته اند. تا با شناخت، عوامل موثر بر یادگیری را توجیه کنند. برخی از آنان، که کار توصیف و تبیین مفهوم «انگیزش» را انجام داده اند و به تاثیر انگیزش بر یادگیری توجه کرده اند، براساس انجام مطالعات و پژوهش های علمی گسترده ای، به بیان نقش انگیزه در یادگیری و ارائه دستور العمل های آموزشی اقدام نموده اند. «انگیزش» به عنوان نیروی محرکه فعالیت های انسان و عامل جهت دهنده آن توصیف می شود و بنا به تعریف به «حالت های دورنی ارگانیسم که موجب هدایت رفتار او به سوی نوعی هدف می شود» اشاره می کند. توجه به این مهم در فعالیت های آموزشی در افزایش بازدهی آموزشی و یادگیری مطلوبتر یادگیرندگان و تداوم یادگیری از سوی آنان تاثیر به سزایی دارد. از نظر دست اندر کاران آموزش انگیزش هم هدف است و هم وسیله؛ به عنوان هدف در بردارنده اهداف حیطه عاطفی است تا از این طریق به موضوعات علمی اجتماعی و شغلی خود علاقه مند شوند. به عنوان وسیله انگیزش مانند استعداد، آمادگی ذهنی و اطلاعات شناختی، یک پیش نیاز یادگیری محسوب می شود و بدون آن آموزش مطالب جدید با دشواری هایی مواجه خواهد بود. برای ایجاد انگیزش و یا داشتن انگیزش بالا در یادگیری توصیه هایی از سوی نظریه پردازان انگیزش یادگیری ارائه شده است که در این فصل به 12 مورد اقداماتی که می تواند در افزایش سطح انگیزش یادگیرندگان و به تبع آن ارتقاء سطح یادگیری آنان بیانجامد اشاره شد.

در فصل بعد یکی دیگر از نظریه های یادگیری و روشی موسوم به یادگیری در حد تسلط معرفی خواهد شد. ذکر این نکته حائز اهمیت است که درباره هر یک از نظریه ها منابع و متون بسیاری وجود دارد که مسلماً پرداختن به جزئیات مطالعات و پژوهش های انجام شده در متن حاضر میسر نیست. این مطالب در منابع و متون مرتبط با حوزه روانشناسی آموزش و یادگیری در دسترس خواهد بود. از این رو تنها به اجمال، به کلیاتی درباره هر یک اکتفا شده و بیشتر به تشریح رهنمود ها و یافته های کلیدی، به ویژه نحوه استفاده از نظریه ها در آموزش، دستورالعمل های آموزشی توجه شده و توصیه های کاربردی هر یک از نظریه ها ارائه می شود.

با پاسخ به پرسش های زیر آموخته های خود را از مطالب این فصل ارزیابی کنید . به منظور کنترل پاسخ های خود در یک فعالیت گروهی ضمن بحث گروهی در گروه یاد گیری خود به تبادل نکات مهم فصل بپردازید . برای اطمینان از دستیابی به اهداف فصل پاسخ های خود را با اهداف آموزشی این فصل مقایسه کنید .

1 . منظور از انگیزش چیست ؟

2 . رابطه اهداف آموزشی حیطه عاطفی و انگیزش کدام یک از عبارت زیر است ؟

- الف) اهداف حیطه عاطفی انگیزش در یادگیری است .
- ب) برای هدف های حیطه عاطفی باید به انگیزش یاد گیرندگان توجه کرد .
- ج) انگیزش همان اهداف حیطه عاطفی است .
- د) تمامی اهداف و فعالیت های حیطه عاطفی دارای هدف انگیزشی هستند .

3 . تفاوت در یادگیری افراد (تفاوت های فردی) را برپایه انگیزش توضیح دهید .

4 . اهمیت انگیزش در پیشرفت تحصیلی را در دو سطر به صورت خلاصه بنویسید .

5 . به نظر شما چگونه می توان از امتحان یا ارزشیابی برای ایجاد انگیزش استفاده نمود ؟

6 . تکالیف و تمرین های یادگیری براساس توصیه های نظریه پردازان انگیزش یادگیری چه ویژگی هایی باید داشته باشند ؟ ذکر سه مورد کافی است .

7 . پنج مورد از توصیه هایی که نظریه انگیزش یادگیری به دست اندر کاران آموزش ارائه می کند را بنویسید و به اختصار منظور هر یک را بنویسید . به نظر شما کدامیک از این توصیه ها کاربرد بیشتری در آموزش دارند ؟

8 . منظور از موقعیت رجعی چیست ؟

فصل پنجم

نظریه و روش یادگیری در حد تسلط

در فصل قبل از نظریه های یادگیری و کاربرد این نظریه در فرایند آموزش معرفی شد. این نظریه بر عوامل درونی (عامل انگیزش) یادگیری تاکید داشت. نظریه یادگیری در حد تسلط که از آن روشی موسوم به روش آموزش برای یادگیری در حد تسلط بنا نهاده شده است، هم بر کنترل عوامل درونی (از جمله انگیزش) و هم عوامل بیرونی یادگیری (محیط و شرایط یادگیری) تاکید دارد. در این فصل ابتدا مفاهیم و آموزه های اصلی این نظریه و پس از آن مراحل آموزش برای یادگیری در حد تسلط ارائه می شود.

پس از مطالعه این فصل انتظار می رود بتوانید:

1. نکات مهم تشکیل دهنده نظریه یادگیری در حد تسلط را بیان نمایید.
2. درباره مدل یادگیری کارول به اختصار توضیحاتی ارائه نمایید و رابطه میزان یادگیری در زمان یادگیری را تفسیر کنید.
3. تفاوت اصلی الگوی سنتی یادگیری و الگوی یادگیری در حد تسلط را بیان نمایید.
4. سه متغیر مهم و موثر در یادگیری را ذکر کنید.
5. مراحل روش آموزش برای یادگیری در حد تسلط را توضیح دهید.
6. کاربرد جدول هدف / محتوا را شرح دهید و برای یک موضوع درسی جدول مشخصات هدف / محتوا تهیه نمایید.
7. یک واحد درسی را با استفاده از مراحل آموزش در حد تسلط تهیه نموده و مطابق توصیه های این نظریه آن را اجرا و پس از اجرا آن را اصلاح نمایید.

نظریه یادگیری در حد تسلط

تدوین و ارائه نظریه یادگیری در حد تسلط (Mastery learning) مرهون تلاش بلوم و همکاران اوست که در فصل سوم به طبقه بندی معروف سه گانه او از اهداف آموزشی اشاره شد . بنجامین بلوم اساس و مبنای اندیشه های خود درباره یادگیری در حد تسلط را از نظریات متخصص آموزش یادگیری به نام جان کارول اقتباس نموده است . بلوم در این باره می گوید : « اندیشه خود من درباره این موضوع تا حد زیادی متأثر از مدل یادگیری آموزشی جان کارول (1963) است »* .

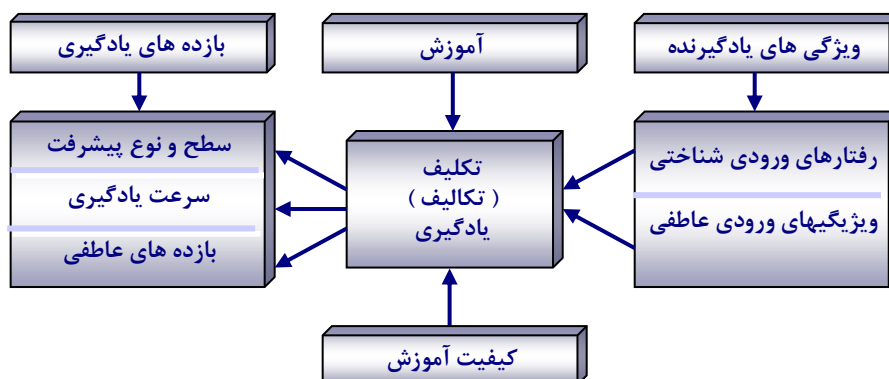
بر طبق مدل کارول ، یادگیری پدیده ای مبتنی بر زمان است . یعنی هر چه زمان یادگیری بیشتر باشد ، مقدار یادگیری نیز بیشتر خواهد بود . « تفاوت اصلی آن با الگو های سنتی یادگیری در آن است که در این الگو تفاوت در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان را به عنوان نتیجه الزامی تفاوت در استعداد شان نمی پذیرد »**. براساس این مدل ، میزان یادگیری تابعی از نسبت زمان صرف شده برای یادگیری به زمان مورد نیاز برای یادگیری است :

$$f = \left(\frac{\text{زمان صرف شده برای یادگیری}}{\text{زمان مورد نیاز برای یادگیری}} \right)$$

به عبارت دیگر هر قدر زمان صرف شده برای یادگیری (صورت کسر) نسبت به زمان مورد نیاز بیشتر باشد ، میزان یادگیری بیشتر خواهد بود . بنابراین اگر به یادگیرندگان فرصت یادگیری مورد نیاز داده شود و کیفیت آموزش نیز متناسب با نیازهای فردی آنها باشند حدود 95 درصد آنها در یادگیری مطالب به حد تسلط خواهند رسید . براساس نظریه یادگیری در حد تسلط ، متغیر های دیگری غیر از هوش ، در یادگیری اهمیت دارند . این نظریه « کوششی است در جهت تعیین تعداد کمی متغیر که سبب ایجاد قسمت بزرگی از تفاوت های افراد در یادگیری آموزشی می شود . ما سه متغیر وابسته به هم را برگزیده ایم که اگر با دقت لازم به آنها توجه شود ، آموزشگاه ها را قادر خواهد کرد که به سمت یک نظام آموزشی خالی از اشتباه قدم بردارند . این سه متغیر وابسته به هم که در این نظریه اهمیت اساسی دارند . به این قرار است :

- الف) میزان تسلط دانش آموز بر پیش نیاز های مربوط به یادگیری مورد نظر
- ب) میزان انگیزشی که دانش آموز برای یادگیری دارد (یا می تواند داشته باشد)
- ج) میزان تناسب روش آموزشی متناسب یا شرایط ویژگی های دانش آموز ***

در شکل زیر متغیر های مهم نظریه یادگیری آموزشی نشان داده شده است :



نمودار اجزاء مهم رویکرد یادگیری در حد تسلط

* بلوم ، بنجامین (1374) ، ویژگی های آدمی و یادگیری آموزشی ، ترجمه علی اکبر سیف ، ص 9 .

** رمی زفسکی ، ای . جی . (1379) طراحی نظام های آموزشی ، ترجمه هاشم فرادانش ، ص 262

*** بلوم (1374) ، همان منبع ص 71 .

یادگیرنده در مواجه با یک تکلیف (تکالیف) یادگیری دارای دو دسته ویژگی ورودی شناختی و عاطفی است.

« یکی از ویژگی های دانش آموز که آن را در تعیین یادگیری دانش آموز اساسی می دانند رفتارهای ورودی شناختی است. » این اصطلاح به یادگیری های پیشین دانش آموز که برای یادگیری تازه ضرورت دارند و به مثابه پیش نیاز به حساب می آیند اشاره می کند . خصوصیت دوم دانش آموز ویژگی های ورودی عاطفی یا انگیزش برای یادگیری تکلیف (تکالیف) جدید است .

باور این است که مهمترین متغیر آموزشی کیفیت آموزش است . که منظور از آن مناسب سازی فعالیت های آموزشی با دو ویژگی یاد شده است . با توجه به این عوامل تاثیر گذار بر آموزش و ارائه فرصت و زمان مورد نیاز یادگیری می توان با ایجاد تغییر در رفتارهای ورودی شناختی ، ویژگی های ورودی عاطفی و کیفیت آموزش به بازده های یادگیری در حد تسلط در مطلوب ترین مدت ارائه آموزش دست یافت .

مراحل آموزش برای یادگیری در حد تسلط

مرحله اول : تعیین هدف های آموزشی و رفتارهای ورودی

رعایت این مرحله در تمام فعالیت ها و روشهای آموزشی ضروری است . در فصول قبل به نحوه تعیین و تبیین و تجزیه تحلیل اهداف اشاره شد . طریقه مناسب برای این امر استفاده از جدول مشخصات اهداف و محتوای آموزشی است . تشریح این جدول شیوه طراحی و کاربرد آن در فرایند آموزش در متن نظارت و ارزشیابی آموزشی ارائه شده است . اما به اختصار اشاره می شود که این جدول دارای دو بعد هدف و محتواست .

زمان مورد نیاز برای یادگیری	بفش دوم کتاب مباحث مقدماتی فصل های اول و دوم	فصل سوم کتاب مباحث مقدماتی دستگاه گوارش	مطالب فصل اول کتاب مباحث مقدماتی سازمان عملی بدن انسان	ممتو سطوح هدف هدف	ردیف
2 زمان 10 دقیقه	• اصول تغذیه • گروه های غذایی • چگونه باید از گروه های غذایی استفاده کرد	بخش های مختلف دستگاه گوارش و وظیفه آنها (صفحات 16-24)	مجموعه سلول هایی که ساختمان و کار یکسان دارد و بافت نامیده می شود. اندام عبارتست از ... عضو ...	دانش آموز خواهد توانست منظور از بافت اندام و عضو را تعریف کند	1
5 زمان 15 دقیقه ای		• دهان و دندان • مری • معده • روده • غدد گوارشی		بتواند نقش هر عضو دستگاه گوارش را توضیح دهد.	2
3 زمان 10 دقیقه ای				توصیه های لازم برای تغذیه مناسب را ارائه نماید.	3

در مرحله اول آموزش برای یادگیری در حد تسلط ، پس از تعیین اهداف و محتوای مربوط به آن در هر یک از موضوعات (تکالیف یادگیری) ، لازم است پیش نیاز های مرتبط با هر موضوع در قالب هدف های ورودی تعیین شوند .

مرحله دوم : تعیین حد تسلط

منظور از تسلط در این نظریه یادگیری ، بازنده مطلوب یادگیری و سطح قابل قبولی از عملکرد حاکی از توفیق در یادگیری است . تسلط پیش شرط کفایت و مهارت است . برای تعیین حد تسلط معمولاً از ارزشیابی مداوم یادگیرنده برای کمک به دانش آموز و رفع نواقص یادگیری استفاده می شود . تعیین حد تسلط به یادگیرنده و یاد دهنده در میزان دستیابی به نتایج نهایی یادگیری کمک می کند . به عنوان مثال : دانش آموزان بهورزی باید بتوانند کار کردن با ترازوی توزین طفل را با دقتی به میزان حداکثر اشتباه 20 گرم انجام دهند .

مرحله سوم : تعیین واحدهای آموزشی . یاد گیری

پس از تعیین واحدهای کوچک تر یادگیری ، که اجزاء کل مطالب را تشکیل می دهند و تعیین حد مطلوب یادگیری ها در این مرحله ، به صورت گروهی ، واحد مطالب درسی در قالب یک طرح آموزشی ارائه می شوند . « طرح آموزش گروهی برای یادگیری در حد تسلط باید به گونه ای تهیه شود که مربی در اجرای آن از طریق فعالیت های آموزشی:

- 1 . توجه دانش آموزان را به خود جلب نماید .
- 2 . اطلاعات لازم را درباره آنچه که دانش آموز باید بیاموزد و چگونگی یادگیری آن را در اختیار آنها قرار بدهد.
- 3 . هنگام لزوم دانش آموزان را تشویق کند تا در مدت معینی که برای آموزش مطلب مورد نظر مشخص شده است در فرایند یادگیری به طور فعال شرکت کنند . * نمونه های متعددی از این برنامه در کتب مختلف مجموعه آموزشی بهورزی معرفی شده است .

همچنین باید فعالیت هایی را که یاد گیرندگان باید در فرایند آموزش برای دستیابی به اهداف آموزشی انجام دهند را در ابتدای ارائه آموزش مشخص نمود.

مرحله پنجم : اجرای ارزشیابی ضمن آموزش و ارائه آموزش اصلاحی

مرحله ای که در روش آموزش یاد گیری در حد تسلط مورد توجه ویژه ای قرار گرفته است ، ارائه آموزش های اصلاحی و استفاده از ارزشیابی در بهبود فرایند یاددهی . یادگیری است . « آندرسون و بلاک (1977) خاطرنشان می سازند که ترکیب باز خورد داده شده که به دانش آموزان فرصت می دهد تا اشتباهات یادگیری اصلی یا یادگیری از طریق آموزش گروهی اولیه را برطرف کند کلید توفیق روش یادگیری در حد تسلط است .» **.

مرحله ششم : ارزشیابی نهایی

این نوع ارزشیابی به منزله تعیین میزان دستیابی یاد گیرندگان به رفتار های مورد نظر حاصل از انجام فرایند

* سیف ، علی اکبر (1378)

** همان منبع ص 570

آموزش در حد تسلط است . مهمترین حاصل اجرای این مرحله ، فراهم آوردن مقدمات اصلاح طرح آموزشی و اجرای هر یک از مراحل آموزش است .

مرحله هفتم : تجدید نظر در طرح آموزشی

نتایج ارزشیابی نهایی در تایید طرح و یا مواردی که نیازمند به اصلاح هستند کمک بسیار ارزنده ای می نماید . با توفیق یادگیرندگان در رسیدن به حد تسلط می توان طرح را تایید و در صورت عدم آن به اصلاح طرح اقدام نمود . در نظر گرفتن هر یک از اجزاء و متغیر هایی که نظریه یادگیری در حد تسلط ، در روش آموزشی خود پیشنهاد می کند مورد تجدید نظر و اصلاح قرار می گیرند . پس از اجرای آنها هر طرح آموزشی مسیری در راستای موفقیت هرچه بیشتر در فرایند یاددهی . یادگیری طی خواهد شد .

تمرین

با پاسخ به پرسش های زیر میزان آموخته های خود را از مطلب این فصل ارزیابی نمایید . چنانچه در ارائه پاسخ با مشکلاتی مواجه بودید متن را مجدداً مرور نمایید از پاسخ های ارائه شده خلاصه ای از مطالب این فصل تهیه نمایید .

1. تاکید رویکرد یادگیری در حد تسلط بر کدام عنصر موثر در یادگیری است ؟
2. براساس نظریه کارول رابطه میزان یادگیری و زمان یادگیری چگونه است ؟
3. سه متغیر مهم برای یادگیری در حد تسلط را توضیح دهید
4. نمودار اجزا مهم رویکرد و یادگیری در حد تسلط را تجزیه و تحلیل نمایید و درباره متغیر های اصلی آن به اختصار توضیح دهید .
5. مراحل روش آموزش برای یادگیری در حد تسلط را به ترتیب ذکر کنید و فعالیت های مهم هر مرحله را مختصراً بنویسید
6. جدول هدف / محتوا چه کاربردی در این روش آموزشی دارد و در کدام مرحله مور استفاده قرار می گیرد ؟
7. منظور از « تسلط » را مختصراً توضیح دهید
8. یک موضوع درسی از کتاب مبانی بهداشت و کار در روستا انتخاب نمایید و با استفاده از مراحل مختلف آموزش برای یادگیری در حد تسلط ، طرح آموزشی تهیه نمایید .

1. به طور کلی در یک تقسیم بندی علوم به دو دسته بنیادی و کاربردی طبقه بندی شده اند .

علم بنیادی : منظور از علم بنیادی علمی است که یافته های اساسی و زیربنایی را فراهم می آورد . هدف عمده ای که از تلاش خود دارد اینست که بتواند به یک نظریه (تئوری) درباره واقعیت ها دست یابد . البته باید توجه داشت که نتایج علمی بنیادی یقیناً در خدمت علم کاربردی قرار خواهد گرفت .

علم کاربردی : این دسته علم ها به این دلیل عنوان کاربردی به خود گرفته اند که نتایج عملی و قابل استفاده به دست می دهند . پژوهشگر علم کاربردی به دنبال یافتن راه حل برای سؤالاتی است که پاسخ به آنها می تواند مشکلی را برای آدمی حل نماید .

عمل بنیادی به کشف روابط میان پدیده ها و ایجاد و وضع نظریه ها و قانون علمی می پردازد اما علم کاربردی عموماً در جهت کاربرد نظریه ها و قوانین ، وسایل ، روش ها برای کارهای علمی تلاش می کند .

2. به طور کلی هدف هر علم ، در ک و تبیین پیش بینی و کنترل پدیده هایی است که با آنها سر و کار دارد . بنابراین روانشناسی نیز مانند هر علم دیگری در مجموع این سه هدف را درباره رفتار و فرآیند های ذهنی مورد بررسی قرار می دهد.

3. در اینجا بهتر است بدانیم تعریف چیست ؟ یعنی (تعریف) را تعریف کنیم . تعریف در لغت به معنای شناساندن است و منظور اینکه پدیده ، شیئی یا مفهومی را به طور جامع به دیگران بشناسانیم ؛ به طوری که مخاطبان درک مشترکی از آن داشته باشند . بنابراین یک تعریف باید جامع ، مانع و شناساننده باشد . برای این کار از کلمات و عبارات استفاده می شود ؛ طوری که ترکیب آنها به شناسایی و ادراک مشترک منجر شود . مثال : عضو عبارتست از مجموعه چند بافت مختلف که به صورت سازمان یافته و به هم پیوسته ، یک یا چند کار معین انجام می دهند . سلامتی عبارتست از رفاه کامل جسمی ، روانی و اجتماعی ، ...

4. امروزه در محافل تعلیم - تربیت فرایند آموزش را با مفهوم جریان « یاددهی - یادگیری » نیز بیان می کنند . این ترکیب که با خط تیره از یکدیگر جدا شده اند از دو مفهوم فرایند های تدریس (یاددهی) و یادگیری تشکیل شده است و اهمیت وقوع « یادگیری » را در آموزش نشان می دهد . هولمبرگ (1995) در این باره می گوید : « یادگیری می تواند بدون یاددهی اتفاق بیافتد و یاددهی هم می تواند بدون یادگیری اتفاق بیافتد » بنابراین آموزش آن نوع یاددهی است که باید توأم با یادگیری باشد .

5. منظور اصلی از ارائه هر نوع طبقه بندی ، تعیین گروه هایی از مجموعه نظرات ، انواع اشیا ، رفتار ها و غیره است که اعضای آن دارای خصوصیات مشترکند که براساس نشانه های مناسب در یک طبقه جای می گیرند . بر این

اساس تهیه یک طبقه بندی از هدف های آموزشی نیز مستلزم انتخاب و تعریف مجموعه مناسبی از نشانه هاست که بتواند انواع اصلی نتایج آموزش یا یادگیری ها را نشان دهد .

6. رده بندی سطوح مختلف یادگیری در حیطه روانی . حرکتی توسط دیو (Dave) انجام شده و صاحب نظران دیگری از جمله گیلفورد (1968)، سیمیسون (1969)، کیبلرو مایلز (1970) ، هارو (1972) و دیگران در این زمینه نظرات و پیشنهاداتی ارائه نموده اند.

7. از سوی صاحب نظران آموزش طبقه بندی های دیگری از هدف های آموزشی ارائه شده که هر یک ضمن داشتن محاسن و ویژگی های خاص خود کاربرد های ویژه ای دارند . در این متن تنها به تشریح طبقه بندی بلوم اکتفا شده است که علت آن رواج بیشتر این طبقه بندی در محافل تعلیم - تربیتی ایران است . در اینجا به منظور اشاره ای کلی به این طبقه بندیها به اختصار به برخی از آنها اشاره می شود .

جدول خلاصه شده برخی طبقه بندی های هدف های آموزشی و ویژگیهای آنها

عنوان طبقه بندی	فرده طبقات	ویژگی ها
گانیه رابت (1965) بر اساس انواع یادگیری	یادگیری علامتی ، محرک پاسخ ، زنجیره ای ، کلامی ، یادگیری تمیز محرکات ، یادگیری مفهوم ، یادگیری قانون ، یادگیری حل مساله	• توجه به ارائه تعریفی از هر طبقه یادگیری به صورت عملکرد قابل مشاهده • توجه به فرایند آموزش • توجه به طراحی آموزشی • توجه بیشتر به سال های ابتدای آموزش عمومی
گانیه رابرت (1965) براساس طبقات یادگیری	اطلاعات لغوی ، مهارت های ذهنی ، راهبرد های شناختی ، گرایش ها ، مهارت های حرکتی	• توجه به آمادگی دانش آموز • نامشخص بودن روش ها
گیلبرت (1962) براساس سه نوع رفتار قابل مشاهده	زنجیره ها ، تشخیص ها تعمیم ها	• عدم توجه به فرایندهای درونی یادگیری • متناسب نبودن با آموزش
میگروبیچ (1967) بر اساس مراحل انجام یک فعالیت	تشخیص ، حل مشکل ، یاد آوری، به کار گیری بیان	• نسبتا ساده است • توجه به کارآموزی و انجام یک وظیفه دارد
الگوی کرایپ (1975) براساس رویکرد الگوریتمی	درک مطلب ، مهارت های بازتابی ، ایجاد گرایش ، یاد سپاری ، یادگیری روش کار	• توجه به الگوریتم دقیق برای انجام فعالیت ها • عدم آرایه شیوه ها و روش های آموزشی
مریل (1981) براساس عملکرد	یاد آوری ، کاربرد ، یافتن و کشف حقایق ، مفاهیم ، روش کارها ، اصول یا قوانین	• توجه به تفکیک و تقسیم انواع عملکرد های فراگیر • ارائه راه حل های علمی و موثر طراحی آموزشی